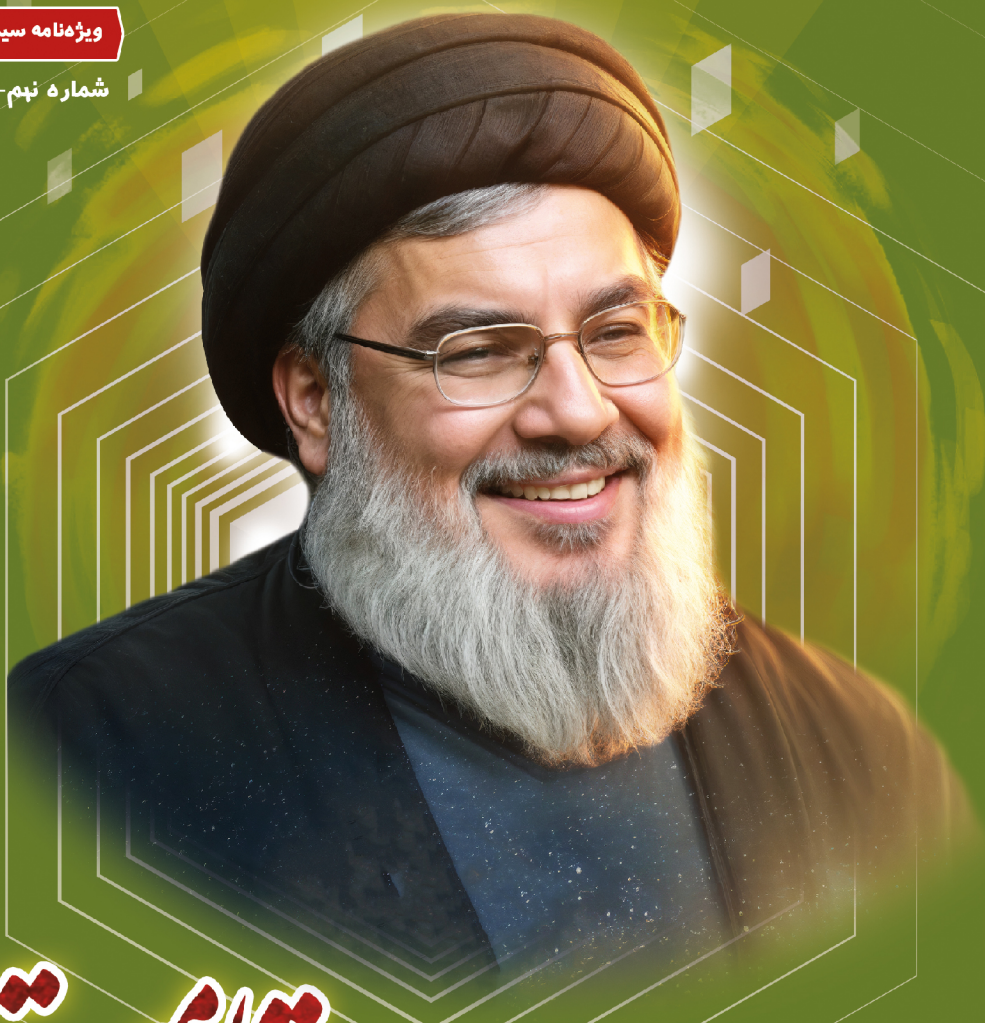


ویژه‌نامه سید مقاومت

شماره نهم - سال ۱۴۰۳



سید مقاومت

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه

سید مقاومت

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛

ویژه نامه نهم

مرکز پژوهش های تبلیغ-مجمع آموزشی پژوهشی تبلیغ با همکاری

گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه؛ اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات

اسلامی و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

ویژه نامه نهم:

سید مقاومت

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛

مرکز پژوهش‌های تبلیغ-مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

هیئت تحریریه:

محمود مقدمی، محمد جبله، رضا زندوکیلی،
علیرضا زنگونی، مصطفی آزادیان،
نصرالله درویشی، محمدرضا نیکوکلام

صفحه آرایی: محمدی فرد

چاپ: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	سرمقاله
	آیت الله اعرافی:
۸	ویژگی منحصر به فرد دبیرکل شهید سید حسن نصرالله <small>علیه السلام</small>
	مصاحبه با آیه الله کعبی <small>رحمته الله علیه</small> :
۱۲	ابعاد شخصیتی رهبر مقاومت لبنان، شهید سید حسن نصرالله <small>علیه السلام</small>
۲۱	تحلیل قرآنی از وضعیت آخرالزمانی
۳۰	سخنرانی مکتوب؛ هم‌افقی با ولی
۴۴	چگونگی مواجهه کنشگران با مسئله فلسطین و لبنان
۵۴	نقش حزب الله لبنان در امنیت ایران
۶۳	حمایت عالمان شیعه از فلسطین
۷۴	بایستگی مقاومت
۸۴	مؤلفه‌های رهبران مقاومت از منظر قرآن کریم
۹۴	پاسخ به شبهات؛ زندگی و مقاومت
۱۱۶	ویژگی‌های یهود در قرآن
۱۳۰	مسیحیت صهیونیستی
۱۴۵	شهادت مزد مجاهدت
۱۴۹	ضعف اعتماد به امام رمز پیروزی دشمن
۱۵۲	فرامتن نماز جمعه نصر

محمود مقدمی

تاریخ در حال ورق خوردن است. قرار است امت اسلامی زمینه ساز ظهور صاحب و مولایمان، حضرت ولی عصر عجلایه، باشد. قرار است جهان آماده انقلابی عظیم شود. باید قلب های مردم جهان برای پذیرش مظهر عدالت خدا آماده شوند و این تحول عظیم نیاز به خون دارد. باید برای ظهور قربانی داد. و رسم های بلیان اهدای عزیزترین ها برای قربانی است. و در این دوران و برای این امر خطیر چه کسی عزیزتر از سید مقاومت، سید حسن نصر الله است؛ همان دلاورمردی که دست و بازوی رهبر و امام امت اسلامی است؛ مجاهد کبیری که حضرت آقا لازم دانستند در تکریم از ایشان بفرمایند: «برادرم و عزیزم و مایه فخرم، چهره محبوب دنیای اسلام و زبان گویای ملت های منطقه، گوهر درخشان لبنان، جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه.» همان مجاهد فی سبیل الله که به فرموده امامان، «پرچم بلند مقاومت در برابر اهریمنان ستمگر و غارتگر بود، زبان گویا و مدافع شجاع مظلومان و مایه دل گرمی و جرئت مبارزان و حق طلبان بود».

ما معتقدیم تقدیم قربانی برای اعتلای کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هزینه انقلاب نیست؛ سرمایه گذاری است؛ زیرا با رها شدن شخصیت هایی چون سید حسن نصرالله و سید هاشم صفی الدین و مردانی از این قبیل و از این قبیله از قید زمان و مکان و عدم حضور ظاهری ایشان در این نشئه، «روح و رهبری آنان در میدان حاضر است». البته همان طور که مقام معظم رهبری حفظه الله امام خامنه ای عزیز فرمودند، «همه در فقدان بزرگ شهادت سید عزیز، مصیبت زده و جداً عزاداریم. البته عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نوامیدی نیست؛ بلکه از جنس عزاداری برای سیدالشهدا، حسین بن علی علیهما السلام است؛ یعنی زنده کننده و درس دهنده و انگیزه بخش و امید آفرین است».

وقتی قرار است شمشیری برای دستان قهرمان ساخته شود، باید در کوره داغ شود، سرخ شود، پتک بخورد آن قدر که همچون فولاد آب دیده شود، تیز و برنده شود، به گونه ای که در مقابل هیچ دشمنی خم نشود و هرگز نشکند. امت اسلام



باید بداند و می داند که اگر قرار است در لشکر پسر علی علیه السلام و ذوالفقار مهدی فاطمه علیها السلام باشد کمربندها را محکم ببندد و این سختی‌ها را تحمل کند و این داغ‌ها را به جان بخرد؛ به قول رهبر عزیز انقلاب، «باید همه کشورهای اسلامی، از افغانستان تا یمن و از ایران تا غزه و لبنان، کمر بند دفاع، استقلال طلبی و عزت را محکم ببندیم». وقتی بعد از شهادت سید، حضرت آقا صحبت از بستن کمر بند کردند، ویژگی آن را هم مشخص فرمودند؛ کمر بندی که سه جهت یا مرتبه دارد: دفاع، استقلال طلبی، و عزت. یعنی برای ورق زدن تاریخ باید یک حرکت عظیم انجام شود. محدوده عملیات هم مشخص شده است: «همه کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی»؛ زیرا «دشمن ملت ایران همان دشمن ملت فلسطین است، همان دشمن ملت لبنان است، همان دشمن ملت عراق است، همان دشمن ملت مصر است، دشمن ملت سوریه است، دشمن ملت یمن است. دشمن یکی است؛ شیوه‌های دشمن در کشورهای مختلف مختلف است: یک جا با جنگ روانی، یک جا با فشار اقتصادی، یک جا با بمب‌های دوئنی، یک جا با سلاح، یک جا با لبخند. دارند دشمنان ما این سیاست را پیش می‌برند؛ اما اتاق فرمان یک جا است، از یک جا دستور می‌گیرند، از یک جا فرمان حمله به جمعیت‌های مسلمان و ملت‌های مسلمان را دریافت می‌کنند». البته این نام بردن از برخی کشورها با توجه به توضیحات بعد از آن به عنوان «مشت نمونه خروار» است، نه محدود کردن کشورهای اسلامی، و چه بسا اشاره‌ای باشد به نیروهای انقلابی در برخی کشورهای اسلامی منطقه که وقت بیدار شدن است و نباید خواب غفلت مداوم باشد. معظم له با اشاره به غفلت مسلمانان در ادوار گذشته در دستوری پیشگیرانه خاطرنشان می‌کنند: «امروز دیگر نباید غفلت کنیم؛ باید حواسمان جمع باشد. ما باید کمر بند دفاع را، کمر بند استقلال طلبی را، [کمر بند] عزت را، ... محکم ببندیم.»

البته برای یک حرکت عظیم الگو و نمونه هم لازم است. باید مکتب‌سازی کرد. حضرت آقا شهدای شاخص مقاومت را به عنوان الگو و مکتب معرفی کرده و فرموده‌اند: «سید مقاومت یک شخص نبود؛ یک راه و یک مکتب بود، و این راه

همچنان ادامه خواهد یافت». شبیه این تعبیر را برای شهید قاسم سلیمانی نیز فرمودند: «شهید سلیمانی یک مکتب شد یا یک مکتب بود». به فرموده ایشان، «شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود - شهادتش هم مکمل این معنا بود - اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الآن در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان «شهید سلیمانی» است. در واقع ایشان نرم افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد، به ملت‌ها سرایت داد، در ملت‌ها رایج کرد». و البته شهید نصرالله، شهید صفی‌الدین، شهید سنوار و... در همین مسیر و اهل همین پیمان و پیمان‌اند.

پس هم راه مشخص است هم الگو مشخص شده و هم امام ما علم بردوش منتظر قیام انقلابیون در سرتاسر کشورهای اسلامی است. البته وظیفه مبلغان در این عرصه روشنگری و ترویج مکتب شهیدان سلیمانی و سید نصرالله است. باید شیوه مبارزه فرمانده سنوار را ترویج کرد که گفت: «ما باید به همان مسیری که شروع کرده‌ایم ادامه دهیم. بگذارید کربلای جدیدی رخ دهد».

چهار نهاد مهم تبلیغی، یعنی مرکز پژوهش‌های تبلیغ، تأمین محتوای دفتر تبلیغات، تولید محتوای سازمان تبلیغات و مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات (وابسته به حوزه علمیه) تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا با مصاحبه‌ها و مقاله‌هایی از مدرسان و محققان و صاحب‌نفسان حوزه، ویژه‌نامه شهید مقاومت را تولید کنند و در دسترس مبلغان گرامی قرار دهند. امید است همه ما مشمول دعا‌های حضرت ولی عصر عجل الله فرجه قرار بگیریم.



آیت الله اعرافی رحمته الله علیه

سید حسن نصرالله مالک اشتر زمان

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در نامه های مختلف از جمله ۱۳، ۳۴ و ۳۸ نهج البلاغه بیش از ۲۰ صفت برای مالک ترسیم کرده و حکمت ۴۴۳ جامع اوصافی است که حضرت برای ایشان بیان کرده اند، گویا مالک را فقط حضرت علی علیه السلام می شناسد پس باید پای مکتب او مالک و مالک ها را شناخت، البته این قله ها و اسوه ها راهنما و چراغ هدایت ما هستند که با مدنظر قرار دادن آنها می توانیم مسیر روشنی را هدف بگیریم.

و قَالَ عليه السلام: مَالِكٌ، وَ مَا مَالِكٌ! وَ اللَّهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا؛ لَا يُزْتَقِيهِ الْحَافِرُ، وَ لَا يُرْفَى عَلَيْهِ الطَّائِرُ. هنگامی که خبر شهادت مالک اشتر به حضرت رسید فرمودند: «مالک، مالک چه بود! به خدا سوگند، اگر کوه بود، کوهی بی همتا و سرفراز بود و اگر صخره بود، صخره ای سخت بود که پای هیچ حیوانی به آن نمی رسید و هیچ پرنده ای به او نمی توانست برسد.

۱. آیت الله علیرضا اعرافی مدیر محترم حوزه های علمیه، شامگاه جمعه ۱۳ مهر در آیین بزرگداشت دبیرکل حزب الله لبنان که از سوی مقام معظم رهبری در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با حضور علما، مسئولین لشکری و کشور و آحاد مردمی برگزار شد سخنان ارزشمندی فوق را ایراد فرمودند

ویژگی‌های فردی سید حسن نصرالله

۶۰ سال است که ملت ایران بر سر این گفتمان ایستاده و همراه امامین انقلاب حرکت کرده و قم قهرمان پیشران این حرکت و مالک اشتر اسوه و الگوی ما بوده است او شخصیتی اسوه و الگو بود که توسط شقی‌ترین افراد به شهادت رسید.

بنده چند بار توفیق ملاقات با علامه سید حسن نصرالله را داشته‌ام، ایشان فرمانده‌ای بزرگ و الهام بخش بود که علی‌رغم چندین دهه زندگی توأم با محدودیت از معادلات پیچیده بین‌المللی مطلع و نسبت به اوضاع منطقه و جهان درک عمیقی داشت.

ویژگی‌های ممتاز و شاخصی در شهید سید حسن نصرالله بود که اگر بخواهیم به صورت مختصر به ویژگی‌های ممتاز دبیرکل شهید حزب الله لبنان اشاره کنیم در رأس آن می‌بایست به اخلاق ممتاز فردی، حس خلق، معاشرت نیکو، جاذبه فردی و برخورد ممتاز با دیگران نام برد.

امام صادق علیه السلام اهل بهشت را داری چهار ویژگی چهره گشاده، زبان خوش، دل مهربان و دست بخشاینده می‌داند که این شهید بزرگوار در این ویژگی‌های اخلاقی و معرفتی ممتاز بود.

عبادت، ذکر، دعا و معنویت از ویژگی دیگر سید حسن نصرالله بود. با توجه به شرایط سخت لبنان و منطقه، شهید عزیز ما هرگز اتصال خود را با خداوند کم نکرد او اهل معنویت بود و در خاطر دارم در یکی از دیدارهایی که بعد از جنگ ۳۳ روزه با ایشان داشتم، هفت یا هشت مورد از نمادهای امداد غیبی در این جنگ را برایم نقل کرد.

ویژگی‌های ممتاز سید حسن نصرالله حکمت، عقلانیت، دانش و خردورزی بود او، خط شکن اما اهل علم، دانش و خرد بود و محاسبات دقیقی داشت

سید حسن نصرالله تمامی امورات علمی و حوزوی خود را تعقیب می‌کرد و مباحثات علمی داشت.



او از روحیه انقلابیگری عقلانی و منطقی منحصر به فردی برخوردار بود. شجاعت، روحیه انقلابی و جهادی او مثال زدنی است

ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی سید حسن نصرالله

ویژگی دیگر ایشان درک بالا از معادلات سیاسی و نظامی بود. عقل معنوی، جهادی، راهبردی، نظامی، خلاقیت، ابتکار و استعدادی که سید حسن نصرالله داشت او را به درک کننده معادلات نظامی و سیاسی مطرح جهان مبدل کرده بود.

ایشان دارای عقل راهبردی بود و وقتی به مسائل عالم سیاست می پرداختیم، در می یافتیم که در اعماق سیاست عالم دست دارد و درک عمیقی از قدرت حاکم بر جهان و منطقه دارد. عمق مطلب را می دانست و آینده را می دید و متغیرات عالم و سیاست را می دانست.

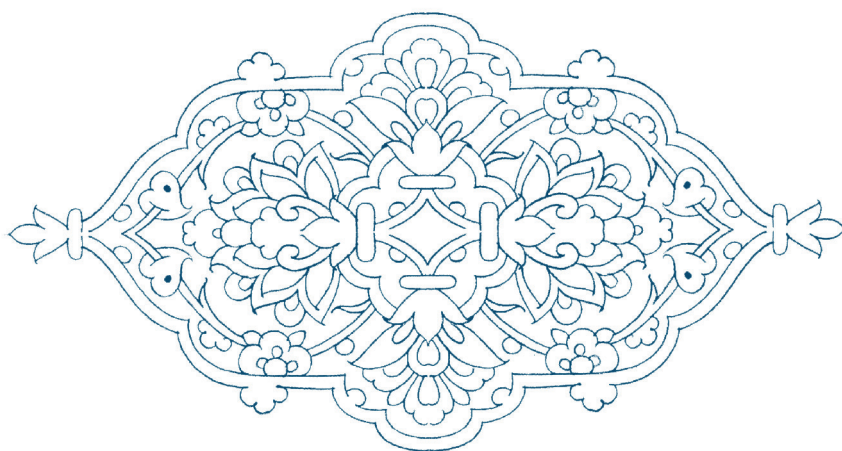
«جهان شناسی»، سید مقاومت به عنوان یک جهان شناس، کشورهای جهان را می شناخت و در چند ساعت چندین کشور دنیا را تحلیل می کرد، کاملاً به روز بود.

ایشان نسبت به یمن نگاه خاصی داشت و می گفت؛ «یمن کانون راهبردی و موج آفرین خواهد شد». این نگاه ناشی از دید نافذ، جامعه شناسی و روانشناسی سید حسن نصرالله بود که با نگاه بلند ایمانی و بلند آرمانی ایشان عجین شده بود.

«ولایت مداری»؛ در همه این ویژگی‌ها «ولایت مداری» سید حسن نصرالله نسبت به سایر ویژگی‌های ایشان نقش محوری داشت. با توجه به این که ایشان از رهبران بزرگ جهان اسلام و جهان عرب بود، خود را شاگرد مکتب امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری می دانست و ذوب در ولایت و رهبری بود او خود را شاگرد کوچک امامین انقلاب می دانست.

«جهانی اندیشیدن و رویکرد تمدنی»؛ ویژگی دیگر شهید سید حسن نصرالله رویکرد تمدنی ایشان بود. دبیرکل شهید حزب الله وحدت امت واحده اسلامی و راه نابودی استکبار و استبداد را وحدت و انسجام امت اسلامی می دانست.

«سعه صدر و صبوری»، «قدرت رهبری و مدیریت در بحران‌ها»، «نهادسازی اجتماعی و قدرت سازی»، «عقل نظامی، خلاق و مبتکر»، «جاذبه و دافعه»، «نآرام، تلاشگر و خستگی ناپذیر» از دیگر ویژگی‌های ممتاز و برجسته این شهید جبهه مقاومت و اسوه پایداری است.





سؤال: خدای مهربان را شاکریم که امروز در معیت شما استاد گرامی هستیم، از این که در این ایام فرصتی در اختیار ما گذاشتید، کمال تشکر را داریم. با توجه به سابقه آشنایی که از گذشته با سید مقاومت داشتید، در رابطه با ابعاد شخصیتی این شهید بزرگوار مطالبی را بفرمایید.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا المصطفى ابى القاسم محمد و على آله الطيبين الطاهرين.

بنده جناب حجة الاسلام والمسلمين شهيد سید حسن نصرالله رحمته الله، شهيد مقاومت را از اواخر سال ۶۰ و ابتدای سال ۶۱ تاکنون می شناسم. روابط ما دوستانه و براساس همين مسئله جهاد بوده و اين سعادتى است. شخصيت ايشان چندبُعدى بوده، تمام اين ابعاد برای مبلّغين و ملت ايران حايز اهميت است. بُعد اول اين که ايشان عالم برجسته حوزوى است که از دو شخصيت متأثر شده: يکى آية الله شهيد سید محمدباقر صدر رحمته الله که نزد ايشان هم معمم شد و هم خطابه ایراد کرده بود و دوم، شهيد سید عباس موسوى، دبیرکل سابق حزب الله لبنان که دوازده سال از ايشان بزرگ تر بود.

در فضای حوزه نجف قبل از پیروزی انقلاب، ایشان به اصول، عرفان، معنویت و در واقع تهذیب نفس می پردازد و وقتی توسط صدام در معرض تهدید قرار می گیرند و باید از عراق خارج می شدند، خارج می شوند و لبنان می روند. در آن جا ایشان و شهید سید عباس موسوی، قبل از پیروزی انقلاب، حوزه بعلبک را راه می اندازند. ایشان تعریف می کرد که من به سید عباس علیه السلام اصرار می کردم که حوزه در بیروت باشد، ایشان اصرار می کرد در بعلبک باشد؛ به خاطر تداوم راه شهید اول و شهید ثانی علیهما السلام؛ چون آن ها هم در بعلبک حوزه داشتند. ایشان می گفت که بعداً که انقلاب پیروز شد، هسته اصلی حزب الله در همان حوزه علمیه بعلبک که شهید سید عباس علیه السلام راه انداخته بود، شکل گرفت و ما فلسفه اش را فهمیدیم و این را از لطف امام زمان علیه السلام می دانستیم.

در حوزه نجف برای سید حسن نصرالله علیه السلام بعضی از مکاشفه های عرفانی شکل گرفت که برای من برخی از مکاشفه ها را توضیح داده بود. یکی از آن مکاشفه ها عبارت بود از نقشه و مسیر حرکت ایشان در همان آغاز حوزه تا پیروزی در جنگ ۳۳ روزه برای مسیر انتظار تا آزادی قدس. همه این ها را ایشان گفته بود؛ یعنی چنین روحانی و شخصیت وارسته ای بود و روح بزرگی داشت.

ایشان مسلط به دروس سطوح و بحث های دروس خارج فقه و اصول بود. علی رغم جهاد و مسئولیت های سنگین جهادی اش در طول این ۴۰ سال، مباحثه حوزوی اش اصلاً تعطیل نشده بود. گروهی از شاگردان برجسته آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی علیه السلام بودند که با آن ها یک روز در هفته یا دو روز در هفته مباحثه می کردند و این بحث ها در اوج شرایط جهادی نیز تعطیل نمی شد. به مباحث رجالی، مهدویت و معارف قرآنی خیلی مسلط بود و مسائل فقهی را دقیق می دانست. می خواهم بگویم یک عالم فاضل برجسته حوزوی بود که سطح حوزوی او در متن مباحثه بیش تر شد؛ اما مبارزه و جهاد و حضور در میدان، از فضل حوزوی نمی کاهد. می شود بین جهاد فی سبیل الله و دانش حوزوی تلفیق ایجاد کرد.

ایشان نسبت به راه اندازی مدارس علمیه و تربیت طلاب و فضیلهای مؤمن و انقلابی و حاضر در میدان و به طور کلی، روحانیون رزمنه - تبلیغی اصرار داشت و



این اواخر علاوه بر حوزه بعلبک، حوزه‌ای در جنوب لبنان نیز راه انداخته بود. در شخصیت حوزوی اش به مراجع معظم تقلید احترام زیادی می‌گذاشت و اهمیت ویژه‌ای می‌داد؛ هم مراجع نجف و هم مراجع قم و بارها در مورد خصوصیات، ویژگی‌ها و جایگاه مرجعیت با هم گفت‌وگو می‌کردیم؛ البته برای او مهم بود که حوزه علمیه و روحانیت در هر جا در مسیر ولایت فقیه باشد یا حداقل با ولایت فقیه و تصمیم‌های او معارضه نکند. این بخش اول شخصیت ایشان بود.

بخش دوم شخصیت ایشان بُعد سیاسی است. شخصیت سید حسن نصرالله علیه السلام در جنوب لبنان و در قالب «حرکت امل» یا «سازمان امل» شکل گرفت و مسئول شاخه سیاسی امل بود. در همان جوانی قبل از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب، به سازمان امل می‌گویند که ما باید اصل ولایت فقیه را در اساس نامه خود بگنجانیم و چون اختلاف می‌شود، ایشان از آن سازمان جدا می‌شوند و شاخه دیگری از سازمان امل تشکیل می‌دهند، به نام «سازمان امل اسلامی» که مسئولیت آن برعهده ابوهشام سید حسین موسوی بود.

ایشان دوره آموزش نظامی را در همان سال‌های ابتدایی دید و در واقع یک روحانی رزمی-تبلیغی بود؛ یعنی در عین حالی که دوره آموزش نظامی دیده بود، در میدان جهاد نیز حضور داشت و هنوز حزب الله تشکیل نشده بود، به عنوان یک روحانی جوان امام جمعه نیز بود. نماز جمعه را در «نبی شیث» و بعلبک را می‌خواندند. یک هفته در نبی شیث ایشان نماز جمعه را می‌خواندند و شهید سید عباس موسوی در بعلبک می‌خواندند؛ هفته بعد با هم عوض می‌کردند.

روحانی عقیدتی-سیاسی نیز بود. در سیاست، قبل از انقلاب الگوی او امام موسی صدر علیه السلام بود؛ اما بعد از پیروزی انقلاب الگوی او امام خمینی علیه السلام شد و البته بعد از امام علیه السلام، مقتدا و ولی او بدون هیچ تردیدی امام خامنه‌ای علیه السلام شد و حقیقتاً ذوب در ولایت ایشان بود. ذوب در ولایت به این اندازه که روزی به من گفت: امام صادق علیه السلام چند شیعه تنوری داشت که حاضر باشند خودشان را در تنور بیندازند؟ گفتم: معلوم است، خیلی کم بودند. گفت: «ما این جا در لبنان بیش از

صد هزار شیعهٔ مقاوم حزب‌اللهی داریم که حاضرند به عنوان سرباز بقیهٔ الله ﷺ و گوش به فرمان ولیّ امر مسلمین و در رکاب حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای ﷺ برای سربازی امام زمان ﷺ بارها کشته شویم، دوباره زنده شویم و اسرائیل را نابود کنیم تا قدس را آزاد نماییم.» ایشان چنین روحیه‌ای داشت و حقیقتاً ذوب در ولایت بود، نه این‌که فقط شعار بدهد.

این هم یکی از بُعدهای شخصیتی ایشان بود، پس یک بعد او فضل حوزوی و بعد دیگر نیز ولایت‌پذیری شد و بعد سوم، سیاست‌مداری ایشان است. سیاست‌مداری او آن اندازه رشد کرد که با تیزهوشی؛ البته بر مدار تقوا و اخلاق، مرکز وحدت و تجمیع سلاقیق و جریان‌های سیاسی متفاوت لبنان بود. ایشان از لحاظ سیاسی توانست فرهنگ‌ها، گروه‌ها و تمدن‌های مختلف را زیر چتر ولایت جمع کند؛ چون جذابیت معنوی و هوش سیاسی را با هم داشت.

علاوه بر بعد سیاست داخلی، ایشان در بُعد سیاست خارجی نیز مذاکره‌کننده‌ای قوی بود؛ اما با رعایت خط قرمزهای روشن. ایشان به من گفت: آمریکایی‌ها به واسطهٔ کشور سوئیس برای ما پیام فرستاده‌اند که شما همین اندازه که به اسرائیلی‌ها کار نداشته باشید، حتی اگر نگویید دشمن ما نیستند، فقط همین که کاری به آنان نداشته باشید و دیگر برنامه‌ریزی نکنید که اسرائیل را از بین ببرید، ما شما را حاکم اول لبنان و منطقه قرار می‌دهیم، فقط با ما کنار بیایید. ایشان می‌گوید: من همان لحظه بدون یک ثانیه درنگ به آن‌ها گفتم: هرگز! مبنای اعتقادی ما نابودی اسرائیل است و ما نمی‌توانیم از این مبنا دست بکشیم و من هیچ‌گفت‌گویی در این باره با شما ندارم.

بعد ایشان به من گفت: اگر من حتی ۲۰ ثانیه درنگ می‌کردم یا می‌گفتم اجازه بدهید تأمل بکنم، القائنات و وسوسه‌های شیطان می‌آمد و این معنایش ضعیف النفس بودن ما بود؛ چون ما هیچ تردیدی در حق بر پایهٔ توحید، عدالت و آرمان‌های امام و شهدا نباید به خودمان راه بدهیم.

اما بُعد مذاکره‌اش برای حق به‌گونه‌ای بود که بارها بر رژیم صهیونیستی توانست



تحمیل بکند که زندانیان لبنانی را آزاد کنند و جشن آزادی اسرای لبنانی را بگیرند و بعضی از آن اسرا در میدان و در کنار حزب الله شهید و جزء بزرگان شدند. ایشان این‌گونه مذاکره‌کننده قوی و البته انقلابی و جهادی بود.

سؤال: در رابطه با شخصیت آن شهید، به خصوص مدیریت ایشان در میدان نبرد و صحنه جهاد، بفرمایید!

بعد دیگر شخصیت شهید سید حسن نصرالله علیه السلام بعد مدیریتی است؛ مدیریت جهادی که امروز نیاز انقلاب و جمهوری اسلامی، همین مدیریت جهادی مدبرانه کارآمد و کارگشاست. ایشان در مدیریت از تمام ظرفیت‌ها استفاده می‌کرد؛ قدرت سازماندهی و برنامه‌ریزی فوق‌العاده عالی داشت. در برپایی جلسات کاری، در تقسیم کار و توزیع نقش بین طیف‌ها و جریان‌های گوناگون، هنرمند بود. ارتباطات برون‌سازمانی او فوق‌العاده زیاد و قوی بود و ظرفیت‌ها و امکانات را می‌توانست مدیریت و استفاده کند و در لحظه تصمیم شجاعانه بگیرد و نقاط ضعف را بشناسد؛ نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کند و تهدیدها را به فرصت. در ضمن کار سازمانی، نیرو تربیت می‌کرد و نیروهای جوان نسل قبل را رشد می‌داد و به این شکل توانست در واقع چند نسل از مدیران جهادی را در درون حزب الله تربیت کند، به ویژه در مدت ۳۰ سالی که دبیرکل حزب الله بود.

سؤال: استاد بزرگوار! یکی از جنبه‌های شخصیتی شهید نصرالله علیه السلام که خیلی برجسته بود، این است که ایشان نماینده ولی فقیه بودند. درباره ایفای نقش ایشان در این جایگاه بفرمایید؟

جواب: بله، ایشان هم زمان امام علیه السلام و هم در زمان رهبر معظم انقلاب علیه السلام به عنوان نماینده ولی فقیه در لبنان، دفتر وجوهات شرعیه داشتند، استفتائات را پاسخ می‌دادند و خودشان بر این کارها اشراف داشتند. دفتر استفتائات حضرت آقا در لبنان توسط ایشان مدیریت می‌شد و کسانی را در دفتر گذاشته بودند که در پاسخ‌گویی به مسائل بسیار دقیق بودند و در بحث وجوهات نیز براساس دستورالعمل‌ها عمل می‌کردند؛ البته به من گفته بودند که غیر از حضرت آقا، از



آیه الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه و بقیه مراجع نیز وکالت داشتند و در دفترشان اقدام می کردند؛ چون ارتباط اعتقادی و حوزوی خوبی با تمام مراجع معظم تقلید داشتند. در عین حال مردم لبنان و منطقه را به تقلید از امام خمینی رحمته الله علیه و امام خامنه ای رحمته الله علیه ارجاع می دادند. این هم نقش فوق العاده مهمی است که در نقش نماینده ولی فقیه به تقویت ایمان، خدمت اجتماعی و حل مشکلات مردم توجه ویژه ای داشته، برای این کار طراحی و برنامه ریزی می کردند.

محوریت مسجد برای ایشان خیلی مهم بود. زمانی دستور داده بودند که نیروهای اصلی روحانی و عالم حزب الله ضمن نماز جماعت ها و مسجد، هر کدام منطقه بزرگی از مناطق حزب الله را پوشش فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و سیاسی بدهند.

سؤال: استاد گرامی! اکنون که بحث به این جا رسید، لازم است درباره دغدغه های تربیتی سید مقاومت مطالب بیشتری بفرمایید!

جواب: نسبت به تربیت نیروی فرهنگی، جهاد فرهنگی و جهاد اخلاقی، چندین دوره تحت نظر ایشان نیروهای شناسایی و شناسایی و تربیت شدند که بخشی کارهای فرهنگی حزب الله، به ویژه مجله «بقیه الله رحمته الله علیه» را به دست گرفتند و بعد شبکه المنار و دیگر شبکه هایی که برای کار رسانه ای راه اندازی شد. ایشان به تربیت نوجوانان و کودکان دختر و پسر بهای ویژه ای می داد. به من می گفت که مهم ترین بخش حزب الله که به آن اهتمام دارم، بحث نوجوانان است که در لبنان به این گروه «کشفة المهدی رحمته الله علیه» می گفتند؛ یعنی پیشاهنگانی که بستر ساز ظهور امام زمان رحمته الله علیه می شوند. می فرمودند: من مهم ترین سخنرانی هایم را در سال برای کشفة المهدی رحمته الله علیه انجام می دهم.

می گفت: در لبنان فضا سازی کرده بودند که حزب الله مزدور ایران و ولایت فقیه است. می گفت که من در یکی از این سخنرانی ها برای کشفة المهدی رحمته الله علیه به مناسبت ۱۵ شعبان، گفتم: ما افتخار می کنیم که حزب ولایت فقیه هستیم؛ چون ولایت فقیه امتداد اعتقادی و امتداد امامت الهی است! و در این زمینه مفصل



صحبت کردم که ولایت فقیه منافاتی با توجه به مسائل هم‌بستگی ملی و خدمت به میهن و امثال این‌ها ندارد.

به مدارس آموزش و پرورش اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داد و برای این کار در دل نظام آموزش و پرورش لبنان مدارس «امام المهدی علیه السلام» راه انداخت که فوق‌العاده عالی است و تربیت فرهنگی‌شان براساس تلفیق ماهرانه بین علم و ایمان و بصیرت است.

وقتی ایشان شبکه ماهواره‌ای المنار را راه انداختند، در بحث نظارت شرعی و این‌که در این شبکه و رادیوی نور که راه انداخته بودند، مهم بود خودشان نظارت داشته باشند تا هیچ برنامه‌ای، فیلم یا صدایی خلاف شرع منتشر نشود. برای اطمینان کار، مجموعه‌ای از طلاب را نیز موظف کرده بود که نظارت کنند. آن طلاب در ابتدا هیچ چیز از مسائل هنری و فنی بلد نبودند و می‌گفتند ما اول نمی‌دانستیم چه کار باید بکنیم؛ اما ایشان باعث شد آن‌ها دوره‌هایی دیدند تا کار را یاد بگیرند؛ کم‌کم آن طلاب که به منزله شورای نگهبان هستند، بر شبکه المنار و رادیوی نور، بر مسائل شرعی و این‌که هیچ مطلب خلاف شرعی صادر نشود، نظارت می‌کنند و این دقت عمل‌شان در مورد مسائل شرعی حایز اهمیت است.

این مدیریت جهاد فرهنگی ایشان باعث شد نسلی از نیروهای مردمی طرفدار حزب الله تربیت شوند و زیست‌بوم حزب الله زیست‌بوم جهادی و انقلابی بشود؛ به‌گونه‌ای که تمام مسائل را به‌صورت عمومی تبلیغ می‌کنند و مردم نیز همراه می‌شوند.

از دیگر بُعدهای شخصیتی شهید نصرالله علیه السلام که خیلی حایز اهمیت است، توجه ویژه به محرومین و مستضعفین و نیز خدمت اجتماعی است. برای این کار هم مثل کمیته امداد امام خمینی علیه السلام مؤسسات خیریه و صندوق‌های خاص گذاشتند و خود ایشان نظارت می‌کردند که زندگی خانواده‌های بدون سرپرست از هر جهت، آن‌هم آبرومندانه تأمین بشود. توضیح این مطلب و خدمات اجتماعی حزب الله طول می‌کشد.

یکی از بُعدهای شخصیتی شهید نصرالله علیه السلام بعد رزمندگی و فرماندهی نظامی ایشان است. می‌گفت: تا زمانی که شهید عماد مغنیه در قید حیات بودند، من

تمام کارهای مکتب جهادی و نظامی را به ایشان واگذار می‌کردم؛ اما بعد از شهادت ایشان پنج نفر را نصب کردم که هرکدام یک عماد مغنیه هستند؛ چون کار ما توسعه پیدا کرد و من ملزم بودم که نسبت به کارهای فنی اصلی، خودم نیز نظارت کنم تا حزب الله را توانمند و قوی نمایم.

از لحاظ قدرت موشکی و مقاومت به‌گونه‌ای عمل کرد که امروزه موشک‌های حزب الله به قلب تلاویو اصابت می‌کنند. در واقع با استفاده از قدرت موشکی و پهبادی حزب الله، پیروزی‌های سیاسی و ملی بزرگی برای لبنان رقم خورد. این بعد طراحی نظامی ایشان هم خیلی حایز اهمیت است. در مسئله مسائل ملی لبنان دخالت می‌کرد تا مردم را با حزب الله همراه کند و مثلث مقاومت، ارتش و مردم را در آن جا برای دفاع از منافع ملی لبنان حاکم کرد. مثلاً مسئله نفت که در دریا دارند و رژیم صهیونیستی آن نفت مشترک را برای خودشان استفاده می‌کرد و به لبنانی‌ها نمی‌دادند، طراحی‌هایی کرد که رژیم صهیونیستی ملزم شد سهم لبنان را بدهد یا در زمان تحریم گازوئیل و بنزین، با استفاده از قدرت جهانی توانست خدمات لازم سوخت و انرژی را به لبنان برساند.

یکی از محورهای مهم مدیریت جهادی ایشان، مدیریت درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی بود. جنگ‌های داخلی لبنان دو بخش بود: یکی جنگ‌هایی که ابتدا در حین دفاع شروع شد که منجر به صلح و دوستی بین حزب الله و سازمان عمل گردید و ایشان آن را ناشی از کرامت مهدوی و به لطف امام زمان علیه السلام می‌دانست که توضیح آن مفصل است. مورد دیگر اختلافات داخلی‌شان، جریان «صبحی طفیلی» بود که متأسفانه او جزء محاربین و دشمنان انقلاب اسلامی و هم‌سو با جریان آمریکایی منطقه بود. در این فتنه داخلی شهیدان نصرالله و سید عباس موسوی رحمتهما کنار رفتند و گفتند: کل حزب را حاضریم به آن‌ها تسلیم کنیم. بعد به ایران آمدند برای درس خواندن، حتی در دفاع مقدس نیز شرکت کردند که بعد ترتیبی داده شد، آن‌ها از تصمیم خود برگشتند و معلوم شد که حق با این دو بزرگواران بوده و داستان صبحی طفیلی به‌گونه‌ای مدیریت شد که کم‌ترین تلفات و آسیب‌ها را در فتنه داخلی حزب الله شاهد باشیم. این هم بخشی از این فتنه بود



که هرکدام سرفصلی است. جهاد در مقابل فتنه‌گران نیز بحث مفصلی است که می‌شود در مورد آن بحث کرد.

یکی از ابعاد شخصیت جهادی-نظامی شهید نصرالله علیه السلام ترفیع معادله‌های جنگ است. ایشان بازدارندگی، تغییر قواعد درگیری، حذف قواعد اشتباه و در دوران قبل از شهادت، نبرد «حساب باز» را آغاز کردند. نبرد حساب باز؛ یعنی جنگ همه جانبه علیه رژیم صهیونیستی که البته به شهادت ایشان منجر شد.

یکی از بعدهای شخصیتی شهید نصرالله علیه السلام در بعد جهادی، بحث انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی است که ایشان ایران را قرارگاه مرکزی امت اسلامی و جهاد فی سبیل الله می‌دانست و معتقد بود حفظ این قرارگاه مرکزی در اولویت است و هر کاری باید بکنیم که این نظام قوی و کارآمد شود تا بتواند اهداف امام و شهدا را جلو ببرد.

زمانی که امام خمینی علیه السلام به ملکوت اعلی پیوستند و رهبر معظم انقلاب علیه السلام ولایت امر را متصدی شدند، وزیر کشور وقت گزارش می‌داد که رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیه الله خامنه‌ای علیه السلام منصوب شدند؛ ایشان بلافاصله پیام اعتراضی فرستاد که بایستی گفت رهبر کل امت اسلام؛ چون ایشان فقط متعلق به جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه متعلق به کل منطقه و امت اسلامی است. حفظ انقلاب و آرمان‌های امام و شهدا برای او خیلی مهم بود.

یکی از خصوصیات ویژه شهید نصرالله علیه السلام توانمندی ایشان برای شبکه‌سازی جهادی در منطقه است که در منطقه بحث انصارالله یمن و ارتباط تنگاتنگی که با حزب الله دارند، جبهه مقاومت عراق و جاهای دیگر که در این زمینه خاطرات خیلی زیاد هست، یکی از آن‌ها نکات مشورتی بسیار ارزشمندی بود که ایشان به گروه‌های مقاومت می‌دادند و همان‌طور که رهبری علیه السلام فرمودند «پرچم دار مقاومت اسلامی» بود.

استاد عزیز! از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید، تشکر می‌کنیم.

تحلیل قرآنی از وضعیت آخرالزمانی

استاد عابدینی رحمته

سرعت وقایع، ویژگی نزدیک شدن به آخرالزمان

هرقدر به آخرالزمان نزدیک می‌شویم، سرعت وقایع بیش‌تر می‌شود، به طوری که بسیاری جا می‌مانند. آن قدر عظمت وقایع زیاد می‌شود که قدرت تحمل مؤمنان بالا می‌رود. برای این‌که آن فعلیت محقق بشود، سرعت وقایع خیلی زیاد می‌شود. تا می‌آید واقعه قبلی به سرانجام برسد، وقایع متعدد دیگری به دنبالش محقق می‌شود و این از شرایط آخرالزمانی است که دارد خودش را جلوه می‌دهد و ان شاء الله دل‌های ما برای ظرف این وقایع و بهره‌مندی از آن‌ها آمادگی را پیدا بکند. پس سرعت وقایع در دست دشمن نیست؛ بلکه در ابتلائاتی است که در جهت به فعلیت رسیدن قوای مؤمنان در آخرالزمان به کار گرفته می‌شود و این علامت قوت است؛ البته دشمن نیز از این وقایع می‌تواند بهره ببرد.

داشتن نگاه صحیح به مسائل در مقابل ترفندهای دشمن

نکته دوم این است که ما در برابر ترفندهای دشمن که کل توانش را به کار گرفته است، اولین چیزی که باید مراقب باشیم این است که افق نگاه ما در مسائل صحیح باشد. مثلاً نگاهی که ما راجع به شهید داریم، اگر انصافاً نگاه قرآنی باشد، بسیار تسلی بخش و آرامش‌دهنده است. این نگاه که خدای سبحان در قرآن

می فرماید شهید روزی خور عندالله است و آن جا ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ است؛ یعنی شهید فعال و دست اندرکار است و از کارافتاده نیست؛ بلکه در مرتبه ای قرار گرفته که کارآیی او بیش تر شده، منتها شرطش «من خلفهم» است که اگر این حرکت ما پشت سر او و به سمت اهداف او باشد، تأثیر شهید روی ما را امکان پذیر می کند، پس شهید جدا شده نیست. اگر این نگاه و باور ایجاد شود، دست شهید نزد خدا بازتر شده، قدرت او بالاتر قرار گرفته است و به مقدار باور، یقین دارم بهره مندی پیش خواهد آمد و با تمام آن دغدغه هایی که داشته، وقتی از دنیا نزد خدای سبحان می رود، آن دغدغه ها شدت پیدا می کند و فعلیتش امکان پذیرتر می شود، پس ما باید باور داشته باشیم.

وظیفه ما در اوج ابتلائات

نکته دیگر این است که اگر حواس ما جمع باشد، طبق آیه قرآن کریم در سوره انفال که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ وقتی در مقابل صف دشمن قرار می گیرید، آن جایی که بوی جنگ و امکان جنگ فراهم شده «فاثبتوا و اذكروا الله كثيراً»؛ یعنی ثبات قدم و عدم اضطراب. اگر در وجود مؤمنانی که در مقابل دشمن قرار گرفته اند، اضطراب ایجاد شود، تصمیم گیری های آن ها مختل می شود، پس اول ثبات قدم است و برای این که این ثبات قدم محقق بشود، ذکر کثیر و توسلات ویژه ای می طلبد؛ یعنی همان طور که شنیده ایم، در اوج ابتلائات، توسلات رهبران مقاومت قوی تر و بیش تر می شد؛ چون ذکر کثیر ثبات بخش است. این ثبات و آرامشی که انسان را از کار بیندازد، نیست؛ بلکه ثبات قدرتمند با قوام و ایستادن است. امروز شدت ذکر خدای سبحان را می طلبد و «لعلکم تفلحون» به نتیجه رسیدن در این جنگ و غلبه با همان ثبات و ذکر کثیر است.

۱. آل عمران/ ۱۷۰.

۲. انفال/ ۴۵.

به دنبالش در آیه ۴۶ می‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ این جریان «اطیعوا الله ورسوله» و گاهی «اطیعوا الله واطیعوا الرسول» را جدا می‌فرماید؛ اما جایی که در جریان جنگ است، می‌فرماید: «اطیعوا الله ورسوله» در این‌که «اطیعوا» دربارهٔ رسول تکرار نشده، این اتصال، شدت اطاعت از رسول را می‌رساند. در آن جایی که تمایز بین مقام ربوبی و مقام رسالت را می‌خواهد بیان بکند، اطیعوا تکرار می‌شود؛ اما در این‌جا که حالت جنگ است، تبعیت از رسول، تبعیت از خداست، بی‌واسطه و این شدت تبعیت را می‌طلبد؛ یعنی چشم و گوش و قدم و... انسان، همگی باید آمادهٔ اطاعت باشد، این‌که ولیّ چه می‌گوید تا در قبال او عکس‌العمل درست و به‌موقع داشته باشد و مطابق خواست او قدم بردارد.

چون در هنگام جنگ است که ذوق‌ها و سلیقه‌ها به کار می‌افتد و افراد به لحاظ آن اضطرابی که ایجاد می‌شود، گاهی تصمیم‌هایی که از روی تبعیت نیست، می‌گیرند و خلاف‌ها آشکار می‌شود، به همین دلیل می‌فرماید «ولا تنازعوا» در این اطاعت از خدا و رسول و ولیّ که محقق شده تنازع نکنید که اگر آن انتقادهای عادی در وقت عادی روا بود، در این‌جا دشمن باید یکپارچگی را ببیند. این‌جا دیگر صحنه‌ای نیست که بگوییم ما از درون با هم رابطه داریم؛ بلکه صحنه‌ای است که دشمن کاملاً دارد رصد می‌کند، پس یکپارچگی در این‌جا لازم است، به طوری که ولیّ دیده شود و تمام طبقات مؤمنین با مراتب ایمان‌شان پشت سر ولیّ دیده شوند و طبقات عالی ایمان، طبقات ضعیف را طرد نکنند و مقابله‌شان را در آن قرار ندهند.

پس در این‌جا همان مرتبهٔ نزاع عادی که گاهی ممکن بود کم‌اشکال باشد، در وقت جنگ و صف‌کشی دو نیرو مقابل هم، تنازع آن بوی شما و قدرت‌تان زیر سؤال می‌رود و دشمن دنبال همین است، بنابراین «واصبروا» خدای سبحان در کار است، کسانی که کوتاهی کردند، خدا می‌بیند و «ان الله مع الصابرين» خدای سبحان با صابرين است.



نکته بعدی این که تکلیف ما در این جا به عنوان ثبات قدم، ذکر کثیر است که بیش تر از زمان های عادی باید باشد، تبعیت از ولی نیز بالاتر برود. محتوا و پیام ولی را باید کاملاً رصد کنیم، مطابق او قدم برداریم، نه یک ذره زیادت و نه یک ذره کم تر، تکالیفی که برعهده ما می گذارد، انجام دهیم، پرهیز شدید از نزاع در حالتی که صف بندی با دشمن شکل گرفته، قطعاً هر نزاعی «تذهب ریحکم». مراقب باشیم، ساده لوح نباشیم، جبهه درون را مراقبت کنیم و بدانیم که زمان مقابله با دشمن، وقت تسویه حساب با جبهه درون نیست. این سنت و سیره پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است.

نیاز به ارتباط قلبی با خداوند

نکته بعدی این است که قرآن می فرماید: ﴿إِذْ يُغَشِّكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾^۱ وقتی در جنگ بدر دو لشکر مقابل هم قرار گرفتند و شما استغاثه کردید، دیدید که وقتی در مقابل توطئه های مشرکین قرار گرفتید، خدا استغاثه شما را شنید و دعای شما را اجابت کرد و با ملائکه اش به شما امداد رساند وقتی در آن اضطرابی که ابتدا بر شما با دیدن تعداد لشکر دشمن ایجاد شد - دقت کنید! تمام این ها راهبرد دقیق است که باید توجه کنیم چگونه می توانیم این نگاه الهی و روشی را که خدا می فرماید، پیاده کنیم - خدا بر شما که اضطراب پیدا کردید، نوعی نعاس و چرتی که آرامش زا باشد، بر شما چیره ساخت.

این خودش بحث بسیار زیبایی است که می فرماید خدای سبحان برای تصمیم نگرفتن شما در حالت اضطراب، نعاس؛ یعنی شما را در چرتی فروبرد، در همان حالت ایستاده «ینزل علیکم من السماء ماء» از آسمان آبی را نازل کرد «لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان»؛ چون آب در عالم دنیا مظهر و نماد ولایت است، می فرماید: آب را نازل کرد تا شما را تطهیر کند. وقتی ولی رابطه تان را تثبیت کرد «و یذهب عکم رجز الشیطان» به دنبالش رجز شیطان دور می شود،

۱. همان/۱۱.

پس هرچقدر رابطه با ولی قوی تر بشود، رجز شیطان دورتر می شود «و لیربط علی قلوبکم» آن جا بین قلب شما با خدا ربط ایجاد می شود. این ربط قلب آرامش و قدرتی را ایجاد می کند که الآن ما به آن نیاز داریم.

وقتی مادر حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می خواست او را در آب بیندازد، آن جا می فرماید: **«لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»** اگر ما بر قلب مادر موسی عَلَيْهَا ربط ایجاد نکرده بودیم، قلبش از جا کنده می شد. این شدت ها ربط قلوب را باید ایجاد کند و بیش تر شود تا انسان به قدرت لایزال الهی بیش تر متصل بشود «لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام» که ثبات قدم ایجاد می شود و ثبات قدم آن آرامش قدرتمندانه را ایجاد می کند «اذ یوحی ربک الی الملائکة» خدا به ملائکه ای که مؤمنین را امداد می کردند، وحی کرد که «انئی معکم» من با شما هستم «فتبتوا الذین آمنوا» شما هم با مؤمنینی باشید که در میدان هستند و می خواهند قدم بردارند. خیلی زیباست که خدا ملائکه را پشتیبانی می کند که ملائکه نیز مؤمنین را امداد کنند که ثابت قدم بمانند. این جور نیست که ملائکه بشنوند، بعد بروند انجام بدهند؛ چون انشاء الهی تحقق یافته است؛ شما تثبیت کنید! این ها را گفتم برای این قسمت که می فرماید: **«إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَسُّوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»**^۲ تا در اثر امداد ملائکه و تثبیت، هیمنه و هیبت شما، در دل دشمن رعب بیفتد؛

یعنی در صف بندی فقط قدرت ها و سلاح های مادی و آن محاسبات دنیایی نیست. ثبات قدم و ربط قلب و حال مؤمنان باعث می شود در دل مشرکین رعب انداخته شود، محاسبات شان به هم بریزد، قدرت های شان به هم ریخته شود و به کارگیری قدرت شان بی موقع و بی اثر گردد، چنانچه اگر مؤمنین چنین حالتی را پیدا کنند، تصمیم گیری های دشمنان شان به تصمیم غلط منجر می شود؛ یعنی روحیه انقلابی گری، فدا شدن، جان دادن، شهادت، ارزش ها، ایثار و... همگی در جمع مؤمنین بالاتر می رود.

از این رو ما باید قدردان و مراقب باشیم از این لحظات که جذبه ها و ایام الله



ویژه‌ای هستند و در آن قدرت خدا آشکارتر خواهد شد، بهترین استفاده را ببریم. روزی است که مالکیت و قدرت خدا آشکارتر خواهد شد و رعب در دل دشمن می‌افتد.

دقت کنید که «فَضْرِبُوا فَوْقَ الْعُنُقِ» دنبال این باشید آن سر دشمن را بزنید؛ یعنی ضربه‌های تان به سر دشمن که نقطه تفکر، تصمیم‌گیری، مرکزی و اصلی اوست، هدف‌گیری کنید! در جریان اسرائیل و صهیونیست، سر او آمریکاست که اگر نگاه ما به سر باشد، قدرت‌های خود را در زدن سر درست به کار بگیریم، باعث می‌شود آن سگ هاری را که آمریکا رها کرده، مجبور شود جلوییش را بگیرد؛ و الا اگر سر خود را فقط به سگ مشغول و گرم کردیم، آن سر او را تقویتش خواهد کرد تا منافعش به خطر نیفتد و این سگ هار مهار نمی‌شود.

می‌فرماید سر را هدف بگیرید؛ چون وقتی سر هدف گرفته شد، بدن که تابع سر است و خودش را با آن هماهنگ می‌کند، به دنبالش هدف گرفته می‌شود. بعد می‌فرماید که مراقب باشید «واضربوا من هم کل بنان» سرانگشتان او را هم باید هدف‌گیری کنید که منظور همان قدرت عمل است؛ چراکه قدرت انگشتان در به‌کارگیری اسلحه، رسانه، نوشتن و... است. در قدیم نوشتن در رسانه اساس و مهم بود. آن سرانگشتان او را هدف گرفتن، به طوری که جنگ امروز ما، آنچه که به رسانه برمی‌گردد، اشد از آن چیزی است که در سخت‌افزار و در میدان جنگ محقق می‌شود.

امروزه الحمدلله به برکت خون عظیم سید با اخلاص، شاید اگر بگوییم کل جهان؛ چراکه من از مؤمنانی که در جاهای مختلف هستند، بی‌خبر نیستم که خونشان به جوش آمده و به دنبال این هستند که اقدامی کنند. اگر بتوانیم از این فرصت بالاترین و بهترین استفاده را بکنیم و برنامه داشته باشیم که هم سر هدف‌گیری شود و هم سرانگشتان و قدرت عکس‌العمل‌های او، می‌توانیم تاثیرگذار باشیم، به ویژه اگر این برنامه‌ریزی با ثبات قدم، آرامش و با حال ذکر خدا و توسل بیش‌تر، تثبیت و شدت تبعیت از ولایت همراه شود، با این نگاه حرکت کنیم و قدم به قدم و ذره به ذره به دنبال آن مقصدی باشیم که مقام عظمای ولایت به



ما امر می‌کنند که الحمد لله گوش ایشان به دهان صاحب ما عَلَيْهِ السَّلَام است و با این نگاه حرکت خود را شکل بدهیم و توجه کنیم، مراقب باشیم که تبلیغات دشمن ما رو فریب ندهد، قطعاً پیروزی نهایی با ماست ضربه‌هایی که دشمن از نیروهای مقاومت خورده‌اند، کاری کرده است که دشمن قدرت انعکاس آن را ندارد و کاملاً رسانه‌ها را مهار کرده است تا ضربه‌هایی که خورده، بیرون درز پیدا نکند. ما ساده نباشیم و تحت تأثیر سانسور خبری دشمن قرار نگیریم. کارهای عظیمی که شکل گرفته است، یکی این‌که محور مقاومت موشک‌هایی را به آن‌ها زده است که نتوانستند مهار کنند. این تأثیرات خوب را ببینیم و به دنبالش مراقب باشیم، با این‌که برای دشمن مفید بود که نشان بدهد و مظلوم‌نمایی کند، صحنه‌های تخریب را نشان بدهد تا مجوز بگیرد جنایات بیش‌تری مرتکب شود؛ اما کاملاً سانسور کرده است تا این احساس در مؤمنان سراسر عالم باشد که این کارهایی که شده، ارزشی و نتیجه‌ای نداشته است و همین باعث یأس و سرخوردگی بشود، در حالی که عظمت این کارهایی که در اقصی نقاط اسرائیل موشک زده می‌شود، از سامانه و گنبد آهنین عبور می‌کند و به اهداف می‌خورد، این خودش موفقیت خیلی عظیمی است و برای آن‌ها شکست محسوب می‌شود و اگر این باور به وجود بیاید، قدرت ما عظیم‌تر می‌شود، پس نباید مأیوس شویم.

نقشه و نام دشمن



نکته دیگر این‌که دشمن برای حرکت خودش نقشه‌ای کشیده است که اگر ما در نقشه دشمن بیفتیم و مطابق او جلو برویم، او صحنه‌های بعد را ترسیم خواهد کرد؛ اما مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که نگاهی الهی دارد و دشمن همیشه این را اقرار کرده، مهم‌ترین حرکت ایشان همیشه، خواندن دست دشمن بوده است و دور زدن این حرکت‌ها، به طوری که تمام چیزهایی که دشمن برای حرکت‌های بعدی چیده است، تشخیص می‌دهند و تصمیمات ایشان عمدتاً این است که محور مقاومت باید پاسخ‌گوی اصلی باشد و ما باید در پی تجهیز جبهه مقاومت باشیم، قسمتی از این تصمیم برای برهم زدن نقشه دشمن است که ما در قطعات بعدی



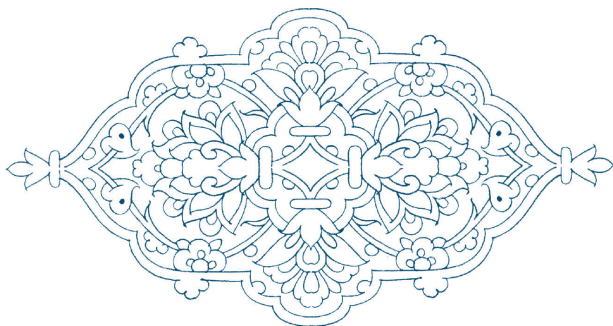
قرار نگیریم. هرچند به موقع از حرکت مستقیم نیز قطعاً استفاده خواهند کرد و ما این را نباید ضعف ببینیم؛ بلکه نقطه قوت است.

تحمل فشارها برای برهم زدن نقشه دشمن

این که بعضی از عناصر داخلی در اثر ضعف ایمان و ضعف نگاه گاهی فشارهایی می آورند و آن هایی که همراهی و همکاری نمی کنند، سر جایش محفوظ است؛ اما ما باید بدانیم که اگر مقام معظم رهبری علیه السلام در این کارها قدمی برمی دارند، گاهی فشارهایی را به جان می خزند، به جهت این است که آن نقشه دشمن در حرکت های بعدی را به هم بزند و با یک حرکت عظیم تری که برای آن ها ناآشناست و روشن نیست، حرکت بعدی را شکل بدهند. یقین بدانیم که دشمن طراحی کرده است، چنانچه در رابطه با جریان حزب الله طراحی های مرحله ای انجام داد و در چند مرحله توانست ضربه هایی بزند. حتماً برای کشور ما نیز طراحی هایی کرده است که اگر محقق شود و ما در پازل او حرکت کنیم، شکست خواهیم خورد؛ اما اگر حمله را به گونه ای انجام دادیم که مطابق نقشه او نبود، فعال کردن آن لایه های بی موقع برای او فایده ای نخواهد داشت. این را سرپسته عرض کردم. ما باید این حرکت عظیم و جنبش مؤمنین را یک نیروی عظیم الهی ببینیم، به خدا گره بزنیم و باور کنیم که همین باعث می شود انرژی ها و قوت های ما شدت پیدا کند و به دنبال آن امید ایجاد شود و در دشمن سرخوردگی و ناامیدی به وجود آید و برنامه هایش به هم بریزد. پس مراقبت بکنیم فشار بی اندازه بر رهبری علیه السلام برای بعضی تصمیمات، درست نیست. بله، فشار بر کسانی که منفعل هستند، به جای خود و به اندازه خود لازم است، آن هم نه به قیمت شقاق یا به صورت تخطئه کردن.

کسی خدمت پیغمبر اکرم ﷺ رسید، حضرت فرمودند: به پدر و مادرت فحش نده! عرض کرد: من که به پدر و مادرم فحش نمی‌دهم، حضرت فرمودند: تو به پدر و مادر دیگران فحش می‌دهی و آن‌ها نیز به پدر و مادر تو فحش می‌دهند، بنابراین تو سبب شده‌ای که به پدر و مادرت فحش داده شود، پس در حقیقت تو به پدر و مادر خود فحش داده‌ای. دقت کنیم که اگر نقد می‌کنیم، خط و نشان کشیدن نباشد. این‌طور نباشد که طرفداران کسانی را که قبول نداریم، با این حرکت‌ها به مقابلهٔ طرفینی بکشانیم؛ بلکه باید به‌گونه‌ای باشد که اجتماع و وحدت‌مان را تحکیم کنیم؛ چراکه اگر اشتباهی صورت بگیرد، همه متضرر می‌شویم و اگر نفعی به دست بیاید، همه منتفع می‌گردیم.

مراقب وحدت باشیم و بدانیم که الآن در عین این‌که مراقبت‌هایی باید باشد، وقت تسویه حساب‌ها نیست. الآن وقت انرژی تولید کردن، ایجاد امید، تحکیم ارتباط بین مؤمنان و احزاب و بهره‌مندی از این انرژی‌هاست. می‌توانیم بگوییم که انرژی هسته‌ای است که از مؤمنین دارد آزاد می‌شود و در مقابل دشمن واقعاً بی‌نظیر است که این انرژی آزاد شده را هدمند و با آرامش - البته آرامش فعال، نه آرامش منفعل - به کار گرفتن، مانند نزول باران در جنگ بدر که آرامش و ثبات قدم ایجاد کرد، علیه دشمن به کار ببریم و بتوانیم بهترین تصمیم را مطابق قرآن کریم بگیریم.



سخنرانی مکتوب

هم آفقی با ولی

حجت الاسلام صلح میرزایی

«أعوذ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ!»

عرض ادب و احترام دارم خدمت طلاب عزیز، اساتید معظّم، مسئولین محترمی
که مجلس بزرگداشت یکی از شهدای اسلام و مکتب تشیّع را برقرار کرده‌اند.

فرق مجلس شهید با مجلس کسی که به مرگ طبیعی از دنیا رفته، در این
است که انسان می‌تواند از روح آن شهید بزرگوار استمداد کند و براساس آیات قرآن،
احاطه‌ای که شهید دارد و قدرتی که خداوند به او بعد از شهادت می‌دهد، می‌تواند
امداد بگیرد. بنابراین، من از روح این شهید بزرگوار، قهرمان جبهه مقاومت، عالم
ربّانی، فقیه و مجاهد فی سبیل الله، شهید آیه الله سید حسن نصرالله رحمه الله جهت نظر
به این جلسه استمداد می‌کنم.

قرآن کریم به برخی از مردان بزرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا
تَبْدِيلًا﴾^۱ رجال بزرگ با خداوند عهد و پیمانی بسته‌اند که پای کار بمانند. برخی
تصوّرشان این است که خداوند می‌فرماید انسان‌هایی که به وعده خود به خداوند
عمل کرده و صدق وعده دارند، دو دسته هستند: برخی از آن‌ها شربت شهادت را

می‌نوشند و برخی نیز منتظر شهادت هستند؛ اما مقام معظم رهبری رحمته الله که تسلط ویژه‌ای بر معارف قرآن کریم دارند، بارها این نکته را فرموده‌اند که در تفسیر این آیه شریفه، به ویژه بخش پایانی آن که می‌فرماید: «و منهم من ينتظر»؛ یعنی این‌ها آماده‌ی مأموریت جدید هستند؛ آماده‌اند که بتوانند کار جدیدی انجام دهند.

برای شما طلاب معظمی که در ابتدای راه جهاد علمی قرار دارید و قرار است شخصیت‌هایی بشوید که در آینده، در عرصه‌های مختلف جهاد مؤثر واقع شوید، یکی از نکاتی که امروز جا دارد در آن باب فکر کنید، این است که چگونه شهید نصرالله رحمته الله به شخصیت این‌چنینی تبدیل شد؟ ایشان هم مثل شما با همین تحصیلات وارد حوزه شد؛ درس خواند، زحمت کشید و در کنار درس، فعالیت‌های جهادی انجام داد و تقریباً در ۶۴ سالگی به این درجات رسید. هم از نظر علمی به سطوح عالی دست یافت و هم از نظر اخلاقی، جهات مختلف اخلاق اسلامی را در خود ایجاد کرد و هم می‌توانیم بگوییم که از نظر اجتماعی، سیاسی و جهادی، جزء نفرات برتر تاریخ تشیع قلمداد می‌شود.

اگر بالفرض ۴۰ نفر از تأثیرگذاران تاریخ تشیع را بخواهیم نام ببریم، کسانی که اثر بزرگی در اجتماع و حرکت تشیع داشته‌اند، یقیناً این شهید عزیز یکی از آن‌هاست. بنابراین، لازم است راجع به این شخصیت فکر کنیم که چگونه ایشان اخلاق رذیله را از خود دور نموده، اخلاق فضیلت را در خود ایجاد کرد؟ وقتی واژه اخلاق را به کار می‌بریم، گاه منظورمان آداب و رفتار معاشرت است؛ اما اخلاق مدّ نظر ما همان معنای حقیقی است که علمای اخلاق می‌گویند؛ یعنی علمی که متکفّل ایجاد صفات ثابته یا ملکات فضیلت و راه‌کارهای از بین بردن صفات ثابته رذیله در درون انسان است.

ما در درون خود صفاتی مثل بخل داریم. قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ بخل یکی از چیزهایی است که انسان را بدبخت می‌کند و باید تلاش کند آن را از بین ببرد. حسادت، جبن، ترس و مانند این‌ها رذایلی هستند که علمای اخلاق برای رفع آن‌ها راه‌کار ارائه می‌دهند که اگر در انسان باقی بمانند، قاعدتاً از انسان اعمال بدی به خاطر آن‌ها سر می‌زند. مثلاً کسی که جبن (ترس)



دارد، باعث فرار او از میدان و جهاد می‌شود یا کسی که بخل دارد، واجبات مالی را انجام نمی‌دهد، مواسات و... نمی‌کند.

البته به ویژگی‌های اخلاقی ایشان کار نداریم؛ بلکه می‌خواهم به یک سری از امتیازات این شهید عزیز پرداخته شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید نصرالله علیه السلام، آن چیزی است که من اسم آن را «هم‌أفقى با ولی» می‌گذارم. ایشان با ولی زمان خود هم‌افق بوده، تلاش می‌کرد از زاویه و دیدگاه ولی جامعه به حوادث و پدیده‌ها بنگرد، نه این‌که سعی کند یک امام و یک ولی در ذهن خود متولد کند. این نکته خیلی مهم و اساسی است. تا از حضرت آقا علیه السلام مطلبی؛ متن فقهی، صوت، درس، پیام، سخنرانی یا چیزی از کتاب ایشان منتشر می‌شد، تمام کارهای شهید نصرالله علیه السلام را تحت الشعاع قرار می‌داد.

خود ایشان می‌فرماید: وقتی کتاب «انّ مع الصبر نصراً» - که خاطرات رهبری علیه السلام به زبان عربی برای زمانی که ایشان در دوران رهبری کلاس عربی معاصر داشتند، چاپ شد، آقا در جایی به طلبه‌ها گفته بودند که عربی را باید خیلی خوب بخوانید؛ عربی معاصر برای صحبت با عرب‌های امروزی، فضل است و عربی کلاسیک را برای فهم روایات باید خوب بلد بود. زمانی رهبری علیه السلام با مترجم با بچه‌های حزب‌الله ارتباط می‌گرفتند؛ اما بعدها فرمودند که از این به بعد کسانی مانند بچه‌های سپاه که با حزب‌الله کار می‌کنند، باید عربی یاد بگیرند و از آن طرف، بچه‌های حزب‌الله نیز باید فارسی یاد بگیرند تا صحبت همدیگر را بفهمند. آن زمان آقای آذرشب به رهبری علیه السلام گفتند که خاطرات خود را به زبان عربی بفرمایید. ایشان خاطرات کودکی تا ریاست جمهوری خود را به عربی گفتند. این کتاب نخست در لبنان چاپ شد و بعد در ایران ترجمه گردید، به نام «خون دلی که لعل شد». این کتاب را به شما توصیه می‌کنم که در دوران زندگی خود حتماً بخوانید. سید حسن علیه السلام می‌گوید: وقتی این کتاب به دست من رسید - تا صبح مطالعه آن را به پایان رساندم؛ یعنی تا صبح، فرض کنید نماز شب، نماز صبح و تعقیبات را انجام داده و همین‌طور کتاب را خوانده و اجازه نداده است فاصله‌ای بیفتد؛ چون احساس می‌کرده شاید از این کتاب مأموریتی به دست آید.

این را سید هاشم الحیدری نقل می‌کرد که مسئول بخش فرهنگی حشد الشعبی بود. من در دفتر یا منزل ایشان بودم که به من گفت: هر بیان یا مطلبی از حضرت آقا علیه السلام منتشر می‌شود، من از اول بسم الله تا آخر والسلام علیکم را چند بار می‌خوانم تا از آن نکته یا مأموریتی درآورم.

سید حسن علیه السلام سعی می‌کرد در ذهن خود امام و ولی را بفهمد؛ اگر آقا در این وضعیت بود و چنین اتفاقی می‌افتاد، چه تصمیمی می‌گرفت؟ چون رهبری علیه السلام قائد ما و دیده بان انقلاب است و نقشه را پیش می‌برد و در عصر ظهور هدف‌هایی را در حال پیگیری است. بنابراین، می‌تواند انعطاف‌ها را تعیین کند.

سید حسن علیه السلام می‌گوید چون من سرباز آن قائد هستم و هر خروجی که از ولی می‌آید، باید در خود هضم کنم، باید منظومه فکری ولی را در دست داشته باشم. ثمره این نگاه «ولایت‌پذیری» می‌شود که انتخاب درست و ناامید نشدن را در پی دارد. در فیلم سالگرد علامه مصباح علیه السلام که فرزند ایشان خدمت سید حسن علیه السلام رفته بود تا خاطرات علامه را از خود سید حسن علیه السلام بگیرد، فرمودند که من به علامه مصباح علیه السلام عرض کردم: ما در برداشت از خواست‌های رهبری علیه السلام یقینات را قطعاً تلاش می‌کنیم تا بشود؛ یعنی چیزهایی را حضرت آقا علیه السلام می‌فرمایند که باید بشود و ما می‌دانیم منظور ایشان چیست، پیگیری می‌کنیم که انجام شود. این خاطره را هم شهید سلیمانی و هم شهید نصرالله علیه السلام نقل کرده‌اند و از هر دو منتشر شده است.

حزب الله در سال ۲۰۰۶م/۱۳۸۵ش برای امتیازگیری از اسرائیل و آزادسازی اسرای خود عملیاتی طراحی کرد که از اسرائیل اسیر بگیرند تا براساس آن مبادله انجام دهند؛ یعنی می‌خواستند دست برتر پیدا کنند. ماشین گشت اسرائیلی را محاصره کردند و سه اسیر گرفتند. شبیه کاری که در طوفان الاقصی شد؛ البته آن زمان سه اسیر بیش‌تر نبود. پیش‌بینی حزب الله این بود که اسرائیل خیلی سریع کوتاه می‌آید و مبادله انجام می‌شود؛ یعنی سه اسیر اسرائیلی را می‌دهند و مثلاً ۵ اسیر خود یا چند پیکر را از آن‌ها می‌گیرند؛ اما اسرائیل ضاحیه بیروت (محل احتمالی حضور اسرای خود) را با خاک یکسان کرد.



شهید سلیمانی رحمته الله علیه این خاطره را نقل می‌کرد و من خودم رفتم و بالعیان دیدم. می‌گفت: من و سید حسن و عماد مغنیه رحمته الله علیه با هم بودیم که در یکی از این مسیرها پهبادها بالای سر ما بودند و ما از هرجا می‌رفتیم، آن‌ها ما را دنبال می‌کردند. می‌خواستیم خود را به ماشینی برسانیم تا از این مهلکه فرار کنیم.

زمانی سفری به بیروت داشتم و دیدم دور درختی عکس‌های شهدا زده شده است. مثلاً عکس پدر عبدالملک حوثی، ابومهدی المهندس و... گفتند این همان درختی است که حاج قاسم، عماد مغنیه و سید نصرالله رحمته الله علیه زیر آن پناه گرفته بودند که شاید بتوانند خود را از دید پهبادها پنهان کنند. این درخت اکنون در ضاحیه لبنان نماد مقاومت است.

وقتی حاج قاسم به ایران می‌آید، رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه در مشهد بودند. تابستان بود و «حرب تموز» در همان ایام اتفاق افتاد. فکر می‌کنم مردادماه بود که حضرت آقا رحمته الله علیه در سفر تابستانه خود به مشهد رفته بودند. سران قوا نیز بودند. حاج قاسم گزارش را به رهبری رحمته الله علیه می‌دهند. حضرت آقا به ایشان فرموده بودند که اسرائیل قرار بود به حزب الله حمله سهمگینی بکند و ضربات سنگینی بزند. وقتی حزب الله عملیات گرفتن اسرا را طراحی می‌کرد، اسرائیل خودش را برای حمله آماده کرده بود؛ اما این کاری که انجام شد، در واقع حمله پیش‌دستانه اسرائیل را خنثی کرد و بعد از ۳۳ روز که تمام ساختمان‌ها نابود شده بودند، اسرائیل عقب‌نشینی کرد.

حاج قاسم رحمته الله علیه می‌گوید: اسرائیل به روستاهای طرفدار حزب الله حمله می‌کرد؛ ولی روستاهای اطراف که طرفدار حزب الله نبودند، نمی‌زد تا این جو روانی را ایجاد کند که این جنگ تاوان همراهی با حزب الله است. این تحلیل رهبری رحمته الله علیه را نه من می‌دانستم، نه عماد و نه سید حسن. تا این تحلیل را به حزب الله گفتم، آن‌ها جان تازه‌ای گرفتند و سید حسن رحمته الله علیه بعد از این قضیه فرمان زدن ناوچه اسرائیلی را داد. ایشان پشت بی سیم آمد - که از رادیو، برنامه اضائة النور پخش مستقیم می‌شد - گفت: بروید نگاه کنید تا چند دقیقه دیگر ناوچه اسرائیلی آتش خواهد گرفت. همین‌طور هم شد. بعد تانک‌های مرکاوی اسرائیل را زدند و در آن جنگ ۳۳ روزه اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی شد. این‌جا در حقیقت حضرت آقا رحمته الله علیه فرمانی داده

بودند و آن‌ها بدون این‌که تحلیل آن را بدانند، اطاعت کردند و به نتیجه رسیدند.

به همین دلیل سید حسن به علامه مصباح رحمته الله گفته بود که ما یقینات کلام آقا را قطعاً عمل می‌کنیم؛ اما احتمالات را خودم می‌روم یا کسی را می‌فرستیم، از رهبری حفظه الله می‌پرسیم تا مثل یقینات عمل کرده باشیم، گرچه شهید صدر رحمته الله بحثی دارند که می‌فرمایند: احتمالات شارع را باید عقلاً احتیاط کرد و انجام داد.

علامه مصباح رحمته الله به ایشان گفته بودند که این همان معنای ولایت و ولایت‌پذیری است و چنین روحیه‌ای نشانگر ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری شماس است. این یکی از ابعاد اخلاقی مهم آن شهید عزیز است. از ابعاد اخلاقی دیگر ایشان، ناامید نشدن بود. در جنگ ۳۳ روزه خیلی از لبنانی‌ها به ایشان توهین کردند که: شما باعث شدید خانه‌های ما تخریب شود و ما کشته بدهیم. این میزان از شهدای حزب‌الله که از شروع طوفان الاقصی تا الآن عددش به سیصد، چهارصد نفر رسیده است و مردم قریب به دو هزار نفر شهید داده‌اند، حتی در این چند روز اخیر فکر می‌کنم قریب به ۱۵۰۰ نفر شهید داده‌اند، برای برخی ایجاد ناامیدی کرده بود.

در گلزار شهدای حزب‌الله که در داخل شهر بیروت است و شهید عماد و دیگر بزرگان در آنجا دفن هستند، اکثر آن‌ها به آن اتفاق عملیات ۲۰۰۶م «الدفاع المقدس» می‌گویند. گلزار شهدا از شهدای مقاومت پر شده است. سید حسن نصرالله رحمته الله به این آیه اعتقاد داشت که: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر شرط ایمان محقق بشود، حتماً برتر می‌شوید.

بنده پیامی را در کانال منتشر کردم؛ تاریخ شهادت شهدای اساسی جنگ را استخراج نمودم: شهید کشوری از هوانیروز ارتش که آذر ۹۵ شهید شد. شهید علم‌الهدی در هویزه، دی ماه ۵۹؛ شهید شیرودی از هوانیروز در اردیبهشت ۰۶؛ شهید چمران، خرداد ۰۶؛ شهید فکوری، کلاهدوز، فلاحی، نامجو، همه در پروازی بودند و از جنگ بازمی‌گشتند که نزدیک تهران به زمین خورد و شهید شدند. نفرات برتر ارتش و سپاه در مهر ۶۰ شهید شدند. شهید وزوایی که اردیبهشت ۶۱ شهید شد. احمد متوسلیان تیرماه ۶۱ ناپدید گردید. شهید عباس دوران تیرماه ۶۱ شهید



شد. خلبان قهرمانی که در عملیات استشهادی به کاخ صدام شهید شد. حسن باقری، بهمن ۶۱؛ شهید همت، بهمن ۶۲؛ شهید حمید باقری، اسفند ۶۲؛ شهید مهدی زین الدین، آبان ۶۳؛ شهید مهدی باقری، اسفند ۶۳ و همه بزرگان جنگ که اغلب آن‌ها را می‌شناسیم. می‌خواهم بگویم: زمانی که جنگ پیروز شد، اغلب فرماندهان اصلی ما به شهادت رسیده بودند.

امروز هم در حزب الله اکثر کادر قدیمی آنان به شهادت رسیده‌اند: فؤاد شکر، ابراهیم عقیل، کرکی، سورو و... پیش از این هم شهیدان زاهدی، عماد مغنیه، سلیمانی، نیلروشان و... را به شهادت رسانده‌اند. در زمان دفاع مقدس نیز، جنگ زمانی ادامه یافت که همه فرماندهان را از دست داده بودیم. در دوران انقلاب نیز همین اتفاق رخ داد. شهیدان بهشتی، مطهری، باهنر و... به شهادت رسیدند. رهبری عجلت الله تعالی فرجه از تیرماه تا اسفند ۶۰ دوره نقاهت آن ترور نافرجام را داشتند سپری می‌کردند. سپهبد قری را به شهادت رساندند. تعدادی از نمایندگان مجلس، وزرا، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و فرماندهان سپاه شهید شدند.

رهبری عجلت الله تعالی فرجه می‌فرمایند در اوایل انقلاب فرماندهان ارتش به من نامه‌ای دادند. این اسناد در نمایشگاه لباس رزمی که در تهران است، وجود دارد. تمام اسناد اقدامات رهبری عجلت الله تعالی فرجه کاملاً در دسترس است. در سندی آمده است که فرماندهان جنگ - که اغلب در مهر ۶۰ به شهادت رسیدند - این نامه را به رهبری عجلت الله تعالی فرجه که آن زمان رئیس‌جمهور بودند - دادند که ما چند هواپیما و هلیکوپتر و این مقدار تانک و موشک و پدافند بیش‌تر داریم. این را به امام عجلت الله تعالی فرجه بگویید که براساس پیش‌بینی ما، حداکثر تا بیست و پنج روز دیگر توان استقامت در مقابل صدام را داریم.

رهبری عجلت الله تعالی فرجه در همین دیدار اخیر فرمودند که اوایل جنگ تعداد هواپیماهای صدام هزار فرزند بود. ما این همه از هواپیماهای صدام را زدیم؛ اما آخر جنگ تعداد هواپیماهایش بیش‌تر از اول جنگ بود؛ اما ما نمی‌توانستیم هیچ هواپیمایی بخریم و ورودی ما صفر بود. حتی سیم خاردار و موشک به ما نمی‌دادند؛ گرچه امروز ما را محکوم می‌کنند که چرا سلاح و پهباد صادر می‌کنیم. آن زمان با چانه‌زنی باروت دریافت می‌کردیم. در آن زمان موشک از طرف سرهنگ قذافی تأمین می‌شد، آن هم

در تعداد محدود. حتی رهبری عَلَيْهِ السَّلَام فرموده بودند که یکی از آن‌ها را نگهدارید و روی آن مهندسی معکوس انجام دهید. هیچ امکاناتی در دست ما نبود.

در جنگ ۳۳ روزه همین‌طور شده بود؛ اما شهید نصرالله عَلَيْهِ السَّلَام در آن دوران که همه چیز علیه حزب الله بود، رجز می‌خواند، امید می‌داد و فریاد می‌زد که ما پیروز هستیم.

من بین بچه‌های حزب الله بوده‌ام. گویی همگی طلبه‌اند؛ اهل نماز شب و احتیاط‌های شدید. اولین وظیفه ما طلبه‌ها این است که کار جهاد تبیین را دنبال کنیم. هر اقدامی باید پیوست جهاد تبیین داشته باشد؛ نهج البلاغه، جهاد تبیین‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای توجیه اقدام‌ها و عدم اقدام‌ها است. اگر امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام صلح کرد یا وقتی می‌جنگید، با مردم صحبت می‌کرد. آن زمان که عده‌ای -العیاذ بالله- به ایشان گفتند شما مذلّ المؤمنین هستید، حضرت تشکیلات سرّی را تشکیل دادند که «سلیمان بن صرد خزاعی» جزء آن بود. بنابراین، جهاد تبیین خیلی مهم است.

امروز در هر موضعی که وارد می‌شوید، هر جا ناامیدی حاکم شده است و معتقدند که نفر بعدی برای ترور، رهبری عَلَيْهِ السَّلَام هستند، بگویید که این برداشت، غلط است؛ زیرا شرایط نظامی حزب الله غیر از شرایط نظامی ایران است. حزب الله در کشوری در حال فعالیت است که سیستم حکومتی و دولت با آن همراه نیست. همین دیروز دولت لبنان اعلام کرد که ما حاضر به عقب راندن حزب الله تا رود لیتانی برای اجرای قطعنامه ۱۰۷۱ سازمان ملل هستیم.

در لبنان مشکل جدّی برق وجود دارد. زمانی وارد بیروت شدم، تا رسیدن به محل اقامت، احساس کردم برق رفته است یا چون مردم آن جا شب‌ها خیلی زود می‌خوابند، همه جا تاریک است. گفتند برق آن‌ها براساس موتور برق و مازوت است که عربستان و اسرائیل اجازه نمی‌دهد این سوخت به آن‌ها برسد.

در جلسه‌ای در بیروت بودم، سید حسن نصرالله عَلَيْهِ السَّلَام در حال سخنرانی بود، فرمود که ایران آماده بود به ما سوخت برساند. گفتند ما پولش را هم می‌دهیم، اجازه دهید سوخت را تا ساحل بیروت بیاورد. آمریکا به دولت لبنان فشار آورد، نگذاشت.



شرایط آب و برق و سوخت ایران با لبنان بسیار متفاوت است. در آن دوران هزار لیتر آب حدود ۷۰۰ هزار تومان بود یا یک کیپسول گاز ۴۰۰ هزار تومان قیمت داشت. یکی از همراهان ما که از حزب الله بود، به دکتر رفت، از او پرسیدم: چه مقدار هزینه دادید؟ گفت: (به پول ایران حدود) یک میلیون تومان.

آن‌ها در وسط میدان، با فقر نیز در حال جنگ هستند، در حالی که ما در رفاه ایران، ناامید هستیم. غذای رایج مردم لبنان «مناقیش» است؛ روی نان مقداری سبزی و کنجد می‌ریزند و داخل فر می‌گذارند و همان نان را که شبیه ته‌دیگ می‌شود، می‌خورند؛ یعنی گوشت نمی‌توانند بخرند و با این وضعیت مقاومت می‌کنند.

اسرائیل در یک روز ۸۰ تن بمب را در منطقه ضاحیه ریخت تا بتواند سید حسن نصرالله علیه السلام را به شهادت برساند. اسرائیل از همان ابتدای طوفان الاقصی، هزینه‌های بسیار سنگینی را متحمل شده که یکی این‌که فقط چند لایه پدافندی از طرف آمریکا، انگلیس و فرانسه ایجاد کرده است. بنابراین، اساساً این فکر که حزب الله از بین رفتنی است، بسیار غلط است.

برخی می‌گویند که رهبری علیه السلام فرمان داده‌اند اسرائیل را بزنید؛ ولی مسئولین ما جلوی آن را گرفته‌اند یا نیروهای نظامی ترسیده‌اند؛ چون یک مشت پیرمرد هستند و نمی‌توانند وارد جنگ شوند. در حالی که دیدید، شهید نیلفروشان علیه السلام سنّ بالایی داشت. رهبری علیه السلام ایشان را بعد از شهید زاهدی علیه السلام منصوب کردند و ایشان یقین داشت که به شهادت می‌رسد. این‌ها پیرمردان ما هستند؛ مانند جناب حبیب، عابس و... در تمام صحنه‌ها حاضرند و کسی که در همه صحنه‌ها حاضر باشد، دیگر ترسو نیست. این‌ها به دنبال شهادت هستند. شهید سلیمانی علیه السلام در وصیت‌نامه خود مرگ و شهادت را عروس زیبا خطاب کرده است.

مسئولین ما طراحی کرده بودند که از طریق سوریه بروند منطقه جولان را پس بگیرند؛ البته بشّار اسد تن به جنگ و درگیری مستقیم با اسرائیل نمی‌دهد. پدافند سوریه حتی هواپیماهای اسرائیل را نمی‌زند. مسئولین داخلی، بشّار اسد را راضی

کردند که به جولان برویم و آن را آزاد کنیم، بچه‌های یمن و حزب‌الله نیز وارد می‌شوند؛ اما جریان نفوذ عمل کرد و تمام جلسات فرماندهی لورفت. تیم رضوان را زدند. شهید نصرالله علیه السلام پای نقشه عملیاتی آمد تا به اسرائیل این ضربه را بزند؛ اما خیانت نفوذی‌ها نگذاشت و این قصه لورفت.

در عملیات اربعین - که در انتقام خون شهید فؤاد شکر بود - شهید نصرالله علیه السلام فرمود: می‌دانیم آمریکا دروغگو و فریب‌کار است؛ اما اولین راهبرد ما آتش بس در غزه می‌باشد؛ چراکه هم حماس و حزب‌الله و هم مجاهدان یمنی و عراق و ایران به دنبال این آتش بس هستند. ایشان می‌فرمود: ما می‌دانیم که آمریکا دروغگو است؛ اما چشم مردم به مذاکرات غزه دوخته شده.

وقتی اباعبدالله علیه السلام به سمت کوفه می‌رفتند، ابن عباس که یقیناً از نظر فکری و تحلیلی بسیار ضعیف بود، به حضرت نصیحت کرد که نرو؛ چون این‌ها به پدر و برادر شما خیانت کردند. حضرت فرمودند: می‌دانم. امام این اقدام را کردند تا تاریخ شهادت بدهد که حجّت خداوند بر مردم را تمام کند. در روایات ما آمده است قدر الهی بر این بود که در سال ۷۰ حکومت جهانی الهی شکل بگیرد - این روایت در کافی شریف آمده است - اگر مردم کمک می‌کردند، خداوند مقدر کرده بود که اباعبدالله علیه السلام حکومت علوی را بازیابی کنند.

در ماجرای غزه، اگر ایران موشک می‌زد، اسرائیل بهانه می‌کرد که ما دیگر مذاکره نمی‌کنیم و این صحیح نبود. بنابراین، حزب‌الله صبر کرد ابتدا مرحله اول مذاکرات انجام شود، سپس وارد گرفتن انتقام شویم.

این‌ها نیازمند تبیین است. ابعاد دیگری نیز در این جنگ و معادلات انتقام وجود دارد. از جمله این‌که ما به فصل سرما نزدیک شده‌ایم، در لبنان سوخت بسیار کم است و این مشکلات را باید در نظر گرفت. از طرف دیگر، تلاشی درونی اسرائیل دارد رقم می‌خورد. حضرت آقا علیه السلام در ۱۴ خرداد امسال بیان فرمودند که این تلاشی براساس نمونه سخن‌های تحلیلی اروپایی، اسرائیلی و آمریکایی است. بنابراین، این مداخلات مستقیم چه بسا موجب گردد در اسرائیل انسجام داخلی

شکل بگیرد که مثلاً بگویند: چون ما دشمن خارجی داریم، باید متحد شویم. الآن مجموعه‌های مردمی در حال جنگ با اسرائیل هستند، نه یک دولت. بنابراین، باید بسیار دقت داشت.

باید به تدبیرهای رهبری حفظه الله معتقد بود. ایشان فرمودند که مدیریت کلان ارزشی با من است؛ اما در نیروی نظامی، من فرمانده و مدیر اجرایی هستم. آقای جلیلی فرمودند که فرمان شورای عالی امنیت ملی صادر شده است. حضرت آقا حفظه الله فرمودند که نیروهای نظامی آماده هستند؛ اما از آن طرف این معادله چند مجهولی است و باید درست تبیین گردد.

بحث وحدت نیز در این میان خیلی مهم است. کش مکش طرفداران قالیباف و جلیلی باید تمام شود. نمی‌شود دایم به این مباحث مسخره تن داد. اگر دعوی حامیان این‌ها ادامه یابد، خلاف منویات رهبری حفظه الله است. جریان انقلابی و غیرانقلابی باید متحد گردند و جذب حداکثری رخ دهد. بنابراین، باید آمادگی ایجاد کرد و جامعه باید پذیرای این مطلب باشد که جنگ تبعات جدی به همراه دارد. در دوران دفاع مقدس خاطر مهم است که ما همه چیز را کوپنی تهیه می‌کردیم. مغازه‌ها فقط جنس کوپنی داشتند. اولین بمبی که به تهران خورد، از کوچه ۱۲ خانواده به شهرستان رفتند. در آن دوران از ۳۵ میلیون نفر، یک میلیون و پانصد هزار نفر از مردم در جنگ مداخله کردند. ما توان جنگ را داریم. رهبری حفظه الله فرمودند که اگر هشت میلیون جوان مؤمن انقلابی پای کار باشند - که ۱ درصد جمعیت است - کارها پیش می‌رود.

بنابراین، اتحاد بسیار اهمیت دارد. راهبرد اسرائیل امروز این است که می‌خواهد القا کند مسئولین ایرانی ترسیده‌اند. متأسفانه برخی از ما تکرارکننده حرف‌های بی.بی.سی هستیم. دشمن شایعه را درست می‌کند، منافقین پخش می‌کنند و افراد ساده لوح باور می‌کنند.

امروز یکی از مهم‌ترین کارها، جمع‌آوری کمک مالی است؛ حدود ۳۰۰ هزار نفر از لبنان به محله سیده زینب سوریه آمده و پناه گرفته‌اند. حدود یک میلیون نفر به

جاهای دیگر سوریه آمده‌اند. این‌ها نیازمند کمک‌های ما هستند. به‌ویژه که امروز اسرائیل و جریان آخوندهای درباری صهیونیستی خط دیگری به راه انداخته‌اند که می‌گویند ایران، سید حسن علیه السلام را معامله کرده است تا بعضی از تحریم‌های برداشته شود. این‌ها تبیین می‌خواهد که امیدواریم ان‌شاءالله در آینده خبرهای خوشی از انتقام بشنویم؛ البته کل نیروهای مقاومت به دنبال این انتقام هستند تا دل مؤمنین با نابودی رژیم صهیونیستی شاد شود.

سؤال یکی از حضار: در جنگ ۳۳ روزه، حزب‌الله آن کشتی نظامی اسرائیل را زد، چرا الآن این کار را نمی‌کنند؟ مثلاً دریای سرخ و تنگه هرمز را ببندند و کاری کنند که اسرائیل از لحاظ اقتصادی فلج شود.

جواب استاد: الآن کشتی‌های اسرائیلی آفریقا را دور می‌زنند و ورودی‌های خود را تغییر داده‌اند؛ اما خیانت ترکیه، آذربایجان، امارات و اردن هم هست. یک سری از کمک‌ها از سمت این‌ها به سمت اسرائیل صورت می‌گیرد.

یکی از حضار: این درست است که بخشی از امنیت پالایشگاه آرامکورا ایران انجام می‌دهد؟ چرا یمن نمی‌تواند آرامکورا بزند؟

استاد: ربطی ندارد. یمن نمی‌خواهد وارد درگیری دوباره با عربستان بشود. یکی از بحث‌های مهم در بحث جنگ، توازن قدرت است. این توازن باعث عدم اقدام متقابل می‌گردد. در وضع آنارشیک جنگی باید توازن را حفظ کرد. فرض بفرمایید مخزن اسلحه شما صد میلیون باشد. اگر من هم صد میلیون اسلحه داشته باشم، شما تحریک نمی‌شوید؛ اما اگر ۱۱۰ قبضه بشود، رقابت تسلیحاتی شکل می‌گیرد. بنابراین، در بحث بین‌الملل نباید توازن به هم بخورد.

الآن یمن با عربستان در حالت توازن هستند و فعلاً کاری با یکدیگر ندارند. اولویت یمن، غزه است و نمی‌خواهد در دو جبهه بجنگد. می‌خواهد فقط در جبهه دریای سرخ باشد. این طراحی عملیاتی فرماندهان نظامی یمن است.

یکی از حضار: بحث شورای عالی امنیت ملی که فرمودید فرمان خود را صادر کرده است، چیست؟



استاد: آن قضیه لو رفت. یک کار ترکیبی بود که قرار بود ثمره‌اش آزادسازی بخشی از جولان یا کل آن باشد. یک ماه و اندی در مورد آن کار اطلاعاتی کرده و نیرو برده بودند؛ اما لو رفت.

یکی از حضار: چه زمان لو رفت؟

استاد: همان جا که شهید ابراهیم عقیل را زدند. فرودگاه حلب و دمشق الآن از کار افتاده است. ما اکنون در وسط جنگ هستیم، برخی می‌گویند چرا نمی‌زنید؟! این طراحی‌ها دارد صورت می‌گیرد.

در دوران دفاع مقدس این‌طور نبود که همیشه عملیات کنند؛ بلکه معمولاً در زمستان به دلیل شرایط آب و هوایی می‌جنگیدند. گاه شش ماه روی عملیاتی کار می‌کردند؛ ولی وقتی لو می‌رفت، لغو می‌شد. مثل عملیات رمضان یا کربلای چهار. تنها برخی از عملیات‌ها مثل آزادسازی خرمشهر و شکست حصر آبادان موفق بودند. گاهی یک سال بررسی می‌کردند که دمای هوا، نور مهتاب و... چگونه است. عملیات جولان که قرار بود انجام شود، نیاز به طراحی داشت؛ اما لو رفت و جبهه جولان فعلاً دیگر اولویت نیست.

امروز پیش‌بینی این است که کار موشکی انجام شود، بعید است ضربات نیروی انسانی زده شود؛ مگر این‌که بیمارستان‌های اسرائیل و مثلاً محل نگهداری کودکان عقب‌افتاده را بزنند که البته این در مرام هیچ انسانی، به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نیست. این کار، مرام امثال نتانیاهاو است. او کودکان فلسطینی را می‌کشد و می‌گوید: ما بمب‌های ساعتی را داریم خنثی می‌کنیم. بنابراین، تلفات انسانی نمی‌خواهیم؛ بلکه باید تلفات تسلیحاتی گرفت. الآن عملاً اسرائیل در ناامنی قرار گرفته و اساساً تعطیل شده است؛ چون یک ناامنی، باعث گسترش خوف می‌شود. در پیام‌های خبری تلگرام اسرائیلی زده بود که وضعیت عادی است، از پناهگاه خارج شوید؛ ولی ۲۰ دقیقه بعد گفت: به پناهگاه برگردید. این یعنی اساساً اسرائیل مختل شده است. توریسم که منبع درآمد اصلی اسرائیل است، کاملاً تعطیل شده، صادرات، محصولات کشاورزی و تمام اقتصاد آن‌ها

دچار مشکل گشته و این‌ها از تبعات ناامنی است. تازه حزب الله به سمت آتش زدن مزارع نرفته و چندجا اتفاقی آتش گرفته است.

اگر اسرائیل امروز دارد جنگ را ادامه می‌دهد، در واقع از حماقت و سماجت نتانیا هو است. اگر کس دیگری جای او بود، حتماً آتش بس رخ می‌داد. نتانیا هو فساد مالی دارد و اگر از نخست‌وزیری کنار برود، بلافاصله باید وارد محکمه شود. برای او مهم این است که این جنگ را تا ۱۵ آبان (انتخابات آمریکا) ادامه دهد به این دلیل که دست دموکرات‌ها برتر باشد، مشکل آن‌ها حل شود و ترامپ بالا نیاید. بنابراین، معادلات سختی در میان است.

روزی یک جوان عراقی به من گفت: علت موفقیت شما این است که شما هم سلاح‌های خود را پنهان کرده بودید و هم توان اطلاعاتی داشتید؛ اما یک جوان حزب الهی گفت: علت موفقیت ما، ارتباط با ولایت است؛ چون ما کار را با ولایت پیش برده‌ایم. در آن طرف اسرائیل ابلیس را دارد و خداوند وعده کرده است که قدرت جنود الرحمن برتر از ابلیس است و خداوند کید او را ضعیف می‌داند؛ البته این امیدواری نباید موجب شود ما بی‌کار بنشینیم؛ بلکه باید به دنبال جهاد تبیین بود.

زمانی که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد، امام خمینی علیه السلام فرموده بودند که «جنگ، جنگ، تا رفع فتنه از عالم»؛ اما بعد از دو هفته فرمودند که من جام زهر را نوشیدم. رهبری علیه السلام در جبهه سخنرانی کردند - که صوتش موجود است - آن زمان برخی از رزمنده‌ها به ایشان گفته بودند که تازه یادتان افتاده است جنگ وجود دارد؟! رهبری علیه السلام فرموده بودند که امام اجازه نمی‌دادند. ایشان رفته بودند با رزمندگان صحبت کنند. آن‌جا استراتژی امام علیه السلام در پذیرش آتش بس را تحلیل کردند که ما باید این کار را انجام دهیم.

اساتید معظمم به دلیل دایره گسترده مخاطبینی که دارند، می‌توانند بسیار اثرگذار باشند. همین‌طور نوجوانان ما؛ گاه می‌توان یک فیلم بسیار اثرگذار منتشر کرد. با هماهنگی مسئولین مدرسه می‌توانید این عملیات مجازی را دنبال کنید.

چگونگی مواجهه کنش‌گران با مسئله فلسطین و لبنان

استاد عباسی ولدی رحمته الله

قبل از هر چیز، شهادت سید مقاومت، مجاهد نستوه، شهید سید حسن نصرالله رحمته الله، دبیرکل حزب الله لبنان و یاران باوفای ایشان را تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. مخاطب بنده کسانی هستند که دل در گرو انقلاب دارند و اهداف متعالی انقلاب دغدغه اول زندگی آنان است و ولایت‌مداری و مطیع امام جامعه بودن برای شان یک اصل است و در موقعیتی هستند که دوست دارند کنش‌گر و مجاهد عرصه تبیین باشند.

چند وقتی است که شاهد فرازونشیب‌های زیادی در متن جبهه مقاومت هستیم که با عملیات طوفان الاقصی شروع شد، با ترور ناجوانمردانه شهیدان رضی، زاهدی و همراهانش ادامه پیدا کرد و با ترور اسماعیل هنیّه به اوج خود نزدیک شد و با ترور سید حسن نصرالله رحمته الله به نقطه انفجار رسید. در میان این ترورها، شکست‌های پیاپی راهبردی و عمیقی بر پیکره رژیم غاصب صهیونیستی وارد شد که به معنای واقعی کلمه اش غیرقابل ترمیم بوده و هست. در دل حادثه‌های این چنینی، سرعت عمل در تحلیل وضعیت موجود و نیز در تبیین برای مردم و تصمیم‌گیری در سمت مسئولان، خیلی تعیین‌کننده است؛ اما بشرطها و شروطها. این سرعت عمل در تحلیل، تبیین و تصمیم:



اولاً به هیچ وجه نباید مبتنی بر اطلاعات ناقص باشد؛

ثانیاً به هیچ وجه نباید برخاسته از احساسات مدیریت نشده باشد؛

ثالثاً به هیچ وجه نباید صرفاً مبتنی بر دو دوتا چهارتا‌های مادی و دنیایی باشد؛

رابعاً به هیچ وجه نباید بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدان باشد.

وظایف ما در شرایط امروز

با توجه به این چهار تبصره، می‌خواهم نکاتی را درباره‌ی وظایف خودمان در شرایط کنونی به عرض برسانم؛ اما قبل از آن می‌خواهم تأکید کنم که رویکرد بنده درباره‌ی این وظایف، روی عنصر تبیین تکیه می‌کند. تکیه روی مسئله تبیین به معنای نفی کارهای دیگر نیست؛ اما بنده معتقدم که امروز بیش از هر کاری، نیازمند تبیین و به تعبیر مقام معظم رهبری حفظه الله این فریضه قطعی و فوری هستیم.

نکته اول: توجه به چهل سخنرانی

نکته اول این‌که بدون شک اطلاعات هیچ کدام از ما درباره‌ی متن و پشت صحنه میدان مقاومت بیش‌تر از مقام معظم رهبری حفظه الله نیست. این مسئله بسیار واضح و روشن است، بدون این‌که بخواهیم شعار بدهیم. در معرکه‌ای که نمی‌توانیم به اطلاعات دقیقی از صحنه دست پیدا کنیم، باید در آن چیزی که فرمانده ما؛ یعنی مقام معظم رهبری تبیین می‌کنند، نهایت اطاعت را داشته باشیم؛ زیرا تبیین و تحلیل ایشان برخاسته از اطلاعات کامل و بدون نقص است.

از وقتی عملیات طوفان الاقصی شروع شده تا به امروز، مواضع حضرت آقا درباره‌ی جریان مقاومت کاملاً مشخص و واضح است و این مواضع به مسائل مختلف جبهه مقاومت، غزه، طوفان الاقصی، حماس، حزب الله و حتی رژیم غاصب صهیونیستی مربوط می‌شود. تا امروز که حدود یک سال از عملیات طوفان الاقصی می‌گذرد، حضرت آقا شصت‌و‌اندی سخنرانی داشته‌اند که در حدود ۴۰ سخنرانی به مسئله غزه، فلسطین و جبهه مقاومت پرداخته‌اند؛ یعنی در بیش از ۶۰ درصد از سخنرانی‌های خود به این مسئله اشاره کرده‌اند. واقعاً جالب نیست؟

تازه این آمار، غیر از بیانات معظّم له در دیدارهای دوجانبه‌ای است که ایشان با شخصیت‌های بین‌المللی داشته‌اند. سؤال این است که ما چه درصدی از این سخنرانی‌ها را خوانده یا شنیده‌ایم؟ یا فقط به جمله‌های گزینشی و منتشرشده در رسانه‌های خبری بسنده کرده‌ایم؟ آیا این سخنرانی‌ها را با دقت گوش کرده‌ایم؟ آیا اصلاً حواس مان بوده که حضرت آقا چرا این اندازه به مسئله غزه و جبهه مقاومت پرداخته‌اند؟ معنای پرداختن این اندازه به مسئله غزه، فلسطین، لبنان، جبهه مقاومت و رژیم کودک‌کش و سگ‌ها صهیونیسم، چیست؟ آیا معنی آن این نیست که ایشان در عرصه جهاد تبیین تنها هستند؟ کسانی که در مسئله انتقام معتقدید ایشان تنهاست - که درباره آن نیز حرف‌هایی خواهیم زد- آیا مسئله فریضه فوری و جهاد تبیینی که ایشان به وضوح درباره اش حرف زده و مخاطب‌هایش را نیز به وضوح مشخص کرده‌اند، این نیست که حضرت آقا رحمته الله علیه تنها مانده‌اند؟ ما به جای این که بخواهیم بدون اطلاع از متن میدان و پشت صحنه‌های پنهان آن برای فرمانده‌ها تعیین تکلیف کنیم، بهتر نیست خطی را که ایشان به صورت واضح در بیانات خود نشان می‌دهند، دنبال کنیم و برای مردم تبیین نماییم؟

دوازده نکته کلیدی در این بیانات

اگر به این حدود ۴۰ سخنرانی که حضرت آقا رحمته الله علیه در این یک سال داشته‌اند و در آن‌ها به مسئله مقاومت، فلسطین، غزه، لبنان و رژیم غاصب صهیونیستی اشاره کرده‌اند، دقت کنید، چند نکته کلیدی در بیانات ایشان وجود دارد که واقعاً مثل نان شب مردم نیاز دارند درباره آن‌ها مفاهیم و مطالب تبیینی بشنوند:

۱. تبیین مسئله فلسطین و غزه در ابعاد مختلف؛
۲. تبیین موضع ایران در برابر مسئله فلسطین؛
۳. تبیین چهره واقعی اسرائیل و نظام سلطه و طرح خاورمیانه جدید؛
۴. تأکید بر نقش ایمان در پیروزی جبهه مقاومت، به ویژه رویکرد قرآنی مردم غزه به مقاومت؛



۵. تبیین مسئله شکست و پیروزی در مسئله غزه، آن هم با رویکرد کاملاً دینی؛

۶. نگاه قرآنی به مسئله غزه؛ چون اگر مردم فلسطین به مقاومت نگاه قرآنی دارند، ما هم که بیرون از معرکه غزه و فلسطین هستیم و تماشا می‌کنیم، باید به آن نگاه قرآنی داشته باشیم؛

۷. توجه به سنت‌های معنوی و الهی در متن جبهه مقاومت؛ نمی‌شود با دو دوتا چهارتای مادی و براساس محاسبات دنیایی جبهه مقاومت را تحلیل کرد و برایش تصمیم گرفت؛

۸. فراموش نکردن برجستگی‌های جبهه مقاومت بعد از عملیات طوفان الاقصی و این پیروزی‌های راهبردی و ویژه‌ای که به دست آورده و شکست‌های بسیار عجیب و غیرقابل ترمیمی که بر رژیم صهیونیستی تحمیل کرده است؛

۹. نسبت واقعی آمریکا و جنایات اسرائیل؛ آمریکا و اسرائیل صرفاً دو دوست یا هم‌پیمان نیستند. در محاسبات دقیق، وقتی به نسبت این دو نگاه می‌کنیم، می‌بینیم به معنای دقیق کلمه، اسرائیل سگ‌ها را آمریکا در منطقه است. این نسبت باید تبیین شود؛

۱۰. نسبت میان قضایای غزه و تمدن غربی: تمدنی در برابرمان داریم که بنا دارد از تمام دنیا دهکده‌ای بسازد که کدخدایش خودش باشد و در برابر آن، تمدن اسلامی وجود دارد و تنه به تنه او می‌زند. غزه و تمدن غربی چه نسبتی با هم دارند؟ غزه در مسیر تمدن اسلامی چه جایگاهی دارد؟

۱۱. قطعیت محور رژیم غاصب اسرائیل و پیروزی جبهه مقاومت: این چیزی است که در بیانات حضرت آقا حفظه الله به وضوح معلوم است؛

۱۲. پایان قدرت بازدارندگی اسرائیل و غیرقابل ترمیم بودن این قدرت.

من به جز بعضی از این موارد دوازده‌گانه، فقط عنوان‌ها را خواندم و رد شدم؛ اما سؤال جدی این است که ما چقدر توانسته‌ایم توده مردم خودمان را با این ادبیات تبیینی همراه کنیم؟ هرکدام از ما چقدر از این موارد بالا را که در صحبت‌های

تبیینی حضرت آقا حفظه الله وجود دارد، در این مدت مدّ نظر قرار داده ایم؟ آیا نباید جامعه و توده مردم با واقعیت قضایایی که دارد اتفاق می افتد، همراه شوند؟ آیا اکثریت مردم درباره فلسطین دقیقاً همان موضعی را دارند که شما دارید و همان طوری فکر می کنند که شما فکر می کنید؟ برای چند درصد از مردم مسئله فلسطین مسئله اول است؟ خواهش می کنم درباره پاسخ این سؤال ها کمی واقع بینانه فکر کنید.

یقین دارم، ذره ای شک ندارم که اگر این مسائل برای مردم ما تبیین شوند، حتماً اکثریت آنان همراه خواهند شد. مسئله من همراه شدن یا نشدن مردم نیست؛ مسئله من این است که آیا برای مردم تبیین شده است تا همراه شوند؟

نکته دوم: مقدم ترین نکات

نکته دوم این که بین مسائل تبیینی که ذکر شد، بعضی از مسائل واقعاً از اولویت ویژه ای برخوردارند. مردم ما باید بدانند که قصّه اسرائیل غاصب و فلسطین، قصّه دعوی دو قبیله، دو گروه یا دو دولت نیست. قصّه فقط این نیست که عده ای از جای جای دنیا به کشوری آمده اند که متعلّق به آن ها نیست، خانه گرفته و بعد از مدتی ادعای صاحب خانه بودن کرده اند؛ بلکه مردم باید بدانند اسرائیل سگ هار آمریکا برای به کرسی نشاندن اهداف نظام سلطه است. درست است که امروزه دغدغه این رژیم غاصب در درجه اول فلسطین، بعد لبنان و سپس سوریه است؛ اما اگر از این کشورها خلاص شود و بتواند سایه سلطه خود را روی این کشورها پهن کند، بنا نیست در توسعه طلبی خودش متوقف شود؛ هر جا نقطه قوت و سرزمینی وجود داشته باشد، نظام سلطه و آمریکا به آن چشم دارند. نظام سلطه در خاورمیانه یک سگ هار دارد و تا می تواند از آن برای اهدافش استفاده می کند.

مردم باید بدانند که داعش مولود حرام زاده آمریکا و برادر تنی اسرائیل است. باید بدانند که اگر امنیت می خواهند - که می خواهند - باید با اسرائیل در هرجای این جهان مقابله کرد. این طور نیست که اسرائیل و نظام سلطه با کسانی که باها آن ها کاری ندارند، کاری نداشته باشند؛ بلکه آن ها برای هر سرزمینی که در خدمت



منافع‌شان باشد، برنامه دارند. ما باید بتوانیم این چهره از نظام سلطه را برای مردم تبیین کنیم. ما باید بتوانیم انسانیت و مسلمان بودن و نسبت آن با مسئله فلسطین را برای مردم جا بیندازیم. لازمه این، کار کردن روی نگاه مردم به زندگی است. ما باید بتوانیم مسئله فلسطین و مردم مظلوم غزه را به مسئله درجه یک مردم خودمان تبدیل کنیم. این هم کار تبیینی می‌خواهد. هر اقدامی از طرف ایران به نفع جبهه مقاومت، نیازمند همراهی حداکثری مردم است. بار دیگر تکرار می‌کنم: هر اقدامی از طرف ایران به نفع جبهه مقاومت، نیازمند همراهی حداکثری مردم است و این جا به صراحت می‌گویم: ما به کار تبیینی برای ایجاد این همراهی حداکثری نیاز داریم. این پیش فرض که بدون تبیین، اکثریت مردم با ما همراه هستند و هر کاری کنیم، به لوازش پایبندند، پیش فرض درستی نمی‌تواند باشد.

خواهش می‌کنم کمی از حلقه دوستان خود خارج شوید. در تاکسی، صف نان، صف دکتر، مدرسه، دانشگاه با اساتید، با دانشجویها صحبت کنید، با مردم در این باره حرف بزنید تا به یک واقعیت میدانی دقیق دست پیدا کنید، ببینید آیا مردم برای همراهی با ما نیازمند تبیین هستند یا نه؟ آیا مسئله فلسطین مسئله اول اکثریت مردم ما هست یا نیست؟ اگر این همراهی را در مردم نتوانیم ایجاد کنیم، نمی‌توانیم اقدام حداکثری بنماییم.

نکته سوم این‌که سبک زندگی مادی موجب شده است که ما در تحلیل‌ها و

تصمیم‌گیری‌ها صرفاً به قواعد دنیای مادی نگاه کنیم و از سنت‌های معنوی غافل شویم. امروز مردم ما نیازمند بازگشت به حقیقت این عالم هستند. حقیقت عالم چیست؟ مردم باید بدانند که در ورای این قوانین مادی، سنت‌های معنوی نیز وجود دارد که وقتی خود را در مسیر آن سنت‌ها قرار می‌دهیم، قوانین مادی رنگ می‌بازند. در زمان جنگ، با اعتقاد به همین سنت‌ها جنگیدیم. کسی که اعتقاد دارد خدا با اوست، با شهادت فرماندهانش خللی در اراده‌اش به وجود نمی‌آید. ما در عالم هستی مخلوقی بالاتر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نداریم. وقتی در جنگ أحد شایعه شد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده، عده‌ای سست شدند، عده‌ای فرار کردند و یک عده به فکر امان گرفتن از کفار افتادند. این جا بود که خدا فرمود: «محمد صلی الله علیه و آله و سلم



جز یک فرستاده‌ای از سوی خدا نیست که قبل از او نیز رسولان و فرستادگانی آمدند و از دنیا رفتند، پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به گذشته برمی‌گردید و عقب‌گرد می‌کنید؟» در همین معرکه بود که بعضی از مسلمانان ثابت‌قدم فریاد می‌زدند که اگر محمد ﷺ نیست، خدا و راه محمد ﷺ باقی است.

ما باید دربارهٔ سنت‌های الهی با مردم صحبت کنیم و آنان را متوجه امدادهای الهی بکنیم و این‌که با شهادت برخی از بزرگان جبههٔ مقاومت، حتی در اندازهٔ سید حسن نصرالله ﷺ نباید خللی در ایمان و عقایدمان ایجاد بشود؛ چون خدا هست و زنده و پاینده است.

نکتهٔ چهارم که نیاز به تبیین دارد؛ یادآوری گذشته‌هاست. ما نیاز داریم که به تاریخ نزدیک خودمان مراجعه کنیم و مردم را به یاد برخی وقایع تاریخی بیندازیم. ما یادمان نرفته است که وقتی انقلاب تازه پیروز شده بود، چگونه در همان سال‌های اول مغزهای متفکری مثل شهید مطهری ﷺ را از ما گرفتند. ما نباید یادمان برود که دو سال از پیروزی انقلاب نگذشته، درگیر جنگی نامتقارن شدیم که در آن بین آمادگی ما و تجهیزات دشمن، هیچ نسبتی وجود نداشت. کم‌تر از سه سال از پیروزی انقلاب گذشته بود که در انفجاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی، شهید بهشتی و هفتاد و دو تن از بهترین یاران انقلاب را از دست دادیم. دو ماه بعدش رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ما را در دفتر نخست‌وزیری ترور کردند و به شهادت رساندند و همه این‌ها در حالی بود که ما در جبههٔ غرب و جنوب مشغول جنگ بودیم و هر روز تعداد زیادی از جوان‌های ما به شهادت می‌رسیدند. تازه از جنگ فارغ شده بودیم که امام ﷺ را از دست دادیم. وقتی امام ﷺ از دست رفت، کم‌تر کسی باورش می‌شد که جانشینی برایش تعیین شود که به بهترین شکل ممکن کشتی انقلاب را هدایت کند؛ اما این اتفاق افتاد. رهبری به‌عنوان جانشین امام انتخاب شد که فقط ۵۰ سال داشت و تا امروز که ۳۵ سال از آن روز می‌گذرد، هرروز بیش‌تر از دیروز می‌فهمیم که جای خالی امام ﷺ را خوب پر کرد.



مردم باید بدانند که ما در تک تک این حادثه‌ها دشمنانی داشتیم که لحظه‌شماری می‌کردند با این اتفاق‌ها کمر انقلاب را بشکنند؛ ولی نه تنها کمر انقلاب نشکست؛ بلکه انقلاب مستحکم‌تر و استوارتر نیز شد. این‌ها همگی تحقق وعده «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» بود. مردم باید بدانند فلسطینی که امروز به قدرتی برای خودش تبدیل شده و حزب‌اللهی که امروز از بزرگ‌ترین موانع رژیم غاصب برای رسیدن به اهدافش است، در گذشته وقتی فرماندهان خودش را از دست می‌داد، جایگزینی نمی‌توانست بیابد و اصلاً چنین توانمندی‌هایی را نداشت. اگر امروز فلسطینی‌ها سلاح‌های پیشرفته دارند، آن روز اصلی‌ترین سلاح‌شان سنگ بود. اگر حزب‌الله امروز موشک نقطه‌زن دارد، آن روز اصلی‌ترین سلاحش یک اسلحه عادی بود. آن روز با ترور فرمانده‌هایش نتوانستند حرکت جبهه مقاومت را متوقف کنند، امروز می‌توانند؟ وقتی مردم گذشته‌ها را فراموش کنند، در اصل نعمت‌های بزرگ خدا را فراموش می‌کنند. «اذکروا نعمت‌الله» این دستور خداست؛ ما باید نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشیم و به یاد دیگران نیز بیاوریم.

در این شکی نیست که تنها راه رسیدن به آرامش، ذکر خداست. خدا خودش فرموده است: «الابذکرالله تطمئنّ القلوب» این روزها باید مردم را به یاد خدا بیندازیم، از قدرت، حکمت و لطف خدا بگوییم. با یادآوری همین نعمت‌ها؛ چون مردم فطرت خداجو و خداگرا دارند، این فراز و نشیب‌ها را به سلامت خواهند گذراند. در دل این فراز و نشیب‌ها، یاد خدا از نان شب برای مردم واجب‌تر است. خجالت نکشیم، از خدا بگوییم؛ از مصادیق لطف خدا، از تاریخ، از دوره معاصر برای مردم بگوییم و سررشته این‌ها را به خدا متصل کنیم تا مردم آرام شوند. مردم به این آرامش نیاز دارند تا قوه قلب بگیرند.

حُسن ختام

درباره بعضی از حرف‌های دیگری که زده می‌شود، صحبت‌هایی دارم؛ به همین اندازه بگوییم که آن قدرها هم که برخی فکر می‌کنند، دقیق حرف نمی‌زنند. به هر حال، امیدوارم بین این فراز و نشیب‌ها، به درستی حرف‌های ولیّ جامعه



و ائت اسلامی را پی بگیریم و در آن دقت کنیم. به عنوان حسن ختام می خواهیم نگاهی گذرا به دو پیام اخیر مقام معظم رهبری علیه السلام داشته باشیم و از آن چند نکته بیرون بکشیم. در پیام اول حضرت آقا علیه السلام فرمودند:

«باند ترور حاکم بر رژیم صهیونیست از جنگ جنایت کارانه یک ساله خود در غزه درس نگرفتند و نتوانستند بفهمند که کشتار دسته جمعی زنان و کودکان و مردم غیرنظامی نمی تواند در ساخت مستحکم سازمان مقاومت اثر بگذارد و آن را از پا بیندازد. اکنون همان سیاست حماقت آمیز را در لبنان می آزمایند. جنایت کاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچک تر از آن اند که به ساخت مستحکم حزب الله لبنان صدمه مهمی وارد کنند.»

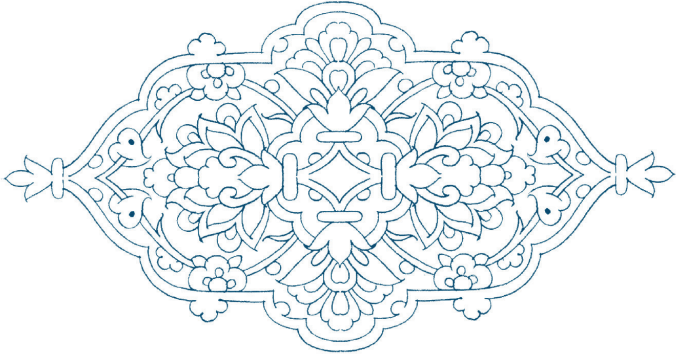
هرکسی هر تحلیلی ارائه کرد، نشانی از این حرف داشت که مقاومت ضعیف و متزلزل شده است؛ اما بدانید که این دیدگاه با نوع نگاه فرمانده فاصله زیادی دارد. حرف صریح حضرت آقا علیه السلام در پیام تسلیت شهادت سید حسن نصرالله علیه السلام عیان است که: «دنیای اسلام شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه مقاومت پرچم داری برجسته را؛ و حزب الله لبنان رهبری کم نظیر را از دست داد؛ ولی برکات تدبیر و جهاد چندده ساله او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت؛ بلکه به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه، استحکام بیش تر [نیز] خواهد یافت. ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی بحول و قوه الهی کوبنده تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه به پیروزی دست نیافته است. سید مقاومت یک شخص نبود؛ یک راه و یک مکتب بود و این راه هم چنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی علیه السلام بر زمین نماند، خون شهید سید حسن علیه السلام هم بر زمین نخواهد ماند.»

هرکس هر تحلیلی ارائه کند که بر اساس آن معلوم شود رفتن سید حسن نصرالله علیه السلام موجب ضعیف شدن حزب الله شده است، هر تحلیلی که نشان بدهد رژیم صهیونیستی با این ترور به پیروزی نزدیک شده، هم تحلیلش با تحلیل فرمانده فاصله دارد و هم نگاهش با ایشان. می خواهیم به اوایل صحبتیم برگردم که



حضرت آقا حفظه الله در بیش از ۶۰ درصد سخنرانی‌های خود در این یک سال، مسئله فلسطین، غزه، رژیم غاصب صهیونیستی و جبهه مقاومت را موضوع تبیین خودشان قرار داده‌اند. به اندازه تحقیقی که کرده‌ام، ۱۲ ریزموضوع از صحبت‌های ایشان پیدا کردم که یقیناً اگر کسی با دقت بیش‌تری به این سخنرانی‌ها توجه کند، قطعاً موضوعات دیگری نیز می‌یابد، پس به جای این‌که همدیگر را متهم کنیم و به یأس پراکنی در جامعه پردازیم یا کارهای سرخود انجام دهیم که اصلاً وظیفه ما نیست؛ به جای این‌که بدون داشتن اطلاعات کافی تحلیل‌هایی ارائه دهیم، برویم در آن نقطه‌ای کار کنیم که وظیفه همه ماست و آن هم تبیین است.

فرمانی که مقام معظم رهبری حفظه الله صادر کرده‌اند و هیچ تردیدی درباره‌اش نیست، فرمان جهاد تبیین است. نیاز امروز جامعه ما همین تبیین می‌باشد. مسئله‌ای که در آن شکی نیست، رها کرده‌ایم و به سراغ مسائلی رفته‌ایم که با هزار شک و تردید همراه است و وظیفه ما هم نیست. فردا خدا از ما نخواهد پرسید که چرا درباره فرماندهان نظامی اظهار نظر نکردی؛ از ما نخواهد پرسید چرا درباره به تأخیر افتادن انتقام حرفی نزدی؛ چون ما جواب داریم، به خدا می‌گوییم: خدایا! چون نمی‌دانستیم و نمی‌توانستیم از پس پرده خبردار شویم و تو گفتی که قول بغیر علم نداشته باشید؛ اما خدا از من خواهد پرسید: چرا تبیین نکردی؟ چرا خطی که امام جامعه نشان داد، پی نگرفتی؟ این‌جا دیگر نمی‌توانی بگویی که نمی‌دانستم. اگر به دنبال انجام وظیفه هستیم، راه مشخص است.



نقش حزب الله لبنان در امنیت ایران

مرتضی غریببان روزبهانی

اشاره

عالم مجاهد، سید حسن نصرالله علیه السلام پس از عمری مجاهدت خستگی ناپذیر در مسیر اعتلای اسلام و مبارزه با استکبار جهانی و رژیم نامشروع صهیونیستی، در جریان حمله جنایت کارانه و بزدلانه این رژیم جعلی به ضاحیه جنوبی بیروت، به آرزوی دیرین خود رسید و به همراه جمعی از هم‌زمانش به قافله نورانی شهدا پیوست.

پس از این حادثه وحشیانه، دفتر حزب الله لبنان در ۷ مهرماه در بیانیه‌ای از شهادت سید حسن نصرالله علیه السلام، دبیرکل حزب الله لبنان در اثر این حملات خبر داد؛ خبری که کام تمام دوستان را تلخ کرد و اندوهی جان‌گداز را بر دل و روح مردمی که در تمام نقاط جهان به او به دیده احترام و تکریم می‌نگریستند، وارد کرد. این جایگاه به خاطر نقش ویژه حزب الله و مقاومت لبنان به عنوان پیشانی محور مقاومت و شخص سید حسن نصرالله علیه السلام به عنوان رهبر این حزب بود که در ادامه به تشریح این کارآمدی می‌پردازیم.

نقشه‌ای که نتانیاهو هنگام سخنرانی در سازمان ملل در دست گرفت، دورنمای اقدامات نظامی این روزهای اسرائیل است. نقشه‌ای که در آن اسرائیل بستر جغرافیای جدیدی را فراهم می‌کند که اثری از حزب الله نیست، حماس از میان رفته و غزه عملاً تحت اداره اسرائیل است. «نتانیاهو» نام آن نقشه را نقشه برکت گذاشته بود. بر این اساس، پس از حمله به حزب الله، اهداف بعدی اسرائیل، نیروهای هم‌سو با ایران در عراق، سوریه، یمن و احتمالاً ایران است که نتانیاهو در نقشه‌ای با عنوان «لعنت» از آن نام برد.

با گذشت یک سال از عملیات طوفان الاقصی و جنایات بی‌شمار رژیم صهیونیستی در پاسخ به این عملیات، به اذعان و اعتراف جهانی، بازنده این جنگ، رژیم کودک‌کش غاصب صهیونیستی است و حماقت‌های این رژیم، دلیلی بر شکست آن‌هاست. به فرموده مقام معظم رهبری علیه‌السلام: «اگر رژیم صهیونی خبیث توانسته بود نیروهای مبارز را شکست بدهد، چه در غزه، چه در کرانه باختری، چه در لبنان، احتیاج نداشت در دنیا صورت خودش را این‌جور سیاه و کریه نشان بدهد و این جنایات را علیه خانه و مدرسه و بیمارستان و فرزند و کودک و زن انجام بدهد». در شکست این رژیم، عوامل مختلفی تأثیرگذار بوده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، حمایت جبهه مقاومت، به‌ویژه حزب الله لبنان از مردم مظلوم غزه بوده است. حزب الله لبنان اولین ثمره انقلاب اسلامی در بیرون مرزهای جمهوری اسلامی است. نهالی که به دست امام خمین علیه‌السلام در لبنان کاشته شد و امروز قدرتمندترین و باسابقه‌ترین متحد و برادر جمهوری اسلامی ایران در جهان است.

حزب الله در مقابله با فتنه داعش در عراق و سوریه، یاور و همراه جمهوری اسلامی ایران بود و بدون ورود آنان، سرکوبی فتنه گسترده تکفیری‌ها در منطقه ممکن نمی‌شد. هم‌چنین، نیروهای حزب الله رابط و حلقه اصلی اتصال سپاه با گروه‌های جهادی فلسطینی و یمنی بوده، بخش عمده‌ای از انتقال تجهیزات و

۱. بیانات رهبری علیه‌السلام در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت، مورخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴.



آموزش‌های نظامی به رزمندگان جهاد اسلامی و حماس در فلسطین و انصارالله در یمن، توسط حزب الله و با کمک مؤثر نیروهای آن صورت گرفته است.

حزب الله لبنان هم محافظ رشید و غیرتمند انقلاب اسلامی بوده و هم رکن اساسی محور مقاومت و مربی و معلم مجاهدان و رزمندگان آن. این ساختار مبارک، نه تنها موجب عزت پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در لبنان، سوریه، عراق و یمن شده؛ بلکه در برخی مواقع به عنوان سپر مدافع جمهوری اسلامی و یار و ناصر آن به میدان آمده است و تمام این‌ها بر مبنای باور و ایمان نیروهای حزب الله به انقلاب اسلامی و صحت و صداقت رهبری آن انجام شده است.

هم چنین از ابتدای عملیات طوفان الاقصی تا به امروز، حزب الله جوانمردانه و صادقانه در حمایت از مقاومت اسلامی فلسطین پا به میدان جهاد گذارده، برخی از نیروها و فرماندهان کم نظیر خود را در مسیر نابودی غده سرطانی منطقه و آزادی قدس تقدیم کرده و با وجود تحمل ضربه‌ها و صدمات پیاپی، هم چنان حامی اول مردم غزه و مقاومت آن‌ها باقی مانده است. آنان به عنوان پیشران جبهه مقاومت، در یک سال اخیر، به هر شکل ممکن از مردم مظلوم غزه دفاع کرده‌اند.

از زمان آغاز عملیات طوفان الاقصی و ورود حزب الله به عنوان جبهه پشتیبان مقاومت فلسطین در نوار غزه تاکنون، منطقه شمالی رژیم صهیونیستی به یکی از مهم‌ترین جبهه‌های درگیری بین این رژیم و حزب الله تبدیل شده است. در بُعد نظامی و اطلاعاتی در این مدت، حزب الله توانسته است به صهیونیست‌ها ضربات بسیار کاری و مهلکی وارد کند و بسیاری از پایگاه‌های نظامی، جاسوسی و شنود این رژیم را که تا مرزهای ایران توان جاسوسی و رصد داشتند، نابود کند. برای این موضوع نیز تاکنون بهای بسیار سنگینی متحمل شده و هرروز صدها شهید و فرمانده بزرگ تقدیم آزادی قدس کرده و هم چنان شجاعانه در حال نبرد جانانه و هدفمند با رژیم صهیونیستی است.



این سیاست حزب الله، راهبرد آن‌ها در چند دههٔ عمر خود بوده، به گونه‌ای که به عنوان پشتیبان اصلی خط درگیری، اجازه نداده است میدان نبرد، از بیخ گوش اسرائیل فراتر رفته، به لبنان، عراق و جمهوری اسلامی ایران برسد. رهبر معظم انقلاب حفظه الله دربارهٔ نقش حزب الله می‌فرماید: «مردم لبنان فراموش نکرده‌اند که در روزگاری نظامیان رژیم غاصب تا بیروت را زیر چکمه قرار می‌دادند. این حزب الله بود که پای آنان را قطع کرد و لبنان را عزیز و سربلند ساخت»^۱.

بر این اساس، حزب الله لبنان از آغاز تشکیل تاکنون، نقش مهمی به عنوان سپر دفاعی محور مقاومت ایفا نموده است و به نیابت از جمهوری اسلامی ایران -که پایه‌گذار مقاومت بوده- سطح درگیری را به سرزمین‌های اشغالی محدود نموده و این امر، در ایجاد امنیت در سایر کشورهای محور مقاومت تأثیرگذار بوده است؛ البته در عمر چندده سالهٔ رژیم کودک‌کش صهیونیستی، جهان استکبار در مقاطع مختلف، برای مدتی توانسته است میدان نبرد را به عراق، سوریه، یمن و لبنان کشانده، علاوه بر ایجاد مشکلات امنیتی در این کشورها، افکار عمومی را متوجه آن‌ها نموده، تا آن رژیم نامشروع به جنایات خود در فلسطین ادامه دهد؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، این موارد مقطعی و موقت بوده، پایان همهٔ آن‌ها، پیروزی مقاومت و شکست جبههٔ استکبار بوده است.

در آن سوی میدان، محور مقاومت در این سال‌های متمادی، فقط رژیم اسرائیل نبوده است؛ چراکه اگر این‌گونه بود، تاکنون منطقه و جهان از لوٹ وجود اسرائیل پاک شده بود. علاوه بر این رژیم غاصب، آمریکای جهان‌خوار و برخی کشورهای دیگر مانند: انگلیس، فرانسه، عربستان، اردن و... نیز به شکل میدانی با جبههٔ مقاومت در حال جنگ اطلاعاتی، امنیتی و نظامی بوده و هستند و عملاً اسرائیل، پیشانی محور شرارت بوده و به نیابت از آمریکا و دنیای استکبار، ایفای نقش می‌کند. بنابراین، درگیری اصلی جبههٔ حق و جبههٔ استکبار، میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا است؛ اما نزاع و جنگ ظاهری توسط حامیان آن‌ها در میدان به صورت عملیاتی و نیابتی مشاهده می‌شود.

۱. پیام رهبر معظم انقلاب حفظه الله به مناسبت حوادث اخیر لبنان، مورخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷.

در نظر گرفتن این تقابل و فرآیند آن، بیانگر این است که مسیر حزب الله با رهبری و هدایت های عالم مجاهد، شهید سید حسن نصرالله علیه السلام، مسیری بسیار صعب و خارق العاده بوده، از توان کسی غیر از ایشان بر نمی آمد؛ چراکه هم از جایگاه بسیار بالایی در جامعه لبنان و جهان اسلام برخوردار بود و هم شجاع، بصیر و باصلابت بود و هم صهیونیست ها و منطق سیاسی، نظامی و روانی آنان را به خوبی می شناخت و می توانست نقشه های دقیقی در مواجهه با آنان طراحی کند. تشدید تنش ها در مرز لبنان و فلسطین اشغالی حاکی از ناکامی ها و شکست های نتانیاهو و رژیم صهیونیستی در دست نیافتن به اهداف شان است. از آنجایی که این رژیم نمی تواند بحران های داخلی و بیرونی خود را حل کند، با گسترده تر کردن فضای درگیری در منطقه، می کوشد بر ناکامی های خود سرپوش بگذارد، بنابراین به فجایعی این چنینی دست می زند.

در این تقابل، همراهی مستکبران عالم، به خاطر وجود دشمن مشترک است و هریک از آن ها اهداف و منافع خاص خود را دنبال می کنند و در صورت احساس خطر، از مواضع خود عقب نشینی خواند کرد؛ اما در جبهه مقاومت، این نگاه قطعاً متفاوت است و همدلی و همراهی جریان مقاومت، همواره تداوم دارد و این جریان، به حمایت و دفاع از هر مظلومی برمی خیزد و همان گونه که حزب الله در چند دهه اخیر سنگر مقدم محور مقاومت و مدافع ملت مظلوم فلسطین بوده، در دهه اخیر برای بیرون راندن داعش از سوریه و عراق نیز تلاش نمود و در یک سال اخیر از هیچ گونه حمایتی از مردم مظلوم غزه دریغ نکرده است و تمام جریان مقاومت، حامی حزب الله لبنان خواهد بود.

بخش امیدوارکننده و مقتدرانه پیام رهبر معظم انقلاب علیه السلام، تأکید بر تداوم مضاعف انگیزه ها و حرکات جبهه مقاومت بود که فرمود: «جنایت کاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچک تر از آن اند که به ساخت مستحکم حزب الله لبنان صدمه مهمی وارد کنند. همه نیروی مقاومت منطقه در کنار حزب الله و پشتیبان آن است. سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب الله سرافراز رقم خواهد زد»^۱.



سردار قآنی، فرمانده سپاه قدس نیز خطاب به حزب الله لبنان، بر این نکته تأکید کرد که: «در ادامه راه و مکتب او (سید حسن نصرالله رحمته الله علیه) تا فتح فلسطین و آزادی قدس شریف، در کنار شما خواهیم ماند.» هم چنین رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه با لحنی کم سابقه و از موضع حکم شرعی فرمودند: «بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث، آن را یاری کنند»^۱.

نکته مهم در این دستور، حفظ محوریت حزب الله در رویارویی با دشمن و دفاع همه جانبه از آن هاست. اکنون حزب الله لبنان نوک پیکان حمله به دشمن است و تمام نیروهای مقاومت منطقه، باید در کنار حزب الله بوده، پشتیبان آن ها باشند. جمهوری اسلامی ایران باید طبق این تکلیف، در کنار حزب الله و پشتیبان او باشد؛ اما قرار نیست محور رویارویی از حزب الله به ایران تغییر کند. تغییر محور رویارویی از حزب الله و... به ایران و بالتبع، جنگ مستقیم و مستمر جمهوری اسلامی با رژیم جعلی اسرائیل، به معنای نوعی عقب نشینی است و تعابیر معظم له نظیر «بنای مستحکم حزب الله» و «صدمه ندیدن آن از این ضربات» اقتضا دارد که با لحاظ موقعیت حزب الله، محوریت رویارویی آن ها حفظ شود و از سوی ما تنها حمایت همه جانبه و پشتیبانی از آن ها صورت گیرد؛ البته این به معنای عدم ورود مستقیم جمهوری اسلامی ایران به صورت مطلق و جنگ تمام نیابتی نیست.

نقش سید حسن نصرالله رحمته الله علیه در گروه جهادی مقاومت لبنان

سید مقاومت، فرمانده و رهبری شجاع، مدیر و مدبر برای حزب الله پرافتخار، یار و یآوری وفادار برای مقام معظم رهبری رحمته الله علیه و بصیر و متمسک به انوار نورانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود که مجاهدانه در میدان مبارزه با ظلم و تجاوزگری غاصبان منفور عالم ایستاد و با رهبری مدبرانه خود، به حزب الله توان و اقتدار بخشید و افسانه شکست ناپذیری صهیونیست ها را با شکست مواجه کرد و پیروزی های

۱. همان.



تعیین کننده‌ای برای غیورمردان حزب الله لبنان و جبهه مقاومت در برابر رژیم سفاک صهیونیستی رقم زد. اقداماتی که حزب الله در طول حیات خود انجام داده، بسیار خارق العاده بوده، از عهده هیچ رهبر میدانی، جز سید حسن نصرالله علیه السلام بر نمی آمد. او تنها یک شخص نبود؛ بلکه نشانه و معرف عظمت و عمق یک تفکر و مکتب اصیل و ناب بود که توانست به شکل جبهه‌ای فراگیر و آگاهانه در سطح منطقه منتشر شود. تعابیری که علمای عظام از این مجاهد عزیز داشتند، جالب و زیباست که به نقش مهم ایشان اشاره دارد:

امام خامنه‌ای رحمته الله علیه: «مجاهد کبیر، پرچم دار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی و رهبر مدبّر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله -رضوان الله علیه- در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نایل آمد و به ملکوت پرواز کرد.»^۱

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله علیه: «در طول این سال‌ها مردم لبنان و فلسطین و امت اسلام مدیون فرماندهی حکیمانه او در جنگ با دشمن صهیونیستی بود و هرگز رشادت‌های مخلصانه او را فراموش نخواهند کرد.»

حضرت آیه الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه: «این شهید بزرگوار نمونه رهبری بوده که مانند وی در دهه‌های اخیر به ندرت دیده می شود. وی با آزادسازی سرزمین های لبنان، نقش برجسته خود در پیروزی بر اشغالگران صهیونیستی را ایفا کرد و با تمام توان خود به عراقی‌ها در آزادسازی کشور خود از تروریست‌های داعشی کمک کرده است و مواضعی عظیم در حمایت از مردم مظلوم فلسطین اتخاذ کرد، تا جایی که حیات گران قدرش را فدای آن کرد.»

حضرت آیه الله العظمی نوری همدانی رحمته الله علیه: «رژیم نامشروع صهیونیستی دست به جنایتی عظیم زد و علاوه بر کشتار بی رحمانه مردم مظلوم و بی دفاع، شخصیتی بزرگ و مجاهدی نستوه و انسانی مقاوم را به شهادت رساند. شهادت نهایت آرزوی آن شخصیت بزرگ بود و سالیان متمادی در پی این سعادت بود.»^۲

حضرت آیه‌الله‌العظمی شبیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه: «آن شخصیت مبارز و پرتلاش، سالیان زیادی از عمر خویش را در راه آزادی و مقابله با رژیم منحوس و دستگیری و حمایت از مردم مظلوم و ستم‌دیده گذراند.»

شهادت، حقّ مسلم سید حسن نصرالله رحمته‌الله‌علیه بود و راه و مسیری که او برگزید، از ابتدا برای نیل به چنین آرزویی بود. وی بارها از خداوند خواست او را به هم‌زمان شهیدش برساند. مقام معظّم رهبری رحمته‌الله‌علیه در پیام خود فرمودند: «سید عزیز مقاومت پاداش ده‌ها سال جهاد فی سبیل‌الله و دشواری‌های آن را در خلال یک پیکار مقدّس دریافت کرد. فیض شهادت پس از این همه مجاهدت حقّ مسلم او بود»^۱.

رژیم صهیونیستی پیش از شهادت دبیرکل حزب‌الله، با هدف ضربات مهلک بر جبهه مقاومت، بسیاری از فرماندهان عالی‌ان‌ها را به شهادت رساند که رهبر معظّم انقلاب رحمته‌الله‌علیه در واکنش به این اعمال شوم و بزدلانه آن‌ها فرمودند: «کسانی از عناصر مؤثر و ارزنده حزب‌الله را به شهادت رساندند؛ اما این خسارتی نبود که حزب‌الله را از پا بیندازد»^۲.

معظّم‌له در پیامی به مناسبت شهادت ایشان، به ویژگی‌های آن سید عزیز اشاره فرمودند که: «دنایای اسلام، شخصیتی باعظمت را، و جبهه مقاومت پرچم‌داری برجسته را، و حزب‌الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد؛ ولی برکات تدبیر و جهاد چندده ساله او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت؛ بلکه به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه، استحکام بیش‌تر خواهد یافت»^۳.

قطعاً شهادت سید حسن نصرالله رحمته‌الله‌علیه نیز مانند وجود نازنین او، در هدایت مقاومت و پیروزی لبنان و فلسطین نقش‌آفرین بوده، یار و یاور مقاومت خواهد بود و بر توان و قدرت مبارزان جبهه مقاومت خواهد افزود و رزمندگان جبهه مقاومت را

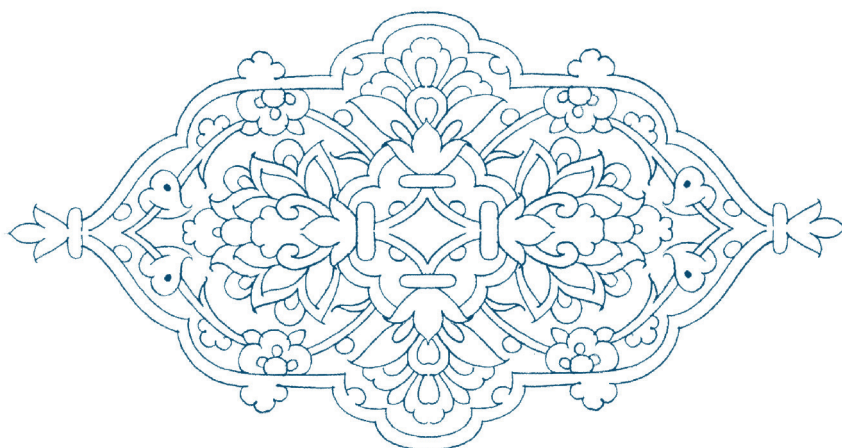
۱. همان.

۲. بیانات رهبری رحمته‌الله‌علیه در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت، مورخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴.
۳. پیام رهبری رحمته‌الله‌علیه به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، مورخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷.



مصمم‌تر از گذشته خواهد ساخت و آن شهید عزیز، با فدا کردن جان گرامی‌اش، راه جهاد و مبارزه را برای همهٔ حق‌طلبان و ظلم‌ستیزان عالم هموار ساخت. بسیار روشن است که خون مطهر او در نقش یک پیشران بسیار قوی در سطح منطقه و در تقویت جبههٔ مقاومت پدیدار خواهد شد.

جبههٔ مقاومت منطقه در تمام این سال‌ها با شهادت یارانش، نه تنها دچار ضعف و سستی نشده؛ بلکه انگیزه‌ای بیش از پیش نیز پیدا کرده است و به فرمودهٔ مقام معظم رهبری علیه السلام قطعاً حرکت جبههٔ مقاومت کوبنده‌تر و شکست جبههٔ استکبار، حتمی، قطعی و سریع‌تر خواهد بود: «ضربات جبههٔ مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، به حول و قوهٔ الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است.»^۱ بسیار روشن است که در این جنگ تاریخی، خون مطهر سید حسن علیه السلام پیروزی نهایی علیه رژیم جنایت‌کار صهیونیستی را رقم خواهد زد.



حمایت عالمان شیعه از فلسطین

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

مقدمه

کشور فلسطین به دلایل مختلفی، از جمله وجود مسجد الاقصی (نخستین قبله مسلمانان) در آن، نزد مسلمانان موقعیت ویژه‌ای دارد. از این سرزمین مقدس در قرآن با عناوینی چون: «ارض مقدّسه»^۱ و «ارض مبارکه»^۲ یاد شده است. فلسطین محل دفن بسیاری از انبیا و اولیای الهی علیهم‌السلام مانند: حضرت ابراهیم علیه‌السلام در شهر الخلیل، حضرت مریم علیها‌السلام در شهر ناصره و حضرت یحیی علیه‌السلام در شهر سامره است. بیت المقدس محل ظهور ادیان یهودیت و مسیحیت بوده، مقبره حضرت داوود علیه‌السلام، مقام حضرت موسی علیه‌السلام، مسجد الاقصی و مسجد صخره در این شهر قرار دارند.

رژیم صهیونیستی با اشغال فلسطین و انجام جنایت‌های فجیع و هولناک، سیاه‌ترین صفحات تاریخ را در این سرزمین رقم زده است؛ اما با وجود این نتوانسته به مقصد نهایی خود برسد و همواره با مقاومت رهبران روحانی مسلمان - که الهام‌بخش حرکت‌های مردم فلسطین بوده‌اند - مواجه شده است. در این میان، نقش مراجع و دانشمندان برجسته شیعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. ﴿ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ﴾. مائده/۲۱.

۲. ﴿إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا﴾. انبیاء/۷۱.



این نوشتار در دو بخش به دلایل و اقدام‌های عملی عالمان شیعه در حمایت از فلسطین می‌پردازیم.

الف. دلایل حمایت عالمان شیعه از فلسطین

مسئله فلسطین از زمان اشغال تاکنون همواره مورد توجه علما، دولت‌مردان و نخبگان شیعه بوده است. این موضوع از چند جهت اهمیت دارد که در ادامه به اختصار بررسی می‌شود:

۱. باور به دفاع از مظلوم

دفاع از مظلوم در کل عالم، یکی از مهم‌ترین باورها و اعتقادهای شیعه است که برگرفته از آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾؛ «به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، به سبب آن که به آنان ستم شده، اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. * همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند».

امیرمؤمنان علیه‌السلام در بخشی از نامه ۴۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ همواره دشمن [سرسخت] ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید». امام زین‌العابدین علیه‌السلام در آغاز دعای ۳۸ صحیفه سجادیه به پیشگاه خداوند عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ؛ خداوند! من پوزش می‌طلبم درباره مظلومی که من شاهد مظلومیتش باشم و یاری‌اش نکنم».

۲. دفاع از سرزمین‌های مقدس

نگاه متفکران مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام به سرزمین‌های اسلامی، نگاهی فراتر از مذهب به جهان اسلام است. آنان بر این باورند که هرگاه دشمنان، دین مبین اسلام و مقدّسات آن یا سرزمین‌های اسلامی را نشانه گرفتند، مسلمانان سراسر

جهان باید متحد شوند و از مقدّسات خود دفاع کنند و براساس فرمان خداوند که می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾، دین مبین اسلام را محور وحدت قرار دهند و در یک صف واحد در کنار مسلمانان دیگر به دفاع برخیزند.

۳. دشمن‌شناسی

توجه متفکران بزرگ شیعی به موضوع فلسطین، بیان‌کننده عمق بصیرت و دشمن‌شناسی آنان است که باید همه گروه‌های مسلمانان دشمن مشترک خود را بشناسند؛ چراکه دشمنی یهودیان عنود با مسلمانان، تاریخی و ریشه‌دار است. خداوند می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ...﴾؛ «به یقین سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی در برابر اهل ایمان، یهودیان خواهی یافت».

۴. پاسخ به ندای فلسطینیان

حمایت از فلسطین، پاسخ به ندای شیعه خواهی فلسطینیان است^۲ که افزون بر وجود شیعیان میان آنان، امروزه اعتقاد به باورهای شیعی در فلسطین پررنگ‌تر شده و حتی عشق به حضرت مهدی علیه السلام و بیعت با آن حضرت میان وصیت‌نامه‌های شهیدان آنان دیده می‌شود، هم‌چنان‌که اعتقاد به قیام آن حضرت در آخرالزمان و

۱. مائده/۸۲.

۲. پیشینه حضور شیعیان در فلسطین، به حضور ابوذر غفاری در شامات برمی‌گردد. مذهب شیعه در قرن چهارم و در عصر حکومت فاطمیان در فلسطین رونق یافت. «الحاکم بامرالله» ششمین حاکم فاطمیان، دارالعلم فاطمی را در بیت‌المقدس تأسیس کرد. این مکان تأثیر قابل‌توجهی در گسترش تشیع در فلسطین داشت و تا زمان اشغال فلسطین توسط صلیبی‌ها به فعالیت خود ادامه داد. با وجود جنگ‌های صلیبی و پس از آن، تسلط «صلاح‌الدین ایوبی» بر مناطق فلسطین و شام، شیعه در فلسطین باقی ماند. در عصر عثمانی، شیعیان فلسطین دوباره مطرح شدند. تأثیر و نفوذ شیعیان بر فلسطین در دوران معاصر، به سبب ارتباط گروه‌های فلسطینی با حزب‌الله لبنان بیش‌تر شده است. پیروزی‌های حزب‌الله لبنان بر اسرائیل، نقش مهمی در گسترش تشیع در فلسطین داشته است. جنبش جهاد اسلامی را نماد شیعه در فلسطین می‌دانند؛ چراکه «فتحی شقاقی»، بنیان‌گذار آن، از شیعه تأثیر می‌پذیرفت. هم‌چنین جنبش صابرین که از جنبش جهاد اسلامی منشعب شده، به شیعه نزدیک است. این جنبش در سال ۲۰۱۴م حرکت خود را با رهبری «هشام سالم» آغاز کرد. انجمن شقاقی، انجمن خیریه و غیرسیاسی است که سعی می‌کند دیدگاه برابری به تمام مذاهب اسلامی داشته باشد. برخی از نهادهای شیعه فلسطین عبارت‌اند از: انجمن جوانان اسلامی، درمانگاه احسان خیری، مدرسه نقاء، جمعیت غدیر و جمعیت آل‌البیت. هم‌چنین هفته‌نامه «الاستقلال» و شبکه رادیویی «إذاعة صوت القدس» در اختیار شیعیان فلسطین است.



پرکردن زمین از عدل و داد، یکی از باورهای مشترک میان مذاهب اسلامی است، حتی همین باور و عشق به حضرت مهدی مصلح و عدالت گستر علیه السلام در فلسطین، یکی از وسایل بسیج نمودن مخلصان و مجاهدان مبارز با صهیونیست است. امروزه فلسطینی‌ها در مساجد فلسطین برای آماده شدن و جهاد در رکاب مصلح آخرالزمان، با مهدی موعود علیه السلام بیعت می‌کنند.^۱

بیعت با مهدی موعود علیه السلام، حتی در وصیت نامه شهدای فلسطینی نیز دیده می‌شود. برای نمونه، یکی از شهیدان برجسته جنبش حماس به نام «نضال فرحات»، سازنده موشک‌های «قسام» در ضمن وصیت نامه پرشور خود می‌نویسد: «...هَذَا الزَّمان زمن المهدي فأنا أبايعه من الآن متى ظهر...»؛^۲ این زمانه دوران مهدی علیه السلام است و من با او از هم اکنون تا زمانی که ظهور کند، بیعت می‌کنم.

۵. خنثی کردن توطئه‌های دشمنان

حرکت عالمان شیعه در حمایت از فلسطین برای خنثی کردن توطئه‌ها و پاسخ به شبهات دشمنان قسم خورده و طرفدار صهیونیست‌ها است. امام خامنه‌ای رحمته الله علیه با تأکید بر ضرورت هوشمندی در شناخت دوست و دشمن در موضوع فلسطین، می‌فرماید: «در اوج حمایت همه جانبه نظام و ملت از مظلومان فلسطین در جنگ ۲۲ روزه غزه، ناگهان یک ویروس مخرب و شیطانی در جامعه شروع به تکثیر کرد که فلسطینی‌ها را ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السلام می‌خواند، تا با ایجاد بدبینی نسبت به اهل تسنن و تحریک مردم، جمهوری اسلامی را به عقب نشینی از مواضع خود و حمایت نکردن از ملت فلسطین وادار کند».

۱. ناصبی بودن فلسطین در بوته نقد (در نقد کتاب آنفولانزای تشیع در فلسطین)، حمیدرضا غریب‌رضا، مشاهده در: B2n.ir/u24035.

۲. «ام فرحات» مادر شهید «نضال فرحات» بانوی فلسطینی که رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه از او تجلیل کرد. این بانوی شجاع از اهالی «حی الشجاعیة» در شرق غزه و دارای ۶ پسر و چهار دختر بود که همه پسرهایش از اعضای گردان‌های شهید عزالدین القسام، شاخه نظامی حماس هستند که سه پسرش به نام‌های: نضال، محمد و رواد شهید شده‌اند و یک فرزند وی نیز پس از ۱۱ سال اسارت توسط رژیم صهیونیستی، از زندان آزاد شد (خبرگزاری دفاع مقدس، ۲۷ دیماه ۱۴۰۲، بخش معرفی نخبگان مقاومت اسلامی). نضال فرحات معروف‌ترین پسر وی، به مهندس موشک‌های قسام معروف است. وی جزء نخستین کسانی است که در زمینه طراحی و ساخت موشک‌های قسام فعالیت کرد که دشمن صهیونیستی او را در سال ۲۰۰۳ م ترور کرد.



ایشان در همین زمینه افزودند: «در نقطهٔ مقابل نیز عده‌ای در لابه‌لای بعضی سخنرانی‌ها و برخی کتاب‌های شیعی به دنبال پیدا کردن احتمالی اهانت به مقدّسات اهل سنّت هستند تا آن‌ها را به شیعیان بدبین کنند؛ اما آحاد ملّت، به‌ویژه علمای شیعه و سنّی باید با درک عمیق توطئه‌های پیچیدهٔ مخالفان اسلام، در مقابل تحریکات پنهان و آشکار دشمن بایستند و اجازه ندهند تفرقه و اختلاف و سوءظن، وحدت و همدلی و همکاری صمیمانهٔ موجود را خدشه دار کند»^۱.

معظم‌له دربارهٔ شبههٔ ناصبی بودن اهل غزه می‌فرماید: «در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام هست، مسجد الامام الحسین علیه السلام هست، چطور این‌ها ناصبی اند؟ بله، سنّی اند؛ اما ناصبی؟!»^۲ بنابراین، مسئلهٔ فلسطین و دفاع از قبلهٔ اول مسلمانان در منظومهٔ فکری اندیشمندان شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نخبگان، فرزنانگان و عالمان بزرگ شیعه در کنار دیگر رهبران مسلمان، همواره از ملّت مسلمان فلسطین حمایت می‌کنند و بر آزادی قدس شریف تأکید دارند. این حمایت‌ها تأثیر عمیقی بر روحیهٔ مبارزان فلسطینی دارد و آنان را در ادامهٔ مبارزه مصمم‌تر کرده است.

ب. اقدام‌های عملی عالمان شیعه در حمایت از فلسطین

۱. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین رحمته الله

سال‌ها قبل از اشغال فلسطین، هنگامی که یهودیان با توطئهٔ انگلیس، مهاجرت خود را به فلسطین آغاز کرده بودند، علامه سید شرف‌الدین در لبنان مشغول مبارزه با استعمارگران فرانسوی بود. این دانشمند بزرگ شیعه به موقع نیرنگ خطرناک صهیونیست‌ها را تشخیص داد و به مناسبت‌های گوناگون، با مهاجرت یهودیان به فلسطین مخالفت کرد. نوادهٔ این دانشمند فرزانه نقل می‌کند که وقتی

۱. بیانات رهبری رحمته الله در دیدار با علمای استان کردستان، مورخ: ۱۳۸۸/۲/۲۳، مشاهده در:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/81283>.

۲. برشی از کتاب فلسطین (ره‌نامهٔ ۳۸)، مشاهده در:

<https://khameneibook.ir/content>.



ژنرال «ژرژ کارتری» فرانسوی، نماینده دولت استعماری فرانسه، معاون خود (ژنرال داوید) را نزد شرف‌الدین فرستاد، ایشان به داوید مطالبی گفتند که مضمون آن چنین است: «... فرانسه اکنون با بریتانیا هم‌پیمان شده است. بنابراین، می‌تواند اقدامی بکند... دولت فرانسه از هم‌پیمان خود بریتانیا بخواهد تا مهاجرت یهودیان را به سرزمین فلسطین متوقف سازد... ما از این جهت می‌خواهیم این مهاجرت متوقف شود که این یک اقدام سیاسی است»^۱.

۲. آیه‌الله عبدالکریم حائری یزدی رحمته‌الله

در سال ۱۳۱۲ش که استعمار انگلیس با حمایت از صهیونیست‌ها و سرکوب مسلمانان، زمین‌های فلسطینیان را از دست آنان خارج و به یهودیان مهاجر واگذار می‌کرد، در حقیقت انگلستان با غصب زمین‌های فلسطینیان و ساکنان اصلی آن در فراهم آوردن مهاجرت یهودیان، نقش اصلی را ایفا می‌کرد. سکوت دولت ایران در این قضیه با واکنش عالمان و مراجع روبه‌رو شد، به طوری که آیه‌الله حائری معروف به مؤسس رحمته‌الله و به تبع وی، روحانیان دیگر ایران برای دفاع از مردم فلسطین دست به کار شدند و از دولت خواستند به حمایت از مردم فلسطین بپردازد. آیه‌الله حائری رحمته‌الله با ارسال نامه‌ای به رضاخان توسط آیه‌الله سیدمحمد بهبهانی رحمته‌الله وی را به حمایت از مردم فلسطین فراخواند.^۲

۳. آیه‌الله شیخ محمد حسین کاشف‌الغطا رحمته‌الله

این مرجع بزرگ و باصلابت جهان تشیع، در فتوایی که در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۵ق در نجف اشرف صادر کرد، ضمن دفاع از فلسطین، چنین فرمود: «... رژیم‌های که فلسطین را اشغال کرده است، از نخستین روزی که به این اشغال غیرعادلانه و نامشروع دست زده، گویی با خود عهد و پیمان بسته است که نه برای عدالت ارزشی قائل باشد و نه مفهوم را برای حقّ بپذیرد...».

۱. شرف‌الدین، محمدرضا حکیمی، نشر دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ش، ص ۲۲۷.

۲. خبرگزاری فارس، مقاله: «مؤسس حوزه، پایه‌گذار مبارزه با اسرائیل»، ۲۴ مرداد ۱۳۸۵.



ایشان در ادامه فتوای خود می‌فرماید: «مسئله فلسطین دیگر از مرز اعتراض و گفت‌وگو گذشته و به مرز کار و فعالیت رسیده است. هر انسانی که در رگ‌های بدنش خون پاک، زنده و آگاه وجود داشته باشد، حتماً همین شرف و پاکی خون او، آواز خواهد داد که چه (چرا) نشسته‌ای؟ برخیز و به برادران فلسطینی خود کمک کن!... امروز جهاد بر هر فرد مسلمان، خواه عرب یا غیر عرب، واجب است...»^۱

هم‌چنین این مرجع آگاه، در پیامی که به همایش آمریکایی دوست‌داران خاورمیانه در لبنان فرستاد، با تیزبینی تمام حیلۀ استعمارگران را برملا کرد و ترفندهای پیچیده آنان را هویدا ساخت. در بخشی از آن پیام آمده است: «ای دولت ایالات متحده و ای دولت انگلیس! آیا شما برای معنویت‌ها ارزشی قائل‌اید؟ آیا جنایت‌هایی که شما در فلسطین کردید، شما را روسیاه نکرد؟ مگر به آن‌ها -اسرائیل غاصب- پول و اسلحه نمی‌دهید؟ شما ۹۰۰ هزار عرب -فلسطینی- را بی‌خانمان و آواره بیابان‌ها نکردید؟ آن‌ها در وطن خود عزیز بودند؛ شما کاری کردید که دل سنگ به حال آن‌ها می‌سوزد. آیا نرون (امپراطور روم و جنایت‌کار بزرگ تاریخ) هم به اندازه شما مرتکب جنایت شده است؟ شگفتا! که شما از مسلمانان و اعراب انتظار همکاری دارید و از آن‌ها می‌خواهید که با شما هم‌فکری و همکاری کنند. شما عرب را لگدمال می‌کنید؛ با یک دست بر سرش می‌کوبید و با دست دیگر او را نوازش می‌کنید...».

این نامه آیه‌الله کاشف الغطاء رحمته‌الله میان ملل مسلمان و غیرمسلمان بازتاب گسترده‌ای یافت و مورد حمایت اندیشمندان قرار گرفت، تا آنجا که گفته می‌شود: «كَاشَفَ الْغَطَاءِ كَشَفَ الْغِطَاءِ: کاشف الغطاء پرده را کنار زد»^۲.

۴. آیه‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی رحمته‌الله

آیه‌الله بروجردی رحمته‌الله نیز در مورخه ۱۳۲۷/۳/۹ ش طی اعلامیه‌ای، جنایت‌های دولت اشغالگر قدس را محکوم کردند و از مسلمانان ایران و جهان دعوت نمودند

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ: ۱۳۶۰/۵/۸.

۲. گلشن ابرار، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، نشر معروف، قم، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۶۳۸.



افزون بر کمک به مسلمانان فلسطین، در مجالس دعا و نیایش، از یهودیان اشغالگر اعلان برائت و بیزاری نمایند و علیه اشغالگران نفرین و برای پیروزی مسلمانان در جنگ علیه اسرائیل دعا کنند. ایشان در قبال اشغال قدس شریف و سرزمین فلسطین توسط متجاوزان صهیونیست، موضعی مقتدرانه و غیرتمندانه گرفتند.^۱

۵. آیه الله شیخ محمدرضا مظفر رحمته الله علیه

این متفکر شهیر شیعی نیز در مورد دفاع از قدس شریف اهتمام ویژه‌ای داشت و فشارهای روزافزون صهیونیست‌ها بر مردم فلسطین و اشغال سرزمین‌های اسلامی، از دید تیزبین او پنهان نبود. وی افزون بر نشر مقالات روشن‌گرانه در این رابطه، در جنگ بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۵۶م، تلگرافی به شیخ الازهر فرستاد و هم‌دردی خود را با ملت مصر اعلام کرد. این استاد مصلح و مجتهد فرزانه، صهیونیسم را خطر بزرگی برای جهان اسلام دانسته، انحراف سردمداران کشورهای اسلامی را از حق و مسامحه آنان با عوامل تجاوزگر غربی را سبب بدبختی مسلمانان و عامل رشد اسرائیل می‌دانست.^۲

۶. آیه الله شیخ عبدالکریم زنجانی رحمته الله علیه

آیه الله شیخ عبدالکریم زنجانی از عالمان و مراجع بزرگ و پرافتخار شیعه و از منادیان وحدت جهان اسلام و از شخصیت‌های بین‌المللی حوزه علمیه نجف، از دیگر عالمان شیعی است که در راه اتحاد اسلامی و مسئله فلسطین کوشش‌ها کرد. آن بزرگ‌مرد نیز دوری و بی‌خبری مسلمانان را از احوال یکدیگر، عامل اصلی شکست مسلمانان از بیگانگان شمرده، برای آگاهی از سرزمین‌های اسلامی و دیدار با عالمان و سیاست‌مداران جهان اسلام، سفرهای گوناگونی به هند، سوریه، مصر و فلسطین انجام داد.

ایشان در سال ۱۳۵۵ق به دعوت سید امین حسینی، مفتی فلسطین، به آن دیار رفت و با استقبال گرم مردم و عالمان قدس روبه‌رو شد. در آن روزها یهود و بریتانیا

۱. برای اطلاع از متن بیانیه، ر.ک: مفاخر الاسلام، علی دوانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش، ج ۱۲، ص ۳۶۲.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۸۶.



در آغاز کار بودند و مهاجران یهودی گروه‌گروه از نقاط گوناگون جهان، به‌ویژه از اروپا به این سرزمین می‌آمدند و با تطمیع و ارباب، زمین‌های مسلمانان را صاحب می‌شدند. شیخ عبدالکریم با تیزی خود خطر این میهمانان ناخوانده را برای فلسطینیان گوشزد کرد و به آنان یادآور شد که اینان در صورت تسلط بر مردم، میزبانان را از خانه بیرون خواهند راند.

وی هشدار داد و سوسه‌های دولت بریتانیا برای مشارکت و زیست مسالمت‌آمیز یهودیان با مسلمانان و تشکیل دولت مشترک، فریبی بیش نیست و مردم می‌بایست از آغاز، راه را بر خطر ببندند. ایشان با بیان آیه‌های قرآن و روایت‌های پیشوایان دین در پیروزی حتمی حق و حقیقت و پیروزی مسلمانان بر یهودیان، شعله‌هایی از امید و مقاومت را در دل‌های افسرده مسلمانان فلسطین برافروخت و به آنان بشارت داد که در سایه همدلی و پشتیبانی دیگر مسلمانان، خواهند توانست در برابر متجاوزان بایستند.

وی در این سفر، در اجتماع مردم فلسطین سخنرانی غرّا و مهمی علیه اسرائیل ایراد کرد که به «خطبه ناریه»؛ یعنی سخنرانی آتشین معروف شد. این خطبه شیخ چنان شورانگیز و آتشین بود که مفتی فلسطین در پایان گفت: «سود این درس شما در مسجد الاقصی برای فلسطین و عرب و مسلمانان، بهتر از صد هزار سپاهی آماده کارزار بود»!

۷. آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی رحمته الله علیه

از دیگر اندیشمندان و مراجع مبارزی که نام بلند او در نیم قرن گذشته بین پیشتازان مبارزه علیه رژیم صهیونیستی می‌درخشد، آیه الله کاشانی رحمته الله علیه است. این فقیه مبارز در آن زمان که سکوت مرگباری بر فضای جهان اسلام سایه افکنده بود، با صدور اعلامیه‌ای خطاب به تمامی مسلمانان جهان، در مورد تشکیل دولت غاصب اسرائیل اعلام خطر کرد. در بخشی از این اعلامیه که به تاریخ ۱۳۲۶/۱۰/۱۱ ش صادر شد، آمده است: «تشکیل دولت - صهیونیستی - در آتیه، کانون مفسد بزرگ

برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و زیان آن تنها متوجه اعراب فلسطین نمی‌گردد و علی‌ایّ حال بر تمام مسلمین عالم است، از هر طریقی که می‌شود، از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایند...»^۱

۸. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه

شهید مطهری رحمته الله علیه مبارزه سخت و پیگیر با صهیونیسم بین‌الملل در اسرائیل و در دفاع از حقوق پایمال شده فلسطینی‌ها را دنبال می‌کرد. ایشان در بخشی از سخنانش که در عاشورای سال ۱۳۹۰ ق برابر با اسفند ۱۳۴۸ ش در حسینیه ارشاد تهران ایراد کرد، گفت: «والله و بالله! ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم! مسئولیت داریم. به خدا قسم! ما غافل هستیم. والله! قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی علیه السلام را خون کرده، این قضیه است... اگر امروز حسین بن علی علیه السلام بود، می‌گفت: اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز، موشه دایان^۲ است. شمر ۱۳۰۰ سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس! امروز باید در و دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان می‌خورد. مرتب دروغ در مغز ما کردند که این یک مسئله داخلی است، مربوط به عرب و اسرائیل است... اگر مربوط به این‌هاست و مذهبی نیست؛ چرا یهودیان دیگر دنیا مرتب برای این‌ها پول می‌فرستند؟»^۳

۹. امامین انقلاب

اقدام‌ها و تلاش‌های امام خمینی رحمته الله علیه که پدیدآورنده بزرگ‌ترین انقلاب ضد اسرائیلی است، بر کسی پوشیده نیست و پرداختن به جزء جزء آن مجالی بیش‌تر می‌خواهد؛ اما فقط به یک فرمان تاریخی ایشان در این باره اشاره می‌کنیم. امام رحمته الله علیه در بخشی از فرمان تاریخی خود در مورد اعلام آخرین جمعه ماه مبارک

۱. همان.

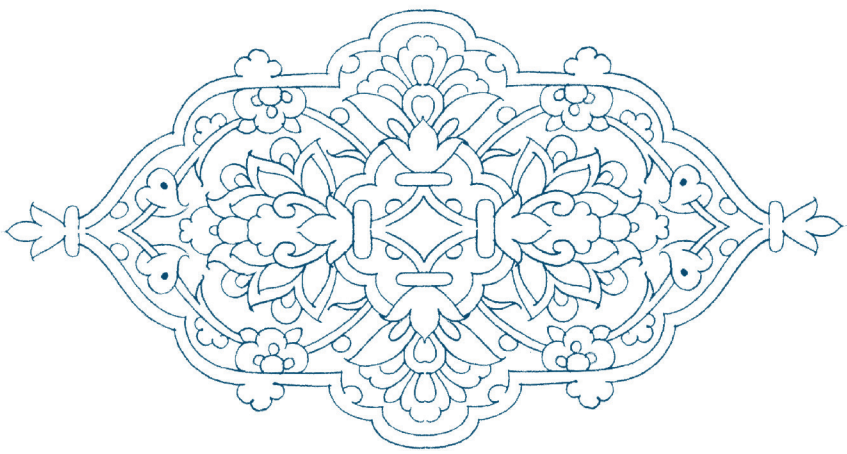
۲. نخست‌وزیر وقت اسرائیل.

۳. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۱۷، ص ۲۹۱.



رمضان به عنوان روز قدس، می نویسند: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن ها، به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی هم بستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند. از خداوند پیروزی مسلمانان بر اهل کفر را خواستارم»^۱.

امام خامنه ای حفظه الله نیز در جایگاه جانشین برحق امام خمینی رحمه الله و تداوم بخش راه آن روح قدسی، مهم ترین مسئله جهان اسلام را اشغال فلسطین به دست صهیونیست ها عنوان می کنند و در این باره اقدام های فراوانی انجام داده اند. از جمله می فرمایند: «مسئله فلسطین یک راه حل بیش تر ندارد و آن، تشکیل دولت فلسطینی در تمام سرزمین فلسطین است»^۲.



۱. سیمای قدس، غلامرضا گلی زواره، نشر سازمان تبلیغات، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۲۲۸.
 ۲. همان، ص ۲۳۱.

بایستگی مقاومت

علیرضا انصاری

مقدمه

«اندیشه مقاومت»^۱ پدیده جدیدی نیست که در زمان و مکانی خاص به وجود آمده باشد؛ بلکه استقامت، پایداری، تاب‌آوری و مقاومت، پرکاربردترین واژگانی هستند که با تاریخ بشریت گره خورده، فرهنگ تقابل حق و باطل، مستضعف و مستکبر، ظالم و مظلوم و... نماد این جریان است.

این همان «گفتمان مقاومت» است که در طول تاریخ جریان داشته، امروزه به «فرهنگ جهانی» تبدیل شده است. مقاومت مردم غزه نمادی از این پایداری می‌باشد؛ البته طی مسیر مقاومت طولانی، هزینه‌ساز بوده، سختی‌های خود را دارد، چنانچه سید مقاومت، شهید جاوید، سید حسن نصرالله علیه السلام در راه نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت به شهادت رسید؛ شهادتی که امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «خط سرخ شهادت، خط آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است».

اما فرجام مقاومت، پیروزی جبهه استقامت و پایداری است؛ زیرا این امر سنت و وعده الهی بوده، تخلف‌ناپذیر است. این نوشتار می‌کوشد بایستگی قرآنی،

۱. The idea of resistance .

واژه‌شناسی

روایی، فقهی، عقلانی، تاریخی و طبیعی مقاومت را تبیین کند؛ زیرا امروزه تبیین این مهم - با توجه به شبهات و پرسش‌های موجود - از بایستگی‌های جامعه است.

«مقاومت» از ریشه «قام» و مصدر «ق.و.م» و نقیض جلوس، برخاست و ایستاد است که در معانی نگهداری، پایداری، ایستادگی،^۲ اراده، راست شدن،^۳ اعتدال، ثبات و استمرار استعمال شده است. هم‌چنین در فرهنگ‌های فارسی به ایستادگی و پایداری^۵ تعریف شده است. گرچه واژه «مقاومت» در قرآن و روایات نیامده؛ اما واژگان مترادف، هم‌معنا، جانشین و مرتبط در آیات و روایات گزارش شده است. مشتقات فعلی و هم‌معنا برای امر به استقامت، به صورت‌های: ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ﴾،^۶ ﴿فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَان﴾^۷ و «اسْتَقَامُوا» آمده،^۸ جهاد^۹ استواری و قیام برای خدا^{۱۰} یا مفهوم مخالف ﴿مَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾^{۱۱} گزارش شده است.

۱. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، محقق: جمال الدین میردامادی، دارالفکر - دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۶.
۲. کتاب العین، خلیل بن أحمد، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳.
۳. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، مصحح: هارون عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳.
۴. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، ج ۵، ص ۲۰۱۷.
۵. فرهنگ بزرگ سخن، انوری، ج ۷، ص ۷۲۴۷.
۶. هود/۱۱۲.
۷. یونس/۸۹.
۸. فصلت/۳۰.
۹. توبه/۷۳.
۱۰. سبأ/۴۶.
۱۱. آل عمران/۱۴۶.

جایگاه مقاومت در قرآن به گونه ای است که بخش زیادی از آیات به جهاد، دفاع، مقابله با دشمنان، صبر و حمایت از مظلومان اختصاص یافته، خداوند عزتمندی مسلمین، اقتدار مؤمنان و برون رفت از انفعال و انزوای معاندین را نتیجه مقاومت در برابر مفسدان می داند.

در عرصه های متعدد دیگر نیز قرآن به مقاومت سفارش نموده است. یکی از موارد که در قرآن بدان تأکید شده، پایداری در تبلیغ اسلام است، چنان که رسول خدا ﷺ شخصاً مأمور به استقامت شده است: ﴿فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ﴾^۱.

یعنی در راه تبلیغ و ارشاد، در طریق مبارزه و پیکار، در انجام وظایف الهی و پیاده کردن تعلیمات قرآن استقامت کن...؛ اما این دستور تنها مربوط به تو نیست؛ هم تو باید استقامت کنی و هم تمام کسانی که از شرك به سوی ایمان بازگشته، دعوت الله را قبول نموده اند: ﴿وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾^۲. هم چنین قرآن در عرصه های دیگر، مانند جنگ با دشمن و حفظ مرزهای جهان اسلام، به مقاومت تأکید می فرماید که: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوس ها) مقاومت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت نمایید و از خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «اصبروا؛ همان ایستادگی در برابر حوادث است که در حقیقت ریشه اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می دهد و صابروا از مصابره، به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است. بنابراین، قرآن نخست به افراد باایمان دستور استقامت می دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می شود) و در مرحله دوم، دستور به

۱. هود/ ۱۱۲.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش، ج ۹، ص ۲۵۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۴۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۰۴.

۳. آل عمران/ ۲۰۰.



استقامت در برابر دشمن می‌دهد... و ضمناً از این دستور صابروا استفاده می‌شود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم؛ و رابطوا: این جمله از مادهٔ رباط گرفته شده... و رابطه به معنی مراقبت از مرزها آمده است... این جمله به مسلمانان دستور آماده‌باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد، تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانهٔ دشمن نشوند...»^۱

قرآن در جای دیگر حمایت از مظلومان را ضروری می‌داند؛ زیرا ظلم‌زدایی از جامعهٔ بشری مسئولیت اجتناب‌ناپذیر همهٔ انسان‌ها است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۲ «چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مگه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یاور برای ما تعیین فرما!» این آیه با تحریک عواطف انسانی، به سوی جهاد دعوت می‌کند که آیا عواطف انسانی به شما اجازه می‌دهد خاموش باشید و این صحنه‌های رقت‌بار را تماشا کنید و اقدامی نکنید؟!». ^۳

قرآن بر افزایش قدرت نظامی تأکید می‌کند که همین امر اهمیت مقاومت را نشان می‌دهد: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۳ «در برابر آن‌ها [دشمنان] آنچه توانایی دارید، از [نیرو] آماده سازید [و نیز] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد] تا با آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!» کلمهٔ قُوَّة چه کلمهٔ کوچک و پرمعنایی است؛ زیرا نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در برمی‌گیرد؛ بلکه تمام نیرو و قدرتی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد نیز شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی.^۴

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۴.
 ۲. نساء/ ۷۵.
 ۳. انفال/ ۶۰.
 ۴. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.



بر این اساس، مقام معظم رهبری حفظه الله می فرمایند: «امروز جمهوری اسلامی بحمدالله در منتهای قدرت و قوت است و ایستاده است و ما حرف مان را صریح می زنیم و پای حرف مان می ایستیم و هر جایی که احتیاج به حضور ما باشد، هر جایی که احتیاج باشد به کمک ما در مواجهه و مقابله با کفر و استکبار، کمک مان را به آنجا می کنیم»^۱.

بایستگی روایی مقاومت

مقاومت در روایات ما نیز از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است و این امر در عرصه جهاد و دفاع از مرزهای جهان اسلام و حمایت از مظلوم و مبارزه با ظلم، نمود خاصی دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ وَ شَمِلَهُ الْبَلَاءُ وَ دُيِّتَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِشْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ»^۲؛ مردمی که از جهاد و مقاومت در برابر دشمن روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آن ها می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد، حقیر و ذلیل می شوند، عقل و فهم شان تباه می گردد و به خاطر تضييع جهاد، حق آن ها پایمال می شود. «هم چنین می فرمایند: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ نُصْرَةُ الْمَظْلُومِ»^۳؛ برترین عدالت، یاری مظلومان است».

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «وَمَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا»؛ کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد [چه مظلوم مسلمان باشد و چه غیرمسلمان] در بهشت با من هم نشین خواهد بود. و در حدیث دیگری می فرمایند: «وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۴.

۱. <http://farsi.khamenei.ir> = ۳۸۳۲.

۲. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۶۹.

۳. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۱۳.

۴. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربیة، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۳۵۹.

۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴.

هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد، مسلمان نیست».

امیرالمؤمنین علیه السلام قسم یاد می‌کند که حقّ مظلومان را خواهد گرفت: «به خدا سوگند! حقّ ستم‌دیده را از ستمگر می‌ستانم و مهار در بینی ستمگر کرده، هم‌چون شتر می‌کشانم تا او را به آب‌شخور حقّ ببرم.»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا لِقَائِلٍ فِيَّ مَعْمَزُ الدَّلِيلِ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّىٰ أَخَذَ الْحَقُّ لَهُ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّىٰ أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ؛ ذَلِيلٌ وَسْتَمٌ دِيْدَةٌ مِنْ عَزِيزٍ اسْتَمْتَمْتُ، تَامَادَمِي كِه حَقَّش رَا از ظالم بگيرم و قوی و ستمگر نزد من خوار است، تا وقتی حقّ مظلوم را از او بستانم».^۲ چه ربطی به مقاومت دارد؟

بایستگی فقهی مقاومت

در گزاره‌های دینی، مقاومت به منظور صیانت از اسلام و عملیاتی کردن دین از یک سو و مبارزه با ظلم و حق‌کشی و دفاع از مظلوم از سوی دیگر، به عنوان تکلیف الهی بیان شده است. فقهای مانند امامین انقلاب حفظ اسلام و دفاع از مظلوم را واجب می‌دانند: «اسلام را همه باید حفظ بکنیم، حتی مخدراتی که پشت پرده هستند، واجب است بر آن‌ها حفظ؛ واجب است بر همه ما، بر همه شما که اگر توطئه‌ای دیدید و اگر رفت و آمد مشکوکی را دیدید، خودتان توجه کنید و اطلاع بدهید...^۲ دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین، یکی از واجبات است. ما داریم به این واجب عمل می‌کنیم. کشور ما دارد به این واجب عمل می‌کند. آن‌ها در جبهه و دیگران در پشت جبهه دارند به این واجب عمل می‌کنند».^۳

۱. نهج البلاغه، ص ۸۱.

۲. صحیفه امام، سید روح‌الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۱۸.



رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام می فرماید: «امروز یکی از واجبات قطعی، حمایت از مظلومان غزه و فلسطین است. اگر کسی از این تکلیف سرپیچی کند، قطعاً نزد پروردگار مورد سؤال قرار خواهد گرفت.» ایشان در پی شهادت سید حسن نصرالله علیه السلام فرمودند: «بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث، آن را یاری کنند»^۱.

بایستگی عقلانی مقاومت

عقل نیز مانند آیات و روایات بر بایستگی مقاومت حکم می کند، چنانچه عدل را ستایش و ظلم را نکوهش می نماید. از این رو، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم، به حکم عقل ثابت و واجب است و با حکم عقل، خردمندان عالم تلاش برای احقاق حقوق آدمی را پسندیده و تسلیم در برابر ظالم را نکوهش می کنند.^۲ بر این اساس، عقل ضرورت ایستادگی و دفاع در برابر تهاجم، به منظور حفظ منافع مهم و پاسداری از اوضاع و شئون زندگی را لازم می داند؛ البته واضح است که این تهاجم، به تهاجم نظامی منحصر نیست و ایستادگی و مقاومت نیز تنها به دفاع نظامی برنمی گردد؛ بلکه ایستادگی و پایداری در تمام عرصه های مورد تهاجم، اعم از استقامت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می شود.^۳

امام خمینی علیه السلام مبارزه با ظلم را برخاسته از حکم عقل می داند: «... الآن هر جای دنیا کسی برود، توجهش به ایران است... این برای این است که... ما دفاع مقدس می خواهیم بکنیم؛ یعنی ما می خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم؛ این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافق اند...»^۴ هم چنین امام علیه السلام حمایت از مظلومان جهان را عقلانی دانسته، چنان

۱. <https://www.isna.ir/news/1403070705116>

۲. مؤلفه های مفهوم مقاومت در اندیشه امام خامنه ای علیه السلام، محمد حکینی و اصغر افتخاری، فصل نامه علمی-پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، ش ۲، شماره پیاپی ۴۱، تابستان ۱۴۰۱ش، صص ۱۳۷-۱۰۳.

۳. فصل نامه حکومت اسلامی، سال بیست و هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲ش، پیاپی ۱۰۸.

۴. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۵۸.

که رهبر معظم انقلاب علیه السلام می فرماید: «امام... اعلام کرد که ما نه ظلم می کنیم، نه زیر بار ظلم می رویم؛ ظلم نمی کنیم؛ اما زیر بار ظلم هم نمی رویم... و از مظلوم حمایت می کنیم... با ظلم مقابله کردن، از مظلوم دفاع کردن... چیزی است که همه خردمندان عالم آن را می پسندند»^۱.

بایستگی حق طبیعی مقاومت

حق طلبی و حق خواهی، خواست همه انسان ها است؛ زیرا آدمی به گونه ای طبیعی نسبت به ظلم، عدالت، از بین رفتن حقوق، حفظ جان و مال و... واکنش نشان می دهد. هرچه تهدید و ظلم بارزتر باشد، مقاومت نیز بیش تر خواهد بود. شهید مطهری علیه السلام می فرماید: «اگر یک قومی، یا یک ملّتی، حیاتش از ناحیه دیگری در معرض خطر قرار گرفت، این جا دفاع از حیات امری است مشروع. هم چنین اگر ثروتش و مالکیتش مورد تهاجم قرار گرفت، باز او از نظر حقوق انسانی حق دارد که از حق خود دفاع کند... و -این امر- جزء ضرورت های حیات بشر است»^۲.

قانون طبیعت نیز ایجاب می کند که برای گرفتن حق نباید از هیچ چیزی هراس داشت و باید حق خود را هرچند در چنگال سلطان باشد نیز گرفت و نباید با امروز و فردا کردن های خود و نیز با بزدلی خود حق خویش را پایمال ساخت؛ زیرا «اولین وظیفه، گرفتن حق خود از زندگی است»^۳.

در گزاره های دینی تأکید شده است که حق گرفتنی است و باید با تلاش و مقاومت حق را گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ وَلَا يَذْرُؤُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ»؛ افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی توانند ستم را از خود دور کنند و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید».

۱. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=259311398>. ۱۴/۰۳

۲. مجموعه آثار شهید مطهری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۳. آرتور شوپنهاور.

امامین انقلاب به حق خواهی و گرفتن حق تأکید می فرمایند: «... به آن کسی که ستم شده است، می تواند حق خود را مطالبه کند. مردم فلسطین می توانند حق خود را از غاصبان مطالبه کنند...»^۱ و: «طبیعی ساختمان بشری است که هرچه ستمکاری و ظلم و بی عدالتی در جامعه و ملتی اوج گیرد، به همان نسبت قوه مقاومت در ملت رشد می کند».^۲

بایستگی تاریخی مقاومت

تاریخ نیز دلیل خوبی بر بایستگی مقاومت است. تاریخ انبیا و معصومان علیهم السلام مملو از مقاومت می باشد. چنانچه قرآن می فرماید: ﴿وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾؛^۳ «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند! آن ها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند استقامت کنندگان را دوست می دارد».

امام خمینی علیه السلام می فرمایند: «مردهای تاریخ بسیاری شان تنها ایستادند در مقابل قدرت ها. حضرت ابراهیم علیه السلام تنهایی ایستاد و بت ها را شکست...»^۴.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در تقابل با ظالمان و همراهی و استقامت در کنار مؤمنان را چنین بیان می فرمایند: «يَا عَمَّ وَ اللَّهِ لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَ الْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أَنْفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ، فَقَالَ لَهُ ابُو طَالِبٍ علیه السلام: اِمْضِ لِأَمْرِكَ فَوَ اللَّهِ لَا أَخْذُلُكَ أَبَدًا؛^۵ ای عمو! اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند، هرگز دست از مأموریت خود بر نمی دارم، تا آن را به انجام برسانم یا کشته شوم. حضرت ابوطالب علیه السلام عرض کرد: در کار خود [پیگیر] باش که من هرگز دست از پشتیبانی تو بر نمی دارم».

۱. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=8980>.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۱۱.

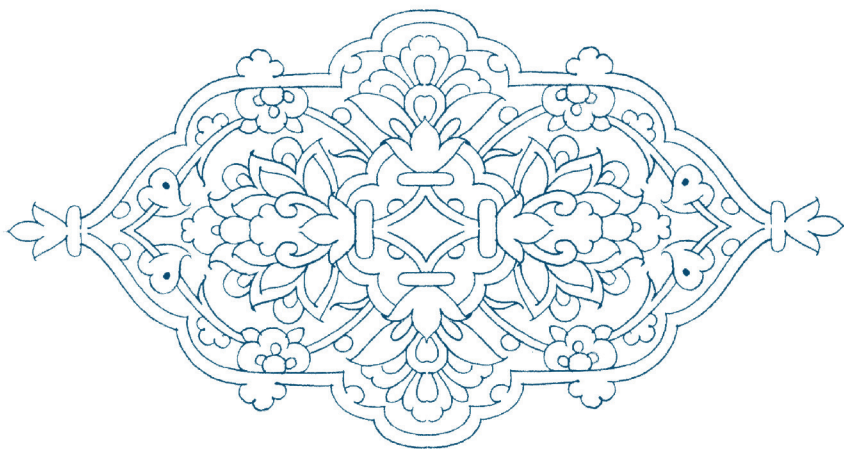
۳. آل عمران/۱۴۶.

۴. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵.

۵. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۴۳.

ایستادگی ائمه علیهم السلام در برابر زور و ستم حاکمان زمان خویش در تمام طول حیات آن بزرگواران جریان داشته است و ما اوج ایثار و مقاومت را در طول تاریخ بشری در واقعه عاشورا می‌توانیم به وضوح مشاهده کنیم که نه تنها درس و مقاومت برای پیروان اهل بیت علیهم السلام؛ بلکه درس انسانی برای تمامی بشریتی است که زندگی با ذلت، با کرامت انسان‌های آزاده سازگار نیست و این آزادگی و حریت است که انسان را به درجات بالای انسانیت می‌رساند.

تاریخ ایران نیز شاهد مقاومت مردم ایران بوده است که در هشت سال دفاع مقدس چگونه مقاومت کردند، چنان‌که امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «ملت شریف و مسلمان ایران با اتکال به خدای تعالی و با صبر و مقاومت و مبارزات پیگیر خود، توانست خود را از چنگال آمریکای جهان‌خوار و مزدورانش نجات بخشد...»^۱



مؤلفه‌های رهبران مقاومت از

منظر قرآن کریم

با محوریت مکتب سید حسن نصرالله علیه السلام

عیسی عیسی زاده

مقدمه

فرهنگ مقاومت که امروز به پدیده‌ای تعیین‌کننده، تأثیرگذار و قدرتمند در معادلات منطقه و جهان اسلام تبدیل شده است، زمانی می‌تواند به صورت یک الگوی پایدار درآید و در برچیده شدن ظلم و تجاوز در عالم نقش آفرین باشد که از رهبران و فرماندهانی اسوه و مکتب‌ساز هم چون سید حسن نصرالله علیه السلام برخوردار باشد. بررسی و تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های برجسته این مردان اسوه و فرماندهان کم‌نظیر، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و ظلم‌ستیزی میان مردم ستم‌دیده جهان دارد.

این نوشتار تلاش دارد با بهره‌گیری از آموزه‌های نورانی قرآن کریم، بعضی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوساز عالم نستوه، مجاهد کبیر و پرچم‌دار مقاومت، شهید سید حسن نصرالله علیه السلام را مورد بررسی قرار دهد.

قبل از این بحث، ضرورت دارد توضیحی درباره مفهوم مقاومت ارائه گردد. «مقاومت» بر وزن مفاعله، در لغت فارسی به معنای پافشاری، ایستادگی، استقامت و پایداری است.^۱ این واژه به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن نیز هست. معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده است، خواه این عامل، درونی باشد، مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری، تجاوز و اشغالگری. بنابراین، مقاومت صرفاً یک وجه قتالی نیست؛ بلکه یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی، اخلاقی، سلوکی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است.^۲

به تعبیر دیگر «مقاومت» بر کلیه عکس‌العمل‌هایی اطلاق می‌گردد که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشند و گروه، سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها، خطرات و تجاوزهای خارجی و داخلی با آن روبه‌رو می‌شود.^۳

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می‌فرمایند: «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است.»^۴ ایشان در کلامی دیگر به این مسئله مهم در تبیین معنای دولت مقاومت تأکید نموده، می‌فرمایند: «دولت مقاومت یعنی چه؟ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد. ببینید! دولت مقاومت، نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی

۱. لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴، ص ۲۱۳۰۲.

۲. سید فضل‌الله میرقادری و حسین کیانی، بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، فصل‌نامه ادبیات دینی، دوره یک، شماره یک، تابستان ۱۳۸۸ش، ص ۷۰.

۳. اثر حزب‌الله فی تطویر فکر المقاومة و اسالیبها فی المنطقة العربیة، رفقه نبیل مطلق شقور، جامعة النجاح الوطنی، نابلس فلسطین، ۲۰۰۹ م، صص ۲۰-۲۱.

۴. بیانات رهبری رحمته الله علیه، مورخ: ۱۳۹۸/۳/۲.

به ملت‌ها و کشورها است، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچ‌کدام از این‌ها نیست. بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جور نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم؛ بلکه ما در موضع «**اعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ**» قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه شریفه از آن تعبیر شده است به «**تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ**». «**تُرْهَبُونَ بِهِ**» یعنی چه؟ «**تُرْهَبُونَ بِهِ**» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است، دارای اقتدار بازدارنده است. می‌خواهند این اقتدار نباشد.^۱

واژه «مقاومت» گرچه در قرآن نیامده است؛ اما الفاظ دیگر مثل: «**اسْتَقِم**» و مشتقات آن و «**اصبر**» به معنی مقاومت آمده است.^۲

بهترین گفتار در معرفی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهید سید حسن نصرالله علیه السلام پرچم‌دار مقاومت اسلامی، سخنان ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام است که درباره آن شهید عزیز فرمودند: «سید حسن نصرالله، مجاهد کبیر، پرچم‌دار برجسته مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی و رهبر مدبر سیاسی، شخصیتی باعظمت و رهبری کم‌نظیر بود. او یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه هم چنان ادامه خواهد یافت.»^۳ در این بخش با بهره‌گیری از آیات نورانی قرآن، به بعضی از مؤلفه‌های رهبران مقامات می‌پردازیم:

۱. بیانات رهبری علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۲. هود/۱۱۲؛ ص/۱۷؛ مزمل/۱۰.

۳. پیام تسلیت رهبری علیه السلام به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله علیه السلام، مورخ: ۱۴۰۳/۷/۷.

مهم‌ترین مؤلفه رهبران مقاومت که در سید شهیدان مقاومت علیه السلام تجلی نمود، ایمان راسخ به خداوند سبحان است که براساس وعده الهی و واقعیات تاریخی، اگر مقاومت و پایداری با نگرش توحیدی و ایمان قلبی همراه باشد، مورد تأیید و نصرت الهی قرار می‌گیرد. این مطلب در چند جای قرآن ذکر شده است. از جمله در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت آمده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ، نَحْنُ أَوْلِيَاكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾؛ «همان کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند و به آن‌ها می‌گویند: نترسید و غمگین نباشید و بشارت باد شما را به آن بهشتی که به شما وعده داده شد. ما فرشتگان یاران و مددکار شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم و برای شما هرچه بخواهید، در بهشت فراهم است و هرچه طلب کنید، به شما داده می‌شود».

مورد دیگر آیه ۱۴۰ و ۱۳۹ از سوره آل عمران است که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ، إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ﴾؛ «و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید. اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید.» خداوند در این آیات، پایداری، مقاومت و برتری مسلمانان را مشروط به ایمان کرده، مقاومت مجاهدان در مواجهه با دشمنان در صحنه‌های نبرد را از نشانه‌های مومنان برشمرده و از آنان ستایش کرده است و این دلیل بر آن است که ایمان یکی ارکان و شاخص‌های اساسی مقاومت مورد قبول درگاه خداوند است.

تجلی ایمان و باور به خداوند در سید حسن نصرالله علیه السلام را می‌توان در گزارش ایشان از پیروزی جنگ ۳۳ روزه برای علامه مصباح یزدی علیه السلام مشاهده کرد که گفته بود: «آن شب بنده به حضرت شیخ (علامه مصباح علیه السلام) گفتم که ما واقعاً احساس

می‌کنیم در این جنگ کاری انجام ندادیم؛ بلکه ما صرفاً وسیله بودیم. همه ما فقط وسیله بودیم. خداوند (سبحانه و تعالی) بود که مبارزه می‌کرد، او بود که شلیک می‌کرد و از مؤمنان دفاع می‌کند (يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا) او بود که مدد می‌رساند و راهبری و تأیید می‌کرد. این یک حقیقت است. اگر از من بخواهید که جنگ جولای را در یک جمله خلاصه کنم، می‌گویم: خدا را در آن و پیش و پس از آن دیدیم و به صورت حیرت‌انگیزی دیدیم.

یکی از برادران عزیز و گرامی‌ام در جمهوری اسلامی ایران که با هم رابطه ویژه و عاطفی داریم و گاهی درباره این‌گونه مسائل با هم صحبت می‌کنیم، بعد از جنگ، از طریق برادر شهیدمان، فرمانده بزرگ و عزیز، حاج قاسم سلیمانی علیه السلام برایم پیغام فرستاد که آیا ممکن است این جنگ را برایم در یک جمله خلاصه کنید؟ من به او همین جمله را گفتم که ما در این جنگ خدا را دیدیم. طبیعتاً این چیزی است که من به آن باور دارم و با حضرت شیخ درباره این ارزیابی تعارف نداشتم. به ایشان گفتم: این چیزی است که شاهدش بوده و دیده‌ام. من در دل این جنگ بودم، در دل عرصه‌های میدانی، نظامی، رسانه‌ای، سیاسی، اجتماعی و مذاکرات آن و عمدتاً همه جزئیات را دنبال کرده‌ام. این ارزیابی بنده است.

پس از جنگ، وقتی بنده و برادران گرد هم آمدیم و جنگ را ارزیابی کردیم، همگی بر این اتفاق نظر داشتیم که آن چه در جنگ شاهد بودیم، یاری محض و مطلق الهی بود. اگر نه آن چه در اختیار داشتیم، ما را به این نتیجه نمی‌رساند. به قول شما علما، نتیجه تابع اخص مقدمات است. ما شاهد نتایج بسیار بزرگ از دل مقدمات بسیار کم و ساده بوده‌ایم. چنین دستاوردهای بزرگی نشانه نصرت و یاری الهی است، نه نتیجه‌ی آن اسباب و مقدماتی که ما فراهم کردیم. آیه الله مصباح علیه السلام از این تحلیل بسیار خوش‌شان آمد و فرمودند: صحیح است. این همان چیزی است که برای شما اتفاق افتاد و من بسیار خوشحال هستم که شما این‌گونه فکر می‌کنید و این‌گونه تحلیل می‌کنید. ایشان گفت: من ترس داشتم که نکنند این پیروزی در نفس شما و برادران‌تان کوچک‌ترین تأثیری داشته باشد. منظورشان این بود که فکر کنیم ما یک چیزی هستیم (به فارسی و با خنده)».

یکی از مؤلفه‌های مهم رهبران مقاومت «اخلاص» آن‌هاست که در پرچم‌دار و سید شهیدان مقاومت بروز و ظهور داشت. خدا در قرآن به رسول خود ﷺ توصیه کرده است که: ﴿قُلْ أَنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ﴾؛ یعنی ای پیامبر! به امت خود بگو که فقط برای خدا قیام کنند و در جای دیگر نیز مسلمانان را از هرگونه ریا در مبارزه با دشمنان هشدار داده، می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ﴾؛^۲ «هنگامی که برای جهاد با دشمنان دین بیرون می‌روید، مانند کسانی نباشید که با سرمستی و برای خودنمایی از شهر و دیارشان برای جنگ بیرون رفتند».

بنابراین، اگر مقاومتی بخواهد به ثمر برسد، باید از اخلاص و رضایت الهی برخوردار باشد؛ چون در چنین صورتی به تعبیر قرآن به عروة الوثقی چنگ زده می‌شود^۳ که نتیجهٔ درخشانی را به دنبال خواهد داشت. سید شهیدان مقاومت با اخلاصش توانست تبدیل به الگویی برای تمام جبههٔ مقاومت شود. بر اساس سخنان اطرافیان، آن شهید مقاومت تلاش می‌کرد در تمام کارها فقط و فقط برای رضای خدا دست به اقدامی بزند و از همین رو به دلیل دارا بودن این ویژگی در توکل به خدا کم نظیر بود.

۳. یاد خداوند و دعا

یاد خداوند یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های الگوی مقاومت در مقابل دشمنان است که خداوند مؤمنان را به آن سفارش فرموده است و رستگاری آنان را نیز مرهون عمل به این توصیه دانسته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛^۴ «ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از

۱. سبأ/ ۴۶.

۲. انفال/ ۴۷.

۳. لقمان/ ۲۲.

۴. انفال/ ۴۵.



مشرکان و کافران] برخوردار گردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.» این ویژگی همان گونه که در قرآن آمده، یکی از عوامل مهم، قوت و اطمینان قلب است: **«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»** اگر مؤمنان و مجاهدان به این سلاح اطمینان بخش مجهز شوند، هیچ دشمنی توانایی مقابله با آنان را نخواهد داشت؛ زیرا یکی از جلوه های زیبا و شاخص های مهم الگوی مقاومت، دعا و اظهار نیاز به پیشگاه آفریننده هستی است.

در آیه ۲۵۰ سوره بقره، وقتی درباره مقاومت طالوت و یاران باایمانش در مقابل جالوت و لشکریانش سخن به میان آورده، از این شاخص یاد کرده است که آنان از خداوند درخواست کردند: **«وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»**؛ «و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام های ما را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان!» خداوند نیز دعای آنان را مستجاب کرد و آن ها را بر دشمنان شان پیروز گرداند و جالوت را به دستان طالوت نابود کرد و فرمانروایی و حکمت را به طالوت عطا فرمود. همان گونه که رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، با یاد خدا و دعا توانستند فتوحات فراوانی بیافرینند. سردار دل ها، شهید سلیمانی رحمته الله علیه نقل می کرد که مجاهدان مقاومت در جنگ ۳۳ روزه به توصیه رهبر انقلاب رحمته الله علیه دعای جوشن صغیر را قرائت می کردند.

۴. توکل به خدا

توکل و اعتماد به خداوند، از دیگر مؤلفه های رهبران و مجاهدان مقاومت است که خداوند در آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره آل عمران می فرماید: **«وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ**

فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿﴾: «همانا خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نخواهد کرد؛ آن‌هایی که دعوت خدا و پیامبر ﷺ را پس از آن همه جراحاتی که به آن‌ها رسید، اجابت کردند (و هنوز زخم‌های میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان حمراء الاسد حرکت کردند). از میان آن‌ها برای کسانی که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی خواهد بود. این‌ها کسانی بودند که (بعضی از) مردم به آنان گفتند: مردم! (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند، از آن‌ها بترسید؛ اما آن‌ها ایمان‌شان زیادت‌ر شد و گفتند: خدا ما را کافی و بهترین حامی ماست.»

در این آیات خداوند مجاهدانی که در نبرد با دشمنان مقاومت کردند و در مقابل تهدیدات دشمنان، قدرت توکل خویش به خدا را به رخ آن‌ها کشیدند، مورد ستایش قرار داده است. این ستایش خداوند از آنان نشانگر ارزش والای توکل است که از ویژگی‌های ضروری یک مسلمان مجاهد می‌باشد. در حالات شهید نصرالله علیه السلام نقل شده است که توکل به خدا را محور اصلی در تمام تصمیمات خویش قرار می‌داد.

۵. ولایت‌پذیری

یکی دیگر از مؤلفه‌های رهبران و مجاهدان مقاومت، ولایت‌پذیری است. خداوند مؤمنان را هنگام مواجهه با دشمنان به این امر توصیه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۱ با توجه به نقش تعیین‌کننده اطاعت از رهبری، به خصوص هنگام مقابله و مبارزه با دشمنان در پیروزی مؤمنان، خداوند بارها در چندین جای قرآن مؤمنان را به اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پرهیز از نافرمانی آن حضرت سفارش کرده است^۲ و پیامد بی‌توجهی به این امر؛ یعنی نافرمانی از فرماندهی جبهه اسلامی، نتیجه‌ای جز شکست به همراه ندارد. همان‌طور که خداوند همین مسئله را علّت

۱. انفال/ ۴۵-۴۶.

۲. آل عمران/ ۳۲-۱۳۲؛ نساء/ ۵۹؛ مائده/ ۹۲؛ انفال/ ۱ و ۲؛ طه/ ۹۰؛ نور/ ۵۴-۵۶؛ محمد صلی الله علیه و آله و سلم/ ۳۲؛ مجادله/ ۱۳؛ تغابن/ ۱۲.

شکست مسلمان در اُحد اعلام کرده است: ﴿وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرْكَبُ مَا تَجِبُونَ... ثُمَّ صَرَفْنَا عَنْهُمْ كَيْدَهُمْ﴾^۱ در ماجرای جنگ احد، مسلمانان در آغاز با اتحاد و شجاعت خاصی جنگیدند و پیروز شدند و لشکر دشمن از هم پراکنده شد و موجی از شادی سراسر لشکر اسلام را فراگرفت؛ ولی نافرمانی جمعی از تیراندازان که در شکاف کوه (عینین) به فرماندهی عبدالله بن جبیر مستقر شده بودند، ورق را برگرداند و شکست سختی به لشکر اسلام وارد آمد.

در آیه ۱۵۳ همین سوره مجدداً خداوند به پیامد بی‌توجهی مسلمانان به فرمان پیامبر اسلام ﷺ در جنگ احد اشاره کرده، می‌فرماید: «(به خاطر بیاورید) هنگامی که از کوه بالا می‌رفتید و (جمعی در وسط بیابان پراکنده می‌شدید و) به عقب ماندگان نگاه نمی‌کردید و پیامبر ﷺ از پشت سر شما را صدا می‌زد، سپس اندوه‌ها یکی پس از دیگری به سوی شما روی آورد...».

آری، امروز نیز، اگر مسلمانان بخواهند از ثمرات تلاش‌های خویش در عرصه‌های گوناگون مقاومت بهره‌مند گردند، باید اطاعت و پیروی از مقام معظم رهبری حفظه الله را مانند سید حسن نصرالله و سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی حفظه الله سرلوحهٔ خویش قرار دهند که توانستند با پیروی از فرماندهی کل قوا، پیروزی‌های درخشانی را برای امت اسلام به ارمغان آورند.

آن شهید در توصیه‌ای فرمودند: به شما وصیت می‌کنم که ایمان‌تان به رهبری حضرت امام خامنه‌ای حفظه الله محکم و قوی باشد که خیر دنیا و آخرت‌تان در این است.

سید شهیدان مقاومت دربارهٔ نقش ولایت‌پذیری در پیروزی آنان در جنگ ۳۳ روزه نیز می‌فرمود: «در طول ۲۰ سال گذشته پس از پیروزی مقاومت در لبنان... در هر صورت پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۰ میلادی، پیروزی بزرگی در جهان عرب به شمار می‌آمد. بسیاری از افراد، به‌ویژه برادران عراقی و دیگر کشورها به ما مراجعه می‌کردند و از من سؤال می‌کردند که رمز این پیروزی و موفقیت‌ها چیست؟ درست است که ما شهید دادیم و غم‌هایی بر ما وارد شد؛ اما الحمدلله مسیر کلی،

مسیر پیروزی بوده است. بحمدالله شکست نخورده ایم. مسیر، مسیر پیروزی بوده است. می پرسیدند: دلیل چیست؟ آن‌ها با ما درباره ساختار تشکیلاتی گفت‌وگو می‌کردند که مثلاً رهبری گروهی و دبیرکل وجود دارد، این‌که چگونه تقسیم کار می‌کنیم، سازمان‌ها و تشکیلات مان را چگونه می‌سازیم و درباره نظام‌های داخلی گفت‌وگو می‌کردند. من می‌گفتم: پیروزی ما به این موارد ارتباطی ندارد! این‌ها مربوط به فرم است و تنها به محتوا شکل می‌دهد. مهم، محتواست.

آن‌ها از برنامه‌ها پرسیدند؛ براساس چه برنامه‌هایی عمل می‌کنید؟ سیاست‌های شما چیست و پرسش‌هایی از این قبیل. به آن‌ها می‌گفتم: آیا می‌خواهید بدون تعارف حقیقتش را به شما بگویم؟ می‌گفتند: بله. می‌گفتم: ایمان، وابستگی هویتی و اطاعت ما از ولایت. این همان جوهره و راز حقیقی است و این همان چیزی است که رضایت، نصرت و یاری خداوند متعال را برای ما به دنبال دارد.

آری، تاریخ پیروزی و شکست‌های مسلمانان از صدر اسلام تاکنون، بهترین گواه بر این فرمایشات گهربار علمدار مقاومت است که تنها رمز پیروزی مسلمانان، پیروی بدون چون و چرا از ولایت است، همان‌گونه که در این انقلاب نیز ثابت شده است که هر جا فرمان رهبری بر زمین مانده، آن جا جز عقب ماندگی و شکست، چیز دیگری نصیب ملت نشده است و هر جا که به فرامین و توصیه‌های ایشان عمل شده، رشد و بالندگی نصیب ملت گشته است که از بارزترین مصادیق آن،

بی‌توجهی به توصیه‌های آن رهبر فرزانه درباره مبارزه همگانی با تهاجم فرهنگی بوده که امروز به دلیل بی‌توجهی به ارشادات دل‌سوزانه آن رهبر عزیز، شاهد برهنگی و بی‌عفتی در جامعه و بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در کشور هستیم و در صحنه جهانی نیز نسل‌کشی مسلمانان مظلوم فلسطین، به دلیل ضعف ولایت‌پذیری مسلمانان و حاکمان اسلامی است. بنابراین، اگر به دنبال نجات مظلومان عالم و نابودی توطئه‌های دشمنان در جوامع اسلامی هستیم، باید توصیه‌های ولی امر مسلمین، مقام معظم رهبری علیه السلام را عملیاتی کنیم.

پاسخ به شبهات

مقاومت و زندگی

چه در غزه، چه در لبنان، چه در ایران

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

مقدمه

تأثیرات مقاومت در برابر دشمن در حل مشکلات جهان اسلام را می‌توان در این موارد برشمرد.

۱. عزت بخشی به جهان اسلام

بخش عمده‌ای از مشکلات امروز جهان اسلام، ناشی از کوتاه آمدن در برابر دشمنان و زیاده‌خواهی‌های آنان است که زمینه‌ساز تسلط آن‌ها بر این کشورها بوده، در نهایت جایگاهی بهتر از گاو شیرده برای آنان نداشته است.

مقاومت به این روند ذلت بار پایان بخشیده، سلطه دشمنان را برخواهد چید و سرنوشت کشورهای اسلامی و منطقه را به دست خود این کشورها رقم خواهد زد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می‌فرمایند: «ما پیروان اسلام که امروز از جمعیت عظیم، سرزمین گسترده، ثروت‌های طبیعی بی‌شمار و ملت‌های زنده و بیدار برخورداریم، باید با داشته‌ها و ممکن‌های خود، آینده را رقم بزنیم. ملت‌های مسلمان در ۱۵۰ سال اخیر، نقشی در سرنوشت کشورها و دولت‌های خود نداشته و به جز استثناهای معدود، یک‌سره با سیاست دولت‌های متجاوز غربی مدیریت شده و دست خوش طمع‌ورزی و دخالت و شرارت آن‌ها بوده‌اند.



عقب ماندگی علمی و وابستگی سیاسی امروز بسیاری از کشورها محصول آن انفعال و بی کفایتی است. ملت های ما، جوانان ما، دانشمندان ما، علمای دینی و روشن فکران مدنی ما، سیاست ورزان و احزاب و جمعیت های ما، امروز باید آن گذشته بی افتخار و شرم آور را جبران کنند؛ باید بایستند و در برابر زورگویی و دخالت و شرارت قدرت های غربی مقاومت کنند. همه سخن جمهوری اسلامی ایران که دنیای استکبار را نگران و خشمگین کرده است، دعوت به این مقاومت است؛ مقاومت در برابر دخالت و شرارت آمریکا و دیگر قدرت های متجاوز و به دست گرفتن سررشته آینده دنیای اسلام با تکیه بر معارف اسلامی.

طبیعتاً آمریکا و همراهانش در برابر عنوان «مقاومت» دچار حساسیت اند و به انواع دشمنی با «جبهه مقاومت اسلامی» کمر بسته اند. همراهی برخی از دولت های منطقه با آنان نیز واقعیت تلخی در جهت تداوم آن شرارت ها است.^۱

۲. پایان سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی دشمنان

مقاومت تنها در عرصه نظامی خلاصه نشده؛ بلکه در برابر سلطه همه جانبه دشمنان باید باشد. به معنای تقویت بنیان های اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشورهای اسلامی تا با تکیه بر ظرفیت های عظیم خود بتوانیم با مقاومت، جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را تقویت نموده، تبدیل به قدرتی در برابر دشمنان اسلام شویم.

۳. چاره حل مسئله فلسطین

در قضیه فلسطین به عنوان اولین مشکل جهان اسلام، جریان سازش نتوانست با انفعال در برابر رژیم جعلی صهیونیستی راه به جایی ببرد و این رژیم را نسبت به قبل جسورتر نمود؛ اما جریان مقاومت توانست با ایستادگی در برابر این رژیم، قدرت پوشالی آن را فروریخته و رژیمی را که روزگاری رؤیای از نیل تا فرات را در سر

۱. پیام رهبری علیه السلام به مناسبت فرارسیدن ایام حج، مورخ: ۱۴۰۰/۴/۲۸.



می‌پروراند، در مرزهای خودخوانده خویش محصور کند و شکست‌های پی‌درپی و مفتضحانه‌ای را به آنان تحمیل نماید و این با قدرت مقاومت به دست آمد.

حل مسئله فلسطین نیز با ادامه مقاومت و البته اتحاد و همکاری کشورهای اسلامی میسر خواهد بود. مقام معظم رهبری حفظه الله می‌فرماید: «رژیم صهیونیستی که ارتش‌های عربی نتوانستند آن را شکست دهند، به وسیله مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت به زانو درآمد و به اذن الهی پیروزی‌های بزرگ‌تری نیز خواهید داشت. رژیم صهیونیستی که در دو جنگ قبلی با گروه‌های مقاومت، در برهه‌ای بعد از ۲۲ روز و در برهه‌ای دیگر بعد از ۸ روز، درخواست آتش‌بس کرد، در آخرین درگیری، بعد از ۴۸ ساعت خواستار آتش‌بس شد و این یعنی به زانو درآمدن رژیم غاصب صهیونیستی... علت پیروزی‌های مستمر ملت فلسطین در سال‌های اخیر، ایستادگی و مقاومت بوده است و در آینده و تا زمانی که مقاومت وجود داشته باشد، روند افول و زوال رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داشت»^۱.

۴. عامل اتحاد

مقاومت و ایستادگی جهان اسلام، زمینه‌ساز اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات شده، هم‌بستگی و یکپارچگی کشورهای اسلامی در برابر دشمن مشترک، عامل قدرت آن‌ها خواهد بود.

س: چرا به غزه و لبنان کمک می‌کنیم؟ مگر خودمان فقیر نداریم؟

ج: در جواب باید چندین نکته را متذکر شویم:

الف. از منظر مبانی دینی و قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از احکام نورانی اسلام، آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام است، چنین آمده: «قانون اساسی با

۱. بیانات رهبری حفظه الله در دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه، مورخ: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰.

توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهان را فراهم کند ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾؛ [«و این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید!»] و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

در بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی نیز در بیان وظایف دولت اسلامی تصریح می‌کند: «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان».

آنچه از قانون اساسی ذکر شد، به اندازه کافی گویاست که این سیاست، پشتوانه دینی و عقلی و حتی توجیه سیاسی دارد. بر این اساس، از نظر اسلام و فرهنگ قرآنی، امت اسلامی جامعه واحدی به حساب می‌آید که مرزهای جغرافیایی، آن‌ها را از یکدیگر جدا نمی‌کند و وظایف و حقوق متقابل آن‌ها را ساقط نمی‌سازد.

قرآن کریم حتی جامعه بشری را امت واحدی به شمار می‌آورد که دچار تفرقه شده و این تفرقه را مورد سرزنش قرار می‌دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه معروف خود به مالک اشتر رضی الله عنه می‌فرماید: «قلب خود را با رحمت و محبت و لطف نسبت به مردم پیوشان...؛ چراکه آن‌ها دو گروه‌اند: یا برادر دینی تو هستند، یا در آفرینش هم نوع تواند».

طبق آیات قرآن مسلمین را برادر یکدیگرند. بنابراین، قرآن بر انسجام و به هم پیوستگی امت اسلامی و جامعه بشری تأکید می‌کند. همه این حرف‌ها برای آن است که روشن شود ناسیونالیسم و ملی‌گرایی ریشه دینی و شرعی ندارد و افراد جامعه جهانی نسبت به یکدیگر، به ویژه مسلمین، وظایف و حقوق متقابلی دارند.

امام صادق علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که فرمود: «هر کس صبح کند و نسبت به امور مسلمین بی‌اهتمام باشد، مسلمان نیست». روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد که جهت اختصار از آوردن آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

راجع به کمک به غیرمسلمانان نیز آیات و روایاتی وجود دارد که فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم. در سوره تحریم می‌فرماید: «خداوند شما را نهي نمی‌کند نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند، نیکی کنید و به عدالت با آن‌ها رفتار کنید.» و همین‌طور یکی از موارد مصارف زکات را برای آن دسته از غیرمسلمانانی تعیین می‌کند که با دادن زکات، به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

در این زمینه (بی‌اعتباری نژاد و ملیت از نظر اسلام) خوب است به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کنیم: «ام‌هانی - خواهر امام علی علیه السلام - برای گرفتن عطایش نزد امام آمد و آن حضرت بیست درهم به او داد. کنیز عجم (غیرعرب) ام‌هانی نیز نزد امام آمد و آن حضرت به او نیز بیست درهم داد. زمانی که ام‌هانی از این امر خبردار شد، خشمگین گشت و برای اعتراض نزد امام رفت. امام فرمودند: در قرآن برتری عرب بر عجم را ندیده‌ام».

برخی خلفای قبل از امیرالمؤمنین علیه السلام بین نژاد عرب و غیرعرب در تقسیم بیت‌المال تفاوت گذاشته بودند و این امر در اعراب يك اصل مسلمی شده بود؛ اما امیرالمؤمنین علیه السلام علی‌رغم اعتراضات و حتی به قیمت مخالفت و پشت کردن عده‌ای از اصحاب به آن حضرت، به این روش عمل نکردند و فرمودند: آیا به من می‌گویید پیروزی را با ستم به دست آورم؟ و می‌فرمودند: سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همین است و کتاب خدا نیز به همین امر دستور می‌دهد.

ب. کمک به دیگر کشورها با وجود فقر در کشور خودمان

از آنچه تاکنون گفته شد، معلوم می‌شود که کمک‌های انسانی مشروط به هم‌وطن بودن یا حتی هم‌کیش بودن نیست؛ اما آیا کمک به دیگران (از سوی فرد یا جامعه) مشروط بر این است که کمک‌کننده خود هیچ مشکلی نداشته باشد؟ باز هم از نظر دین مبین اسلام چنین شرطی وجود ندارد و مکرراً در قرآن کریم از کسانی که با وجود

احتیاج داشتن، به دیگران و نیازمندان کمک و ایثار می‌کنند، تمجید و تکریم به عمل آمده است و آن را نشانه تقوا و خداترسی بر می‌شمارد. جریان ایثار امیرالمؤمنین و خانواده اش علیهم‌السلام به یتیم، مسکین و اسیر در سوره انسان بیان شده است.

البته این به معنی آن نیست که انسان مملکت یا خانواده خود را به مشقت و فلاکت بیندازد؛ بلکه در شرایط مساوی و با داشتن مشکلات درباره صرف بعضی وجوهات، نزدیکان و همسایگان در اولویت هستند. نظیر آنچه فقهای بزرگوار در مسئله مصرف زکات فطره بیان فرموده‌اند. به علاوه فقر و نیازمندی و غنا و بی‌نیازی نسبی هستند. مثلاً ممکن است کسی غذای مورد نیاز را داشته باشد و گرسنه نماند؛ ولی منزل شخصی نداشته باشد. چنین کسی نسبت به منزل شخصی احساس نیاز می‌کند و درست هم هست؛ ولی آن طرف‌تر یک مسلمانی (ولو غیر هم‌وطن) به هر دلیلی غذایی را که بتواند از مرگ خود جلوگیری کند، ندارد. در چنین موردی، هم وجدان بشری و هم دین الهی از باب رعایت اولویت‌ها، حفظ جان عده‌ای را مهم‌تر از صاحب‌خانه شدن عده‌ای دیگر می‌داند.

با تمام این احوال، در مورد کمک‌هایی که جمهوری اسلامی ایران به برخی از کشورها انجام می‌دهد، باید بگوییم این کمک‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند و جملگی از دلایل قابل قبولی برخوردارند و اگر برخی افراد که در ظاهر مخالف هستند، از واقعیت ماجرا مطلع شوند، اگر عناد نداشته باشند، به احتمال زیاد دست از مخالفت خود برخواهند داشت:

۱. برخی از این کمک‌ها که گاه به عنوان کمک‌های خارجی ایران به بیگانگان مطرح می‌شود، کمک‌هایی مثل کمک بخش بین‌الملل کمیته امداد امام خمینی علیه‌السلام به مردم فقیر، محروم و مستضعف خارجی است که این کمک‌ها ارتباطی به دولت و بودجه بیت‌المال ندارد؛ زیرا کمک‌هایی است که کمیته امداد از مردم جمع‌آوری کرده است که با آگاهی مردم از شرح وظایف و اهداف کمیته امداد و از سررضایت و رغبت توسط خودشان به این نهاد صورت گرفته است و اگر کسی در این میان از اختصاص کمک‌های کمیته امداد به خارجی‌ها ناراحت باشد، می‌تواند از پرداخت پول به این نهاد پرهیز کند.

۲. عمده کمک‌هایی که هر از چندگاه در رسانه‌ها به‌عنوان کمک‌های ایران به کشورهای بیگانه مطرح می‌شود، کمک‌هایی است که در قالب سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد که پس از مدتی هم سرمایه و هم ارزش افزوده آن به داخل کشور و اقتصاد ملی باز می‌گردد و چنین امری نه تنها مشکلی ندارد؛ بلکه ضرورت فعالیت‌های اقتصادی در عرصه بین‌المللی، وجود چنین سرمایه‌گذاری‌هایی است. ضمن این‌که اکثر چنین سرمایه‌گذاری‌هایی توسط بخش خصوصی و نیمه‌خصوصی صورت می‌گیرند و دولت‌ها مبالغ مختصری به‌عنوان اعتبار شرکت سرمایه‌گذار اصلی اختصاص می‌دهند که بعدها این شرکت به دولت باز می‌گرداند یا این‌که صرفاً پشتیبانی‌های حقوقی و سیاسی و نیز بسترسازی‌های سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد و با توجه به نقش دولت و به‌ویژه سفارتخانه‌های ایران در کشورهای دیگر، در بازاریابی یا تسهیل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران ایرانی و نیز نقش اسناد اقتصادی امضا شده میان مسئولان دولتی دو کشور در تسهیل سرمایه‌گذاری‌ها، معمولاً چنین گفته می‌شود که ایران در فلان پروژه کشور خارجی سرمایه‌گذاری کرده است و حال آن‌که سرمایه‌گذار اصلی، شخص حقیقی یا شرکت حقوقی ایرانی مستقل از دولت می‌باشد.

۳. بخشی از کمک‌هایی که دولت به‌صورت معوض یا بلاعوض در اختیار برخی کشورها قرار می‌دهد، اگر به دقت نگریسته شود، در راستای تأمین منافع ملی کشور خود ما صورت می‌گیرد. باید توجه داشت، هر حکومتی برای حفظ مصالح و منافع ملی و امنیت خود (قطع نظر از وظیفه انسانی و اسلامی) ناچار است کمک‌هایی به کشورهای دیگر داشته باشد. مثلاً ممکن است جهت جلوگیری از نفوذ دشمن در کشور، در کشورهای مسلمان و همسایه چنین کمک‌هایی بکند یا جهت فشار آوردن و امتیاز گرفتن از یک کشور بیگانه و سلطه‌جو، به یک سازمان جهادی (نظیر حزب‌الله لبنان) کمک‌هایی بشود و... وقتی ملتی به حکومت خود اعتماد داشته باشد و حکام را از خود بداند، چنین مواردی را نیز در جهت مصالح اسلامی و منافع ملی خویش ارزیابی خواهد کرد.

۴. بخش دیگری از کمک‌هایی که صورت می‌گیرد، جنبه‌های بشردوستانه

دارند که عمدتاً در زمان بلایا و حوادث طبیعی صورت می‌گیرد. چنین کمک‌هایی نیز در دنیا امری عادی بوده، حاکی از حس انسان‌دوستی ملت‌ها است، مانند صلیب سرخ جهانی که در زلزله منجیل و رودبار یا زلزله بم به ایران کمک فرستاد.

در ثانی، از فرهنگ و عقاید ملت ایران می‌توان فهمید که آنان این انتظار را از دولت متبوع خویش به‌عنوان نمایندگان خود دارند تا با سهیم شدن در این اقدامات خداپسندانه، جلوه‌های انسان‌دوستی ملت ایران را به نمایش بگذارند.

س: در خصوص یاری رساندن به فلسطینیان مظلوم باید دقیق محاسبه شود تا کجا توان ما می‌رسد و به همان مقدار از تلاش برای کمک به ایشان بسنده کرد. چه بسا برداشتن باری بیش از توان، کمر خودمان را بشکنند. به علاوه، در جایی که هستی نظام ما در معرض خطر قرار گیرد، تقیّه واجب می‌شود. متأسفانه رویکرد جمهوری اسلامی علی‌رغم ادعای متابعت از شرع، در بسیاری مسائل با فقه سازگار نیست و نحوه‌ای افراطی‌گری غیرمنطبق با شرع را به نمایش می‌گذارد.

ج: مقابله با اسرائیل، وظیفه انسانی، اسلامی و راهبردی است. رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت جعلی، غاصبانه، جنایت‌کارانه و سلطه‌جویانه خود، تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی و منطقه محسوب می‌گردد و حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از این رژیم و انفعال سازمان ملل در برابر رفتارهای تجاوزکارانه و غیرانسانی آنان و نادیده گرفتن حقوق بین‌المللی و وادادگی برخی کشورهای عربی نیز موجب گستاخی بیش‌تر این رژیم شده است. از این جهت، دشمنی جمهوری اسلامی با این رژیم جعلی، به ماهیت این رژیم و ماهیت اسلامی، حق طلبانه و سلطه‌ستیزانه کشورمان برمی‌گردد و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر این رژیم غاصب، صرفاً به مسئولیت انسانی و اسلامی در دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان و مسلمانان منحصر نبوده، در راستای منافع ملی و امنیت کشور است.

با وجود دشمنی که به‌عنوان بخشی از نظام سلطه کنونی، موجودیت نظام اسلامی مستقل و حامی مظلومان و مستضعفان و آزادی‌خواهان را برنمی‌تابد و مرزی برای دشمنی با نظام جمهوری اسلامی نمی‌شناسد و دست داشتن در توطئه‌های



مختلف علیه کشور ما شاهی بر آن است، عقل و منطق حکم می‌کند که نمی‌توان از چنین دشمنی غافل شد. تصور نادرست از دشمنی رژیم صهیونیستی و نادیده گرفتن عمق تهدید این رژیم، موجب شده تا برخی حمایت از مردم فلسطین را محدود به شرایطی خاص دانسته یا سخن از رعایت تقیه و مانند آن در مقابله با این رژیم به میان آورند یا شعار نابودی اسرائیل را عامل مشکل دنیا با ما تلقی کنند.

اما به راستی مرز کنار گذاشتن دشمنی اسرائیل با جمهوری اسلامی کجاست؟ آیا این رژیم به چیزی جز صرف نظر کردن از سرنوشت کشورهای اسلامی و چشم پوشیدن از جنایات‌ها و اقدامات غیرانسانی این رژیم غاصب راضی خواهد شد؟ آیا اصول انسانی و اسلامی اجازه چنین کاری را به ما می‌دهد؟ آیا با کوتاه آمدن در برابر چنین دشمن دژنده‌خو و متجاوز، امنیت کشور حفظ خواهد شد یا با تضعیف جبهه مقاومت با دست خود، تهدیدهای بیش‌تری را متوجه کشورمان خواهیم نمود؟

امروز شاهدیم این رژیم، گستاخانه از حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورمان سخن به میان می‌آورد، گرچه در سایه اقتدار و قدرت بازدارندگی کشورمان که در پرتو تقویت محور مقاومت به دست آمده است، نه این رژیم و نه سردمداران نظام سلطه، جرأت عملی کردن آن را ندارند؛ اما آیا چیزی جز مقاومت و اقتدار توانسته است جلوی چنین این رژیم جعلی را بگیرد؟ رژیمی که رؤیای حکومت از نیل تا فرات را در سر می‌پروراند، امروز به برکت محور مقاومت و حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی در مرزهای اشغالی خود محصور شده و دغدغه حفظ موجودیت خود را دارد.

اگر جمهوری اسلامی وجود مشکلات، تهدیدها و فشارها را بهانه‌ای برای دست برداشتن از حمایت از محور مقاومت می‌کرد، آیا امروز تهدیدهای بیش‌تری متوجه کشورمان نبود؟ در دشمنی آشکار رژیم غاصب صهیونیستی با اسلام و ارزش‌های اسلامی و انسانی تردیدی نیست و در برابر چنین دشمنی، تقیه معنا ندارد. اگر دشمنی رژیم صهیونیستی مربوط به یک مسئله فرعی بود که چشم‌پوشی موقت از آن به اصول و باورهای دینی ضربه وارد نمی‌ساخت، براساس قاعده تقدیم اهم بر مهم، می‌شد برای کاهش فشارها از آن مسئله، ولو به صورت موقت صرف نظر

کرد؛ اما از آنجا که این دشمنی معطوف به اصل اسلام و باورهای دینی بوده، پایان دشمنی و توقّف فشارها آنان تنها در صورتی است که نظام اسلامی دست از اصول و ارزش های اسلامی و سرنوشت مسلمانان بردارد، در این صورت مماشات و کوتاه آمدن در برابر دشمنان با وجود تحمیل فشار و افزایش آن، به هیچ وجه جایز نیست؛ زیرا حفظ اساس اسلام بر همه چیز مقدّم بوده و وجود فشار و دشمنی دشمنان دلیل بر دست برداشتن از اصول و ارزش های دینی نمی شود.

مقام معظم رهبري علیه السلام می فرمایند: «مسئله غزه که شما مشاهده می کنید، این بخشی از ظاهر قضیه است؛ باطن قضیه عبارت است از این که دستگاه استکباری اعتقاد به همه اصول انسانی، مایل است این منطقه خاورمیانه، این منطقه حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیایی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد؛ در مشت بگیرد. وسیله اش هم اسرائیل غاصب است؛ صهیونیست های مسلط بر فلسطین اشغالی. مسئله این است. همه این حرکتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است - از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین - با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسئله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار - استکبار اعم از آمریکا است. البته مظهر عمده اش، شیطان بزرگ، دولت آمریکا است - قرار داشته باشد. استکبار می خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد؛ در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه این داستان ها و قضایای این چند سال با این نگاه تحلیل می شود... این ها می خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی می دانند.

البته این را درست فهمیده اند. این جا مرکز مقاومت است. این جا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت های منطقه الهام می دهد. يك موجودیتی، يك هویتی که علی رغم همه قدرت های استکباری و به کوری چشم آنها این جور در این منطقه قد کشیده و روزبه روز ریشه دارتر می شود؛ روزبه روز قوی تر می شود. خود وجود این پیکره عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهنده به ملت ها. بله، این جا مرکز

مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از این جا الهام گرفته اند، منتها برای این که این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند می کوبند. هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه غزه را یک قضیه منطقه ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی ای است که پدر ملت ها را تا حالا در آورده است. نه، این قضیه غزه، فقط قضیه غزه نیست؛ قضیه منطقه است.

فعلاً آن جا نقطه ضعیف تر است، تهاجم را از آن جا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه بر نمی دارند. دولت های کشورهای مسلمانی که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و می توانند بکنند، [ولی] نمی کنند، دارند اشتباه می کنند؛ اشتباه می کنند. هر چه در این منطقه میخ اسرائیل بیش تر فرو برود، تسلط استکبار بیش تر بشود، بدبختی این دولت ها و ضعف و ذلت این دولت ها بیش تر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولت ها، ملت ها را هم دنبال خودشان به ذلت می کشانند. یک دولت ذلیل و مطیع و وابسته، یک ملت را مطیع و ذلیل و وابسته می کند. این است که ملت ها باید به خود بیایند.»

نگاه جمهوری اسلامی ایران به مسئله فلسطین و حل آن، نگاهی منطقی و روشن و براساس قواعد پذیرفته شده بین المللی است و آن، برگزاری همه پرسی برای تعیین سرنوشت مردم فلسطین به دست ساکنان این سرزمین است. مقام معظم رهبری علیه السلام درباره این طرح می فرمایند: «راه حل منطقی راه حلی است که همه وجدان های بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند... راه حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده اند؛ البته آن هایی که مایل اند به سرزمین فلسطین و به خانه خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان، فلسطین برگردند و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸م که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده اند؛ چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی، نظرخواهی شود. این ها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین

کنند. این دموکراسی است. چطور برای همه دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟!»

نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت جعلی و پلید خود، تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی و منطقه محسوب می‌شود و دشمنی جمهوری اسلامی با آنان، به ماهیت آن رژیم و ماهیت اسلامی، حق طلبانه و سلطه‌ستیزانه کشورمان برمی‌گردد و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر این رژیم غاصب، صرفاً به مسئولیت انسانی و اسلامی در دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان مسلمان منحصر نبوده؛ بلکه در راستای منافع ملی و امنیت کشور خودمان نیز هست و عقل و منطق حکم می‌کند که نمی‌توان از آن غافل شد.

اگر جمهوری اسلامی وجود مشکلات، تهدیدها و فشارها را بهانه‌ای برای دست برداشتن از حمایت از محور مقاومت می‌کرد، آیا امروز تهدیدهای بیش‌تری متوجه کشورمان نبود؟ در دشمنی آشکار رژیم غاصب صهیونیستی با اسلام و ارزش‌های اسلامی و انسانی تردیدی وجود ندارد و در برابر چنین دشمنی، تقیّه معنا ندارد؛ زیرا دشمنی این رژیم مربوط به یک مسئله فرعی نیست که براساس قاعده تقدیم اهم بر مهم، بشود برای کاهش فشارها از آن، ولو به صورت موقت صرف نظر کرد؛ بلکه دشمنی این رژیم با جمهوری اسلامی معطوف به اصل اسلام و باورهای دینی بوده، پایان دشمنی و توقف فشارهای آنان تنها در صورتی خواهد بود که نظام اسلامی دست از اصول و ارزش‌های اسلامی و سرنوشت مسلمانان بردارد.

س: باید با همه‌پرسی از مردم، ببینیم که آیا حاضرند در تنگنای معیشتی باشند؛ ولی با استکبار جهانی مبارزه کرده، در مقابل آمریکا و غرب مقاومت کنند؟ چون خیلی از مردم حاضرند رفاه داشته باشند و با آمریکا سرشاخ نشوند؟

چرا در عین حالی که با آمریکا مخالفیم، بعضی از مسئولین گرین کارت داشته، فرزندان شان در این کشور زندگی می‌کنند؟ چرا این همه فساد اقتصادی وجود دارد و آفازده‌ها از این همه امتیازها استفاده می‌کنند؟

ج: در پاسخ سؤال نخست، توجه به چند نکته می‌تواند به روشن شدن مسئله کمک کند:

نکته اول: جمهوری اسلامی با هیچ کشوری که به دنبال دشمنی و اعمال سلطه بر ایران نباشد، دشمنی ندارد. مقاومت ایران در برابر آمریکا و استکبار، به دلیل شروع دشمنی از سوی آن‌هاست و ایران هرگز آغازگر دشمنی نبوده. دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی به ماهیت اسلامی، استقلال طلبی و استکبارستیزی کشورمان و ماهیت استکباری و سلطه‌جویانه این کشور برمی‌گردد. پایان این دشمنی، تنها با دست کشیدن ما از هویت اسلامی و پذیرفتن سلطه آمریکا و تن دادن به زیاده‌خواهی‌های آنان است و آن‌ها به چیزی جز دست برداشتن ما از اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی راضی نمی‌شوند. این‌گونه نیست که با عقب‌نشینی و دست برداشتن از یک مسئله، دشمنی آنان با نظام ما تمام شود.

به عنوان نمونه در جریان مذاکرات هسته‌ای شاهد بودیم که وقتی ما برجام را امضا کردیم و این بهانه از دست آن‌ها خارج شد، آمریکا یک طفه برجام را پاره کرد و با وجود خارج شدن از برجام و عمل نکردن به تعهدات خود، بهانه‌های دیگری هم چون: حقوق بشر، توان موشکی، حمایت از حزب‌الله لبنان و نفوذ منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار گرفت و به زیاده‌خواهی پرداخته، تحریم‌ها را بیش‌تر کردند.

به راستی حدّ نهایی و مرز دشمنی آنان با نظام جمهوری اسلامی تا کجاست؟ فکر می‌کنید اگر جمهوری اسلامی تن به برخی از خواسته‌های آنان بدهد یا فلان معاهده مورد نظر آنان را تصویب کند، آنان دست از دشمنی با ما و فشارها علیه



ما خواهند برداشت؟ مقام معظم رهبری علیه السلام تصریح می فرمایند: «این یک تصوّر غلطی است که ما خیال کنیم حالا می شود بنشینیم با آمریکایی ها، بگوییم آقا بیاید یک جوری با همدیگر مصالحه کنیم... من دو سه سال قبل از این در اوایل این قضیه مذاکرات هسته ای، گفتم آمریکایی ها از همین الآن به ما بگویند اگر جمهوری اسلامی تا کجا عقب نشینی کند، آن ها دیگر دشمنی نمی کنند؛ این را بگویند، اگر مسئله هسته ای حل شد، دیگر قضیه تمام است؟ خوب، حالا قضیه هسته ای حل شده، ببینید تمام است قضیه؟ قضیه موشک ها پیش آمد؛ قضیه موشک ها حل بشود، قضیه حقوق بشر است؛ قضیه حقوق بشر حل بشود، قضیه شورای نگهبان است؛ قضیه شورای نگهبان حل بشود، قضیه اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیه ولایت فقیه حل بشود، قضیه اصل قانون اساسی و حاکمیت اسلام است. این هاست؛ دعوا سر چیزهای جزئی نیست»^۱.

پاسخ به شبهات - مقاومت و زندگی

این دشمنی مصداق کلام الهی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾^۲ «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، مگر آن که از آیین آن ها پیروی کنی. بگو: راهی که خدا بنماید، به یقین راه حقّ تنها همان است و البته اگر از میل و خواهش آن ها پیروی کنی، بعد از آن که طریق حقّ را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت».



و نیز: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾^۳ «و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین تان برگردانند».

حضرت امام خمینی علیه السلام عمق کینه و دشمنی دشمنان نظام را این گونه تبیین می فرماید: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و کجا

۱. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، مورخ: ۱۳۹۵/۳/۲۵.

۲. بقره/ ۱۲۰.

۳. بقره/ ۲۱۷.

ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند، مگر این‌که شما را از دین‌تان برگردانند... آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند، ما نوکر. آن‌ها ابر قدرت باشند، ما ضعیف. آن‌ها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها؛ نه یک ایران با هویت ایران اسلامی»^۱.

بنابراین، مسئله تغییر یک رویکرد یا سیاست و مسائل فرعی نیست که در آن به آرای عمومی مراجعه شود؛ بلکه موضوع، حفظ هویت اسلامی، استقلال و عزت کشور در برابر کنار گذاشتن آن است و این چیزی نیست که بتوان به همه‌پرسی گذاشت.

نکته دوم: نباید تصور کرد که تنها مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه هزینه داشته، سازش با آن‌ها هزینه‌ای ندارد؛ بلکه هر دو هزینه دارد؛ زیرا مشکل، مقاومت در برابر نظام سلطه نیست؛ بلکه مشکل در ماهیت نظام سلطه است که به دنبال تحکیم سلطه و زیاده‌خواهی خویش بوده، حاضر به پذیرش دیگران و روابط براساس منافع متقابل و در یک سطح نیست. اگر این هدف با سازش به دست آید، هزینه آن چشم‌پوشی کشورها از عزت و استقلال و نهایتاً پذیرش سلطه است و اگر با سازش به دست نیامد، هزینه آن توطئه، دشمنی، فشار، تحریم، جنگ و... خواهد بود. تجربه کشورهای سازش‌گری هم چون سرنوشت لیبی با سرهنگ قذافی، اوکراین، کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و... نشان از هزینه گزاف سازش دارد که هویت و عزت این کشورها را از بین برده، آنان را تا حافظ منافع غرب و گاو شیرده برای نظام سلطه تنزل داده است.

با اندک تأملی می‌توان دریافت که هزینه مقاومت به مراتب از هزینه سازش کم‌تر است. اگر طبق نظریه سازش، جمهوری اسلامی بخواهد به سمت آمریکا دست دوستی دراز کند، چه هزینه‌هایی باید پردازد و عقب‌نشینی کشور ما تا کجا موجب کاهش فشارها و تحریم‌ها خواهد بود؟

نکته سوم: عمده مشکلات کشور، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، ناشی از مقاومت در برابر نظام سلطه نیست. گرچه تحریم‌ها و فشارهای آن در کشور مشکلاتی را به وجود آورده؛ اما ریشه اصلی مشکلات کشور، به داخل کشور و ضعف مدیریت و برخی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف‌های عملکردی و استفاده نکردن از ظرفیت‌ها و امکانات و ضعف روحیه خودباوری، عدم تکیه بر نیروهای انقلابی و جهادی و... می‌باشد.

دستاوردهای خیره‌کننده کشور در بخش‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوافضا، الکترونیک، صنعتی، هسته‌ای و نظامی که با وجود تحریم‌ها و فشارها، به دست جوانان این مرز و بوم رقم خورده و کشور ما را در این حوزه‌ها در میان چند کشور برتر دنیا قرار داده است، بیانگر ظرفیت‌های کشور برای تحقق پیشرفت کشور است و اگر این عزم و اراده در عرصه اقتصادی نیز به کار گرفته شود، بی‌تردید قادر خواهیم بود مشکلات موجود را برطرف کرده، پیشرفت کشور را محقق نماییم. از این رو، نباید حل مشکلات و رفاه را تنها در گرو کنار آمدن با آمریکا و سازش با این کشور تصور کرد و دوگانه رفاه یا مقاومت و ایستادگی ایجاد نمود.

گرچه پیشرفت و رفاه حق مردم است و می‌توان با برنامه‌ریزی و کار و تلاش به آن دست یافت؛ اما تحقق پیشرفت و رفاه تنها با سازش و کنار آمدن با نظام سلطه به دست نخواهد آمد. در عین حال، بر فرض که برای برخورداری از رفاه باید تن به سازش با آمریکا و سلطه آنان داد، آیا رسیدن به رفاه به قیمت از دست رفتن عزت و پذیرش سلطه مستکبران ارزشمند است؟ آیا مردم ما می‌پذیرند که عزت خود را در راه رسیدن به رفاه هزینه کنند؟



مردم ما نشان داده‌اند که ندای «هیئات منّا الدّلة» سرور و سالار شهیدان علیه السلام در عمق جان‌شان زنده و جاوید است و عزّت و اعتبار خویش را به دنیای مستکبران نخواهند فروخت.

نکته چهارم: عملکرد نادرست عده محدودی از مسئولان را نباید به حساب کل مجموعه نظام گذاشت. متأسفانه برخی از مسئولان از روش و منش اسلامی فاصله گرفته، گرفتار اشرافی‌گری، فاصله گرفتن از شعارهای انقلاب و خط مشی امام و رهبری و... شده‌اند. طرح ممنوعیت انتخاب یا انتصاب مقامات و مدیران دارای تابعیت مضاعف و مرتبط با کشورهای خارجی که در دستور کار مجلس قرار گرفته است، می‌تواند در رفع این معضل مؤثر باشد. براساس این طرح، انتخاب یا انتصاب اشخاص در کلیه سمت‌های مدیریتی - از سطح رئیس اداره به بالا یا هم‌ترازان آن‌ها در تمام دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه عمومی کل کشور استفاده می‌کنند - که خود یا یکی از خویشاوندان درجه اول آن‌ها دارای تابعیت مضاعف یا مجوز اقامت دائمی یا بلندمدت بیش از یک سال از کشورهای خارجی و یا مالک عرصه یا اعیانی در کشورهای خارجی و... باشند، ممنوع است!

نکته پنجم: گرچه وجود فساد اقتصادی و برخی سوءاستفاده‌ها و انحصارها قابل انکار نیست و فقدان شفافیت و ضعف نظارت و خلأهای قانونی زمینه‌ساز آن بوده است؛ اما نباید به استناد آن اقدامات و تلاش‌های دستگاه قضایی در برخورد با مفاسد اقتصادی و انحصارها را نادیده گرفت. شاهد آن رسیدگی به پرونده‌های فراوان مفاسد اقتصادی و برخورد با دانه درشت‌ها در این زمینه از سوی دستگاه قضایی است. هرچند انتظار برخورد قاطع، به اندازه و جدی‌تر در این زمینه وجود دارد تا شاهد چنین مسائلی در کشور نباشیم.

ایجاد شفافیت کامل، تصویب قوانین لازم، تقویت نظارت‌ها، حذف رانت‌ها و برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی، می‌تواند به بسیاری از این آسیب‌ها و انحصارها پایان دهد.

س: چرا باید ثروت و جان پاسداران شیعه فدای سّتی‌ها و فلسطینی‌های ناصبی گردد؟

اولاً حمایت و دفاع از مردم مظلوم فلسطین و حزب‌الله لبنان و محور مقاومت، از مسئولیت‌ها و وظایف انسانی و اسلامی ماست. ثانیاً این حمایت در راستای منافع کشور بوده، هزینه‌ای است که در قبال تأمین امنیت کشور ما پرداخت می‌شود. آینده‌نگری و تأمین منافع بلندمدت، خود بهترین دلیل بر انجام چنین اقداماتی است؛ زیرا آرمان‌ها و اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، هرگز به فلسطین و لبنان محدود نمی‌شود و آنان آرزوی سیطره بر جهان اسلام و خصوصاً القزای آن (جمهوری اسلامی ایران) را در سر می‌پروراند.

اگر فلسطین و لبنان این رژیم تجاوزگر را در مرزهای خود خوانده اسرائیل محصور نمی‌کردند، کشور ما باید هزینه‌های بیش‌تر و سنگین‌تری برای مقابله با این رژیم غاصب پرداخت می‌کرد.

هم‌چنین مسئله فلسطین، فراتر از مذهب و قوم و قبیله است و همه کسانی که برای انسانیت، قانون و آزادی ارزش قائل‌ند، با رژیم صهیونیستی مخالف هستند. فروکاست مسئله فلسطین به یک مسئله مذهبی، ناشی از درک نکردن تهدید موجودیت رژیم صهیونیستی برای صلح و امنیت منطقه و جهان است.

بنابراین، با فهم دلایل حمایت جمهوری اسلامی از جریان مقاومت و مردم مظلوم فلسطین و لبنان، روشن می‌شود که این حمایت‌ها وابسته به حمایت این کشورها از جمهوری اسلامی نبوده، حتی اگر آن‌ها از جمهوری اسلامی حمایت نکنند، جمهوری اسلامی با توجه تهدیدی که رژیم غاصب صهیونیستی برای منطقه و جهان دارد و با توجه به ماهیت تجاوزکارانه و سلطه‌جویانه و غیرانسانی این رژیم، خود را به مقابله با این رژیم غاصب و حمایت از خط مقاومت در برابر تجاوزطلبی آن متعهد می‌داند. به عبارت دیگر، خط مشی و سیاست جمهوری اسلامی در حمایت از جریان مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، براساس مبانی روشنی استوار شده است که حمایت و عدم حمایت گروه‌های سیاسی فلسطینی از جمهوری



اسلامی، تأثیری در آن ندارد و حتی اگر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی از جمهوری اسلامی حمایت نکنند، ضرورت مقابله با سلطه جویی رژیم صهیونیستی به جای خود باقی است، گرچه امروزه این گروه‌ها از جمهوری اسلامی به عنوان دوست و حامی یاد کرده، قدرشناسی و درک صحیح آن‌ها معلوم است.

اما یکی از شایعاتی که در راستای دل‌سرد کردن مردم ما از حمایت مردم مظلوم فلسطین مطرح گردیده، ناصبی بودن مردم غزه است. این شایعه مربوط به سال‌های اخیر نبوده، ریشه طولانی دارد. استاد شهید مطهری رحمته‌الله علیه در پاسخ به چنین شایعه‌ای می‌فرماید: «یک وقتی شایع بود و شاید هنوز هم در میان بعضی‌ها شایع است، یک وقتی دیدم یک کسی می‌گفت: این فلسطینی‌ها ناصبی هستند. ناصبی؛ یعنی دشمن علی علیه السلام. ناصبی غیر از سنی است. سنی؛ یعنی کسی که خلیفه بلافصل را ابوبکر می‌داند و علی علیه السلام را خلیفه چهارم می‌داند و معتقد نیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شخصی را بعد از خود به عنوان خلیفه نصب کرده است. می‌گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی را به خلافت نصب نکرد و مردم هم ابوبکر را انتخاب کردند. سنی برای امیرالمؤمنین علیه السلام احترام قائل است؛ چون او را خلیفه چهارم و پیشوای چهارم می‌داند و علی علیه السلام را دوست دارد. ناصبی؛ یعنی کسی که علی علیه السلام را دشمن می‌دارد. سنی مسلمان است؛ ولی ناصبی کافر است، نجس است. ما با ناصبی نمی‌توانیم معامله مسلمان بکنیم. حال یک کسی می‌آید، می‌گوید این فلسطینی‌ها ناصبی هستند، آن یکی می‌گوید، این به آن می‌گوید، او هم یک جای دیگر تکرار می‌کند و همین‌طور. اگر ناصبی باشند، کافرند و در درجه یهودی‌ها قرار می‌گیرند. هیچ فکر نمی‌کنند که این، حرفی است که یهودی‌ها جعل کرده‌اند. در هر جایی یک حرف جعل می‌کنند برای این که احساس هم‌دردی نسبت به فلسطینی‌ها را از بین ببرند. می‌دانند مردم ایران شیعه‌اند و شیعه دوست دار علی علیه السلام است و معتقد است هر کس دشمن علی علیه السلام باشد، کافر است. برای این که احساس هم‌دردی را از بین ببرند، این مطلب را جعل می‌کنند. در صورتی که ما یکی از سال‌هایی که مکه رفته بودیم، فلسطینی‌ها را زیاد می‌دیدیم. یکی از آن‌ها آمد به من گفت: فلان مسئله از مسائل حج حکمش چیست؟ بعد گفت: من شیعه هستم، این رفقایم



سنّی‌اند. معلوم شد داخل این‌ها شیعه هم وجود دارد. بعد خودشان می‌گفتند بین ما شیعه و سنّی هست. شیعه هم زیاد داریم. همین لیلا خالد معروف، شیعه است. در چندین نطق و سخنرانی خودش در مصر گفته من شیعه‌ام؛ ولی دشمن یهودی یک عده مزدوری را که دارد، مأمور می‌کند و می‌گوید: شما پخش کنید که این‌ها ناصبی‌اند. قرآن دستور داده در این موارد اگر چنین نسبت‌هایی نسبت به افرادی که جزء شما هستند و مثل شما شهادتین می‌گویند، شنیدید، وظیفه‌تان چیست»^۱.

بیش‌تر مردم فلسطین پیرو مذهب شافعی هستند و اتفاقاً، ابو عبدالله محمد ابن ادريس شافعی، رهبر این فرقه، متولد غزه بوده و شاید همین مسئله در علاقه مندی مردم فلسطین به مذهب شافعی تأثیرگذار بوده است. روشن است که در میان اهل سنّت، پیروان مذهب شافعی بسیار به اهل بیت علیهم‌السلام علاقه مندرتر هستند.^۲ حتی در مناطق مختلف فلسطین مساجدی به نام اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که ناشی از ارادت آنان به اهل بیت علیهم‌السلام است. از جمله مسجد الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام واقع در نابلس، مسجد فاطمة الزهرا علیها‌السلام واقع در جنوب طولکرم و مسجد الحسین بن علی واقع در غزه و الخلیل.

مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه در این باره می‌فرماید: «ببینید! در قضیه حمایت از فلسطین این یک مثالی است می‌خواهم بزنم؛ هیچ کشور و هیچ دولتی به گرد جمهوری اسلامی نرسید. این را همه دنیا تصدیق کردند. جوری شد که بعضی از کشورهای عربی از ناراحتی دادشان بلند شد، گفتند: ایران دارد برای مقاصد خود این‌جا تلاش می‌کند؛ البته فلسطینی‌ها به این حرف اعتنایی نکردند. از جمله در قضیه غزه - در این جنگ ۲۲ روزه چند ماه قبل - جمهوری اسلامی در همه سطوحش از رهبری و ریاست جمهوری و مسئولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان

۱. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۳۲.

۲. الموسوعة المیسرة فی الادیان و المذاهب المعاصرة، مانع بن حماد الجهنی، دارالندوة العالمية للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ج ۲، ص ۱۲۴.

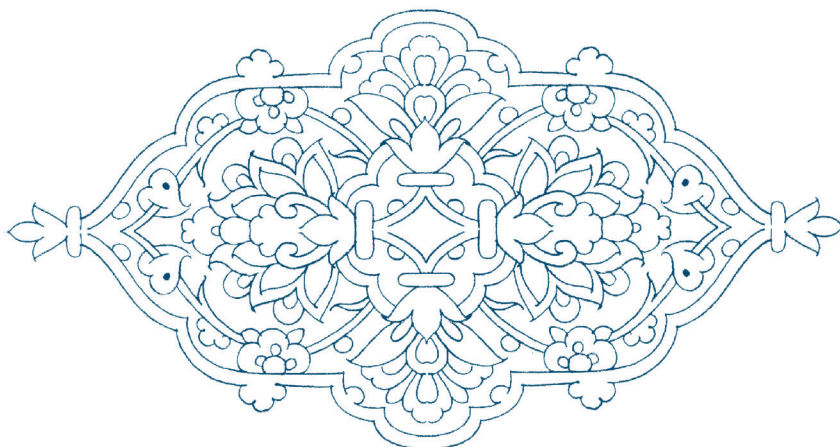


قرار گرفتند. در بحبوحه این حرف‌ها، یک وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می‌کند. دائم می‌روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علما، بعضی از محترمین که: آقا! شما دارید به کی کمک می‌کنید؟ اهل غزه ناصبی‌اند! ناصبی یعنی دشمن اهل بیت علیهم‌السلام. یک عده هم باور کردند. دیدیم پیغام و پسغام که: آقا! می‌گویند این‌ها ناصبی‌اند. گفتیم: پناه بر خدا! لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام هست، مسجد الامام الحسین علیه‌السلام هست، چطور این‌ها ناصبی‌اند؟!

بله، سنی‌اند؛ اما ناصبی؟! این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند. نقطه مقابلش هم هست؛ یک عده بلند شوند بروند قم، لابه‌لای کتاب‌های شیعه را نگاه کنند، ببینند کجا اهانت به مقدسات اهل سنت است، از آن عکس بگیرند، بیایند تو محافل سنی پخش کنند؛ ببینید آقا! این کتاب‌های شیعه است یا یک گوینده نادان غافل یا مغرضی روی منبر نسبت به مقدسات اهل سنت حرف مهمل و بدی بزند؛ این را نوار کنند، سی دی کنند، بروند این‌جا آن‌جا پخش کنند، بگویند: ببینید آقا! این شیعه است.

این را به او بدبین کنند، او را به این بدبین کنند. این معنایش چیست؟ «و تذهب ریحکم» یعنی چه؟ یعنی همین دیگر. وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که با هم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر بکنیم، با هم صمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی، باید این را بفهمند؛ این را درک کنند. بدیهی است دو تا مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با هم اتحاد دارند؛ اما این اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوای فقهای شیعه در مواردی صد و هشتاد درجه با هم اختلاف دارند. فتاوای ائمه اهل سنت در مواردی بسیار با همدیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد وقتی اختلاف دارند، انسان به همدیگر بدگویی کنند و فحش بدهند. خیلی خوب، او مذهبش این است، آن هم مذهبش این است...

بله، اهل سنت همین است؛ یعنی هیچ‌کس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مخصوص و متعلق به شیعه‌اند؛ نه، مال همه دنیای اسلام‌اند. چه کسی است که فاطمه زهرا علیها السلام را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین علیهما السلام سیدها شباب اهل الجنة را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه بزرگوار شیعه علیهم السلام را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب‌الإطاعة و مفروض الطاعة می‌داند، یکی نمی‌داند؛ اما قبول‌شان دارند... [بعضی‌ها] خیال می‌کنند کار خوب می‌کنند؛ غافل از این‌که دارند برای دشمن کار می‌کنند. این خصوصیتِ زمان ماست»^۱.



۱. بیانات رهبری علیه السلام در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، مورخ: ۱۳۸۸/۲/۲۳.

ویژگی‌های یهود در قرآن

حسن شیرزاد کمانگر

مقدمه

قرآن که آینه وحی الهی و مرجعی جاودانه برای بشر است، یکی از بهترین ترسیم‌کنندگان و گزارش‌گران معرفی چهره‌های افراد، گروه‌ها و تاریخ گذشتگان بوده، زمینه‌های کلیدی سقوط‌ها و صعودها را جامع، کوتاه و رسا بیان کرده است. یکی از مباحث مورد اهتمام قرآن در بیان تاریخ گذشتگان و عملکرد آنان، پیرامون قوم یهود (بنی اسرائیل) است که مرتب از سوی خداوند به مسلمانان تذکر داده می‌شود تا از ویژگی‌ها، سرگذشت‌ها و واکنش‌های آنان در برابر آیات، دعوت پیامبران الهی و به‌ویژه در برخورد با پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان صدر اسلام، شناخت دقیقی پیدا کنند و هوشیاری لازم را در رفتار با آنان اتخاذ نمایند.

در این نوشتار افزون بر بیان ویژگی‌های یهود از دیدگاه قرآن و روایات، به احوال و رفتارهای فعلی آنان، همراه با بررسی و تحلیل اجمالی اشاره تطبیقی شده است.

اقسام یهودیان

برای قضاوت منصفانه درباره یهود، باید گفت که قرآن یهودیان مدینه را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. بی‌سوادانی که تصویر روشنی از آداب و سنن دینی یهود نداشته،^۱ توسط احبار و علمای خود مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند تا از آنان اطاعت کورکورانه کنند^۲ و فقط سخنان آنان را تکرار نمایند.^۳

۲. مؤمنانی فهیم و معتقد به یهودیت و تعالیم دین حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام که افرادی خیرخواه و درست‌کار بودند^۴ و در برابر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کینه^۵ و مخالفتی نداشتند.^۶

۳. دانشمندان نیزنگ‌باز و منفعت‌طلب که بیش‌ترین برخورد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان با این گروه بود. اینان مذهب را ابزار تجارت و مال‌اندوزی خود قرار داده بودند^۷ و همیشه در برابر رسالت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت می‌کردند و توده‌ها را با استفاده از روش‌های گوناگون علیه آن حضرت تحریک می‌نمودند.^۸ امروزه چنین گروهی، پشتیبان فکری و فرهنگی رژیم صهیونیستی اسرائیل هستند.

ویژگی‌های یهود در قرآن

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های یهود در قرآن عبارت است از

۱. نژادپرستی

نژادپرستی و تفاخر به یهودیت، بدون در نظر گرفتن ملاک‌های حق و منطق عقلی، از مهم‌ترین ویژگی‌های یهودیان صهیونیسم است که زیربنای کنش‌ها و

۱. ر.ک: بقره/ ۷۸.

۲. توبه/ ۳۱.

۳. بقره/ ۱۱۱-۱۱۳.

۴. بقره/ ۷۰.

۵. آل عمران/ ۱۱۰.

۶. همان/ ۱۱۳-۱۱۵.

۷. توبه/ ۳۱-۳۴.

۸. بررسی تحلیلی مواجهه قرآن با یهود، علی‌اکبر مؤمنی، ص ۳۶.



واکنش‌های آنان در رفتار با غیریهودیان می‌باشد. در منابع آنان به صراحت و فراوان انعکاس یافته که خود را ملت برگزیده خداوند دانسته، ملت‌های دیگر را حیوانات انسان‌نما می‌شمردند. براساس تعالیم تلمود یهودیان برترین ملت روی زمین‌اند. در اختلاف‌ها و نزاع‌ها بین یهود و غیریهودی، گرچه حق با غیریهودی باشد، باید از یهودی دفاع شود و غیریهودی را باید با نیرنگ و تزویر به دام افکند.^۱

به تعبیر استاد مطهری رحمته‌الله دین یهود، دینی است قومی و نژادی، محدود و از یک قوم و نژاد خارج نشده است.^۲ آنان ادعای ابن‌اللهی و خدانژادی می‌کنند تا بتوانند سلسله‌ای از امتیازات اجتماعی را به خودشان اختصاص دهند.^۳ آنان مدّعی هستند که ما فرزندان و دوستان خداییم: «نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ»^۴ ما اولیای خداییم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ...»^۵ و حضرات ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط علیهم‌السلام همگی یهودی بوده‌اند: «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا يَهُودًا»^۶.

هم‌چنین معتقدند تنها کسانی وارد بهشت می‌شوند که یهودی باشند: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ يَهُودًا»^۷. بنابراین، ادعا کردند خداوند در اصل، خانه آخرت را برای ما ساخته است و به مردم دیگر مربوط نیست؛ اگر خدا در آن عالم به هر کسی دیگر چیزی بدهد، از مال ما به او داده است و اگر غیریهودی به بهشت برود، از طفیلی ما و صدقه سر ماست:^۸ «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ...»^۹.

۱. پروتکل دانشوران صهیون، صص ۶۰۵-۶۰۷ (با اقتباس و ویرایش).
 ۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۱۶، ص ۱۷۱.
 ۳. همان، ج ۲۷، صص ۲۷۹-۲۸۰.
 ۴. مانده/ ۱۸.
 ۵. جمعه/ ۶.
 ۶. بقره/ ۱۴۰.
 ۷. بقره/ ۱۱۱.
 ۸. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۷، صص ۲۸۰-۲۷۹.
 ۹. بقره/ ۹۴.

قرآن در برابر اینان استدلال می‌کند که اگر شما در ادعای خود راستگو هستید، پس مرگ خود را آرزو کنید: ﴿فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ وَ لَنْ يَتَمَنَّوَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾؛ ولی هرگز به دلیل عملکرد ظالمانه خود و حریص بودن نسبت به زندگی دنیا، آرزوی مرگ نمی‌کنند؛ چون آنان حریص‌ترین انسان‌ها به دنیا و دوست‌دار زندگی هزارساله در آن هستند: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمَنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرَ أَلْفَ سَنَةٍ...﴾.^۲

نژادپرستی یهود و تعصبات قومی آنان موجب شد با وجود آن که در عصر رسالت از دیرباز در انتظار بعثت رسول گرامی اسلام ﷺ بودند و نشانه‌های او را در تورات می‌دانستند، فقط به این بهانه که پیامبر ﷺ از قوم یهود و از نسل اسحاق نبی ﷺ نبود، به اسلام کفر ورزیدند و آن حضرت را انکار کردند: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ...﴾^۳؛ یعنی آنان پیامبر ﷺ را همان‌گونه می‌شناختند که والدین فرزندان خود را می‌شناسند.^۴ متأسفانه امروزه نیز روح حاکم بر یهودیان صهیونیسم در رفتار با فلسطینیان و ملت‌های دیگر براساس همین نژادپرستی است.

۲. خیانت در امانت

درست‌کاری و صداقت در گفتار و رفتار با مردم، از شاخصه‌های مهم و نقش‌آفرین در روابط اجتماعی است. هر مقدار از روحیه صداقت کاسته شود، به همان میزان روابط و اعتماد مردم با یکدیگر در حوزه‌های تعاملات و امانت‌سپاری‌ها، کم‌رنگ‌تر و متزلزل خواهد شد. از این‌رو، قرآن خیانت به دیگران را کاری حرام و خیانت به خویشتن می‌داند^۵ و آن را سبب مبغوضیت خداوند بیان می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾.^۶

۱. بقره/ ۱۴۰؛ جمعه/ ۶.

۲. بقره/ ۹۴-۹۶.

۳. بقره/ ۱۴۶؛ آیه درباره علمای یهود و نصاری است (التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، ج ۲، ص ۲۱).

۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش، ج ۱، صص ۴۵۹-۵۰۰.

۵. انفال/ ۲۷؛ خیانت به خود را می‌توان از ضمیر مخاطب در «امانتکم» استفاده نمود؛ چون از امانت دیگران، تعبیر امانت به خود شده است.

۶. انفال/ ۵۸.

اما در مورد یهودیان می فرماید: ﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ... وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُوَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۱ «در میان اهل کتاب... کسانی هستند که اگر یک دینار به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آن ها ایستاده [و بر آنان مسلط] باشی. این به دلیل آن است که می گویند: ما در برابر اُمیین [غیریهود]، مسئول نیستیم و بر خدا دروغ می بندند، در حالی که می دانند [این سخن دروغ است]»^۲.

مراد از «مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ»، یهودیانی هستند که خود را در برابر امانت غیرهم کیشان خود مسئول نمی دانند.^۳ بی شک این منطق از اصل خیانت آنان در امانت، به مراتب بدتر و خطرناک تر بود؛ زیرا اگر افراد خائن کار خود را غلط بدانند، دست کم مرتکب یک گناه شده اند؛ اما اگر در این کار، خود را صاحب حق بدانند، گناه بزرگ تری مرتکب شده اند.

این آیه نشان می دهد که آنان برای خود آزادی عمل و امتیاز قائل بودند؛ همان آزادی که امروزه نیز در اعمال بسیاری از آنان مشاهده می شود که هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق دیگران را برای خود مجاز می دانند و هیچ منطقی جز زور و سلطه را پذیرا نیستند. در واقع، این گروه از یهود هیچ اصلی جز اصل قدرت را به رسمیت نمی شناسند؛ تصویب نامه های جهانی، افکار عمومی مردم دنیا و مفاهیمی از قبیل حق و عدالت برای آن ها معنا ندارد. این حقیقت از مسائل جالبی است که در دو آیه فوق پیش گویی شده و به همین دلیل مسلمانان برای استیفای حقوق خود از آنان هیچ راهی جز کسب قدرت ندارند.

۱. آل عمران / ۷۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۱۹.

۳. رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، عبدالرزاق بن رزق الله رسعنی، ج ۱، ص ۲۱۸؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، ج ۳، ص ۲۲۶.

تعهد مالی و عملی در برابر خداوند و دیگران، از جمله حفظ اسرار و قراردادهای، از نشانه‌های شخصیت افراد و آراستگی به اخلاق بشری و خردورزی است که موجب استحکام و گسترش اعتماد و روابط اجتماعی می‌شود. از این رو، در قرآن وفای به عهد^۱ با خدا و بندگان^۲ از سوی پروردگار واجب اعلام شده و در آیات فراوانی از وجوب رعایت عهد و میثاق در حوزه‌های گوناگون با یهود در جایگاه اهل کتاب و بنی اسرائیل سخن به میان آورده و بی‌تعهدی و پیمان شکنی^۳ یهودیان و از جمله پیمان شکنی دانشمندان و مراجع دینی و علمی آنان سخن می‌گوید؛ چون خداوند از آنان پیمان گرفته بود تعالیم تورات را برای مردم بیان کنند و کتمان نکنند؛ ولی آنان پیمان شکنی کردند و برای جلب منافع مادی، آن را ثمن بخش فروختند.^۴

پیامبر اسلام ﷺ پس از ورود به مدینه، در پیمان عمومی و خصوصی با سه قبیله بزرگ یهودیان مدینه؛ یعنی: بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه،^۵ کوشید برای امنیت مدینه و مقابله با دشمنان خارجی کارهایی انجام دهد؛ اما هر سه گروه پیمان شکنی کردند:

الف) بنی قریظه با حمایت از مشرکان، تفرقه افکنی میان مسلمانان، همکاری با منافقان، جاسوسی علیه مسلمانان، تحقیر و تمسخر پیامبر ﷺ و مسلمانان پیمان شکنی کردند و در مبارزه و جبهه‌گیری در قبال رسول خدا ﷺ با دعوت از قریش و به راه انداختن لشکری عظیم، جنگ احزاب را به راه انداختند که شکست خوردند.^۶ قرآن از یهود بنی قریظه به «من اسفل منکم» و از قریش و مشرکان به

۱. بقره/ ۲۷-۴۰.

۲. مانده/۱: مقصود از «عقود» کلّ عقدها و پیمان‌های با خدا و غیر خداست (الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، ج ۶، ص ۳۳: آیات الأحكام جرجانی، ابوالفتح الحسینی الجرجانی، ج ۲، ص ۱۷۲).

۳. مانند: بقره/ ۲۷، ۶۳ و ۹۳؛ آل عمران/ ۷۷-۱۸۷.

۴. آل عمران/ ۱۸۷.

۵. تحلیلی مواجهه قرآن با یهود، صص ۱۵۱-۱۵۲.

۶. رسول خدا ﷺ و یهود، سید جعفر عارف کشفی، صص ۴۶۳-۴۶۴.



«إِذْ جَاؤَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ» تعبیر می‌کند^۱ و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از پیمان شکنی یهود بنی قریظه و همکاری آنان با مشرکان و پیروزی بر آنان باخبر کرده است.^۲

ب) قرآن درباره پیمان شکنی یهود بنی نضیر می‌فرماید: «او کسی است که کافران اهل کتاب را در اولین برخورد [با مسلمانان] از خانه‌های شان بیرون راند. گمان نمی‌کردید آن‌ها خارج شوند و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکم شان آن‌ها را از عذاب الهی مانع می‌شود...»^۳ آنان قصد توطئه و کشتن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را داشتند^۴ که بعد از شکست، از منطقه مسکونی خود و از مدینه بیرون شدند.^۵

ج) سومین گروه پیمان شکن یهود، قبیله بنی قینقاع هستند که از یهودیان دیگر شجاع‌تر بودند و تمکن مالی بیش‌تری داشتند؛ ولی نافرمان‌تر از دیگر یهودیان نیز بودند.^۶ آنان اولین گروه از یهودیان بودند که پیمان خود با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نقض کردند.^۸ قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَهُ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾^۹ که ناظر بر پیمان شکنی آنان است.

۱. احزاب/ ۹-۱۱: آیه درباره جنگ احزاب و یهود بنی قریظه است (تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، صص ۱۷۶-۱۸۸؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدی البلخی، ج ۳، صص ۴۷۶-۴۷۷). آیات ۲۶-۲۷ آن نیز درباره یهودیان بنی قریظه است (التبیان، محمد بن حسن طوسی، ج ۸، ص ۳۳۳).
۲. «وقد كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أخبر أصحابه أن العرب تتحزب على...» (بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۰، صص ۲۲۹-۲۳۱).
۳. حشر/ ۲-۱: درباره یهود بنی نضیر است (تفسیر الکشاف، محمود بن عمر زمخشری، ج ۴، صص ۴۹۸-۴۹۹؛ تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۸۳).
۴. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۱، ص ۳۶۵.
۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۶.
۶. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، ج ۲، ص ۲۱.
۷. بنو اسرائيل في القرآن والسنة، محمد سید طنطاوی، ص ۲۵۷.
۸. المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۱، صص ۱۷۶-۱۷۷.
۹. انفال/ ۵۸؛ واقدی معتقد است این آیه درباره بنی قینقاع می‌باشد (التبیان في تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۴۶).

براساس تعالیم قرآن و گواهی تاریخ، یکی از گروه‌های دارای بغض و کینه بزرگ در برابر مسلمانان^۱ و سرسخت‌ترین دشمنان اسلام، قوم یهود بوده‌اند. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ﴾.^۲

خداوند در آیاتی چند از آنان سخن به میان آورده است که می‌تواند برخاسته از همان روحیه دشمنی سرسخت آنان باشد. از جمله:

۱. استهزای آیات قرآن: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا﴾؛^۳

۲. استهزای پیامبر ﷺ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا﴾؛^۴

۳. اغواگری و گمراه کردن مؤمنان: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾؛^۵

۴. توطئه علیه جامعه ایمانی برای بازگرداندن مسلمانان از ایمان: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛^۶

۱. آل عمران/ ۱۱۸-۱۲۰.

۲. مائده/ ۸۲.

۳. نساء/ ۱۴۰؛ درباره یهودیان استهزاگر آیات الهی است (مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۳-۴، ص ۱۹۴).

۴. بقره/ ۱۵۴؛ کاربرد کلمه «راعنا» در زبان عبری نزد یهودیان استهزای پیامبر ﷺ بوده است (همان، ج ۱-۲، ص ۳۴۳).

۵. نساء/ ۴۴؛ با توجه به سیاق آیات، مصداق بارز آیه، یهود است.

۶. آل عمران/ ۷۲؛ برداشت با توجه به شأن نزول آیه است (همان، ص ۷۷۳).

۵. جاسوسی علیه مسلمانان: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمِ
آخِرِينَ﴾؛^۱

۶. شایعه پراکنی در جامعه: ﴿لَئِن لَّمْ يَتَّهِ الْمُنَافِقُونَ... وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ﴾؛^۲

۷. انتقام‌گیری از مسلمانان، به دلیل ایمان به خدا و تمام کتاب‌ها و تعالیم
آسمانی: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن
قَبْلُ﴾^۳.

امروزه نیز یهودیان با روش‌های نو و آمیخته با تکنیک‌های پیشرفته رسانه‌ای و...
از هر تلاشی در جهت دشمنی با اسلام و مسلمانان دریغ نمی‌کنند و برای تثبیت
خود بیش از هر چیزی روی رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی حساب باز کرده‌اند و به
گفته «روژه گارودی» اندیشمند معرف فرانسوی: «صهیونیست‌ها بی‌آن که در جهان
ما ریشه و اصلتی داشته باشند، توانسته‌اند به مدد پول، قدرت سیاسی و ابزار
رسانه‌ای، سلطه خود را بر کانون‌های قدرت در اروپا و آمریکا بگسترانند».^۴

چون آنان می‌دانند بدون تغییر در باورهای فرهنگی، ملی و معنوی دیگر
جوامع، امکان دستیابی به اهداف خود را ندارند، بنابراین در تکاپوی تغییر باورها
و ارزش‌های انسانی، تخریب اعتقادات مذهبی ملت‌ها با اشاعه ضد ارزش‌ها،
ترویج مفاسد اخلاقی، خشونت و پول‌پرستی برآمده‌اند؛^۵ ولی به اراده خداوند ناکام
خواهند بود؛ چنان‌که یهود صدر اسلام شکست خوردند.^۶

۱. مائده/۴۱؛ منظور از «سماعون»، یهود و منافقین و مقصود از «لقوم آخرین» یهودیان خیبر است (همان،
ج ۳-۴، ص ۳۰۱).

۲. احزاب/۶۰؛ مقصود از «مرجفون» در آیه، یهود دانسته شده است (تفسیر التحرير والتنوير، محمد طاهر
ابن عاشور، ج ۱۱، ج ۲۲، ص ۱۰۸).

۳. مائده/۵۹؛ درباره جمعیت یهودیان است (اسباب النزول، واحدی نیشابوری، ص ۲۰۳).

۴. علیخانی [بی‌نا]، سایت باشگاه اندیشه، ۱۳۸۴ش.

۵. گروه فشار اسرائیل و سیاست آمریکا، جان جی می‌یرشایمر، ج ۱، ص ۲۰۹.

۶. حشر/۲.

۵. قساوت و بی‌رحمی

یکی از ویژگی‌های بارز یهودیان، بی‌رحمی و قساوت قلب آنان است. خداوند در قرآن از بی‌رحمی یهود در برابر پیامبران با کشتن و اسیر کردن آنان به دلیل روحیه نافرمانی و تجاوزگری‌شان خبر داده است،^۱ حتی آنان در برابر هم‌کیشان خود نیز بی‌رحم هستند و با همدیگر بی‌رحم هستند.^۲ دنیاطلبی آنان سبب بروز درگیری‌های خونینی میان‌شان برای شکست یکدیگر و آواره کردن همدیگر شده است.^۳ آنان در کشتن آمران به عدالت هیچ ترحمی ندارند^۴ و در برابر مسلمانان در صدد انتقام هستند.^۵ آیات زیادی در قرآن اشاره می‌کند که یهودیان به دلیل بی‌تعهدی‌ها و بی‌رحمی‌ها، مورد خشم^۶ و لعنت الهی^۷ قرار گرفته‌اند.

«گوستاو لوبون» فرانسوی می‌گوید: «یهودیان دارای هیچ تمدنی نیستند و هنوز در مرحله اُمّت‌ها و انسان‌های وحشی هستند و از لحاظ اثرگذاری در تاریخ تمدن صفرند.»^۸ برای خلاصه‌کردن صفات یهود در چند کلمه، باید بگوییم: یهود مانند انسان‌هایی هستند که تازه از جنگل وارد شهر شده و همیشه از صفات انسانی بی‌بهره بوده‌اند؛ چراکه هم‌چون پست‌ترین مردم روی زمین زندگی می‌کنند و همیشه مردمی سفاک و وحشی هستند که در کشتن افراد و رفتار وحشیانه در آنان هیچ ملاحظه جنس و سن و نژادی وجود ندارد و آتش‌زدن و آوارگی، از لوازم زندگی آنان است.^۹ نمونه بارز آن، این موارد است:

۱. بقره/۶۱، ۸۳ و ۸۵-۸۷ و ۹۱؛ آل عمران/۲۱، ۱۱۲، ۱۸۱-۱۸۳.

۲. مائده/۶۴.

۳. بقره/۸۵-۸۶.

۴. آل عمران/۲۱.

۵. مائده/۵۹.

۶. بقره/۸۸-۹۰؛ مربوط به یهود است (مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۳۱۴)؛ مائده/۶۰ و ۸۰؛ مقصود از «تری کثیراً» یهود است (التفسیر المنیر، وهبه زحیلی، ج ۶، ص ۲۷۸)؛ مجادله/۱۴؛ مراد از «قوماً» یهود است (جامع البیان، محمد بن جریر طبری، ج ۱۴، جزء ۲۸، ص ۳۰)؛ ممتحنه/۱۳؛ مقصود از «قوماً» قوم یهود است (الکشاف، ج ۴، ص ۵۲۱).

۷. نساء/۴۶، ۵۱ و ۵۲؛ شأن نزول آیه، عده‌ای از یهودیان است (زاد المسیر، ج ۱، ص ۴۱۹)؛ مائده/۱۳، ۶۰ و ۶۴؛ مقصود آیه، یهودیان است (همان، ج ۳-۴، ص ۲۶۸)؛ مقصود از «ملعونین»، یهودند (الکشاف، ج ۱، ص ۶۶۶).

۸. اليهود فی تاریخ الحضارات الأولى، گوستاو لوبون، صص ۱۱-۱۹.

۹. رک: همان، صص ۴-۵ و ۵۲.

الف. در سحرگاه نهم آوریل ۱۹۴۸ نیروهای اسرائیلی با یورش به روستای دیریا سین در فلسطین اشغالی، ده‌ها زن و مرد و کودک را افزون بر قتل، قطعه‌قطعه و مثله کردند و آنان را در چاه دهکده افکندند.

ب. در سال ۱۹۵۳م با حمله به دهکده قبیله، ۶۶ نفر را کشتند، ۷۵ نفر را مجروح و ۴۵ خانه را منهدم کردند.

ج. در سال ۱۹۵۶م با حمله به غزه و خانه‌های شهر خان یونس ۲۷۵ نفر را کشتند. در همین سال در کفرقاسم مردم زیادی را قتل عام کردند.

د. در سال ۱۹۷۶م در تل زعتر ۲۰۰۰ نفر را کشتند و در اردوگاه صبرا و شتیلا مردم پناه‌جو را قتل عام کردند!

این آمار تنها برخی از جنایات رژیم صهیونیستی است که نشان می‌دهد یهودیان صهیونیسم بویی از انسانیت نبرده‌اند و ذره‌ای از رحم و مروت برخوردار نیستند و از زمان اشغال فلسطین تاکنون از هرگونه رفتار وحشیانه، قتل و غارت، آتش‌زدن و ترور مردم فلسطین، دریغ نکرده‌اند^۲ و متأسفانه کشورهای مدّعی حقوق بشر با پشتیبانی و دفاع همه‌جانبه از اسرائیل، آنان را به جنایت بیش‌تر ترغیب می‌کنند.

باید یادآور شد که براساس آموزه‌های قرآن، روابط دوستانه و صمیمانه با امثال رژیم صهیونیستی، مورد نهی خداوند قرار گرفته، حرام شمرده شده است که چنین روابطی عذاب سخت الهی را در پی خواهد داشت. از جمله: آل عمران/ ۱۱۸؛^۳ مائده/ ۵۱ و ممتحنه/ ۱۳؛ مجادله/ ۱۴-۱۵،^۴ بنابراین، بابت دفاع از مظلوم، باید از فلسطینیان حمایت کرد و از هر نوع کمکی دریغ نورزید و از هرگونه حمایت به دولت غاصب صهیونیسم در گفتار و عمل خودداری کرد، همان‌طور که جمهوری

۱. تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده، غازی خورشید، صص ۲۴۶-۲۴۸.

۲. همان؛ برای کسب اطلاعات بیش‌تر رک: صص ۲۴۹-۲۸۷ و ۲۹۳-۳۸۹.

۳. شأن نزول آیه، دوستی برخی مؤمنان با یهود است (جامع البیان، ج ۳، جزء ۴، ص ۸۱).

۴. مقصود از «قوماً» یهود است (الکشاف، ج ۴، صص ۴۹۵ و ۵۲۱).

اسلامی ایران بیش از چهار دهه، هیچ‌گونه رابطه‌ای با رژیم غاصب اسرائیل ندارد و همیشه دیگران، به خصوص دولت‌های مسلمان را از ارتباط برحذر داشته است.

امام خمینی رحمته الله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، افزون بر یادآوری حمایت‌های مختلف از فلسطینیان، جمعه پایانی هر ماه مبارک رمضان را «روز قدس» و روز هم‌بستگی با مردم فلسطین قرار دادند تا همه مسلمانان هوشیارانه از اسرائیل غاصب اظهار براءت بجویند و از فلسطین حمایت کنند. مقام معظم رهبری رحمته الله نیز در پی همان راه و مواضع امام امت، بارها بر ادامه حمایت از فلسطین تأکید کرده‌اند.

اینگرامز، دورین، بذر توطئه: گزیده اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس (از اعلامیه بالفور تا قیمومیت انگلیس بر سرزمین فلسطین)، ترجمه: حسین ابوترا بیان، چ سوم، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.

بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.

بوری، ایوانف، صهیونیسم، ترجمه: ابراهیم یونسی، چ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.

جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، تفسیر شاهی یا آیات الأحکام، تهران: نوید، ۱۳۶۲ ش.

خزایی، سمیه، بن مایه‌های تاریخی صهیونیسم، چ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.

خورشید، غازی، تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده، ترجمه: حمید احمدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، محقق: ابن دهیش، مکه: مکتبه الأسدی، ۱۴۲۹ ق.

زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ سوم، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

عارف کشفی، سیدجعفر، رسول خدا و یهود، قم: الهادی، ۱۳۸۹ ش.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

کفاش، حامد و دیگران، دایرة المعارف مصور تاریخ فلسطین، تهران: سایان، ۱۳۹۲ ش.

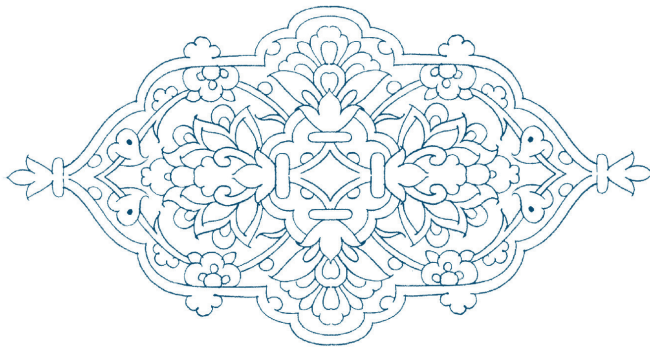
لوبون، گوستاو (یاتاویاتان)، اليهود فی تاریخ الحضارات الاولی، مترجم: عادل زعیترا، قاهره: شرکت نوابغ الفکر، ۱۴۲۹ ق.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، چ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.

میرشایمر، جان جی، گروه فشار اسرائیل و سیاست آمریکا، مترجم: رضا کامشاد، تهران: فرزانه، ۱۳۸۹ ش.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.



مسیحیت صهیونیستی

دکتر احمد رضا مفتاح

مقدمه

اکنون که جهان اسلام در معرض دشمنی‌های بسیاری قرار دارد، دشمن‌شناسی بسیار ضروری است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛ کسی که به اوضاع زمانه‌اش آگاه باشد، شبهات بر او هجوم نمی‌آورند».

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه ضمن اشاره به این حدیث شریف، می‌فرماید: «عالم به زمان، کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؟ صف بندی‌های مقابل او چیست؟ انگیزه‌های مخالف او کدام است؟... اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، نقشه دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد».^۱

جریان صهیونیسم یهودی و مسیحی، از دشمنان شناخته شده اسلام است. در این نوشتار درباره مسیحیت صهیونیستی آمریکا که از حامیان رژیم اشغالگر قدس هستند، به اختصار بحث و به راهکارهای مقابله با آن اشاره خواهد شد.^۲

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۱.

۲. بیانات رهبری رحمته الله علیه در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، مورخ: ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ سایت: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>

۳. بیانات رهبری رحمته الله علیه در دیدار مردم کازرون، مورخ: ۱۳۸۷/۲/۱۶؛ سایت: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3434>

۴. این نوشتار، خلاصه‌ای از کتاب «مسیحیت صهیونیستی» است که به زودی به قلم نگارنده توسط پژوهشگاه امام صادق علیه السلام منتشر خواهد شد.

مسیحیت دارای سه فرقه اصلی: کاتولیک، ارتدکس و پروتستان است. مسیحیت کاتولیک و ارتدکس به خاطر نظام سلسله مراتب کلیسایی کم‌تر دچار فرقه‌گرایی شده‌اند؛ اما مسیحیت پروتستان به خاطر نداشتن مرجعیت واحد، فرقه‌های بسیار زیادی دارد. مسیحیت صهیونیستی، مربوط به یکی از فرقه‌های پروتستانی به نام «اونجلیکال» یا «انجیل‌گرا» است که به ظاهر کتاب مقدس تأکید دارند. آنان با این اعتقاد که بازگشت عیسی مسیح عليه السلام، مشروط به بازگشت یهودیان به فلسطین است، از تشکیل حکومت یهودیان در سرزمین اشغالی حمایت می‌کنند. این باور که میان بیش‌تر مسیحیان مقبولیت ندارد، در ایالات متحده آمریکا از نفوذ و قدرت زیادی برخوردار است.

تعریف مسیحیت صهیونیستی

«صیهون» قلعه‌ای بود که توسط حضرت داوود عليه السلام فتح شد.^۱ این واژه که بعدها مترادف «اورشلیم» و نهایتاً برای سرزمین اسرائیل به کار رفته است، در مکتوبات مسیحایی بیانگر آرزوی بازگشت به سرزمین اسرائیل و تأسیس دوباره پادشاهی داوود عليه السلام بود.^۲ بنابراین صهیونیسم، جنبشی است که به دنبال محقق ساختن آرزوی بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل حکومت یهودی در این سرزمین می‌باشد. این جریان در اصل، یک جنبش یهودی است که با انگیزه به ظاهر دینی و حمایت از یهودیان آواره شروع شد، با نظریه پردازی «تئودور هرتسل» جنبه سیاسی پیدا کرد و با حمایت استعمارگر پیر، انگلستان و فرزند نامشروعش، ایالات متحده آمریکا، دولت اشغالگر قدس (رژیم اسرائیل) تشکیل شد.

این مسیحیت صهیونیستی، از دولت یهودی اسرائیل حمایت می‌کنند. از نظر آنان مسیحیان باید از ایده تشکیل دولت یهود و سیاست‌های آن پشتیبانی کنند. این استدلال مبتنی بر تفسیر ظاهری و آینده‌گرایی کتاب مقدس و مبتنی بر این اعتقاد

۱. ر.ک: دوم سموئیل ۵: ۷.

۲. منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، اسدالله آذیر، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹۸.



است که پیشگویی‌های عهد عتیق درباره قوم یهود، رفته رفته در محل کنونی اسرائیل تحقق می‌یابد.^۱

شکل‌گیری مسیحیت صهیونیستی در انگلستان

جنبش مسیحیت صهیونیستی اولیه، با این اعتقاد ظهور کرد که بنا بر وعده کتاب مقدس، قوم یهود قبل از بازگشت حضرت عیسی ﷺ به مسیحیت می‌گروند و با بازگشت به فلسطین، در کنار دیگر ملت‌های مسیحی، از موجودیتی ملی برخوردار می‌شوند.^۲ این باور که روزی یهودیان به عیسی مسیح ﷺ ایمان می‌آورند و بخشی از کلیسا می‌شوند، به عنوان نشانه بازگشت قریب الوقوع مسیح ﷺ دانسته شده است.^۳

ریشه‌های مسیحیت صهیونیستی در انگلستان، به نظریه پردازی و پیش‌گویی «ادوارد ایروینگ»^۴ و «نلسون داربی»^۵ برمی‌گردد.^۶ «لرد شافتسبری»^۷ بازگشت یهودیان به فلسطین را در راستای منافع راهبردی سیاست خارجی بریتانیا دانست. از این رو، دولت بریتانیا از جنبش صهیونیسم حمایت کرد و با اعلامیه «بالفور» که سبب شکل‌گیری اسرائیل شد، آرمان جنبش صهیونیستی تحقق یافت.^۸

شکل‌گیری مسیحیت صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا

در اوایل قرن بیستم و به دنبال تلفات خانمان سوز جنگ جهانی اول، مسیحیت بنیادگرای آمریکا درگیر مقابله با جریان الهیات لیبرال بود و تمایلی به حمایت از

۱. ر.ک: صهیونیسم مسیحی، استیون سایزر، ترجمه: حمید بخشنده و قدسیه جوانمرد، انتشارات طه و مرکز پژوهش‌های صداوسیما، قم، ۱۳۸۶ش، صص ۴۲-۴۶.
 ۲. همان، ص ۶۶.
 ۳. همان، صص ۷۰ و ۱۳۶.
 ۴. Edward Irving.
 ۵. Nelson Darby.
 ۶. صهیونیسم مسیحی، ص ۸۹.
 ۷. Lord Shaftesbury.
 ۸. صهیونیسم مسیحی، صص ۱۱۲-۱۲۴.

یهودیان نداشت. «جری فالول»^۱، «پت رابرتسون»^۲ و «هال لیندزی»^۳ از مسیحیان اونجلیکال و بنیادگرای آمریکا، بعد از پیروزی اسرائیل در جنگ شش روزه با اعراب، با اعلام حمایت از جریان صهیونیست، نقش مهمی در رشد صهیونیسم مسیحی ایفا کردند.^۴

«جری فالول» به عنوان نخستین سیاستمدار افراطی آمریکایی، معتقد است حمایت ایالات متحده آمریکا از اسرائیل به دلیل مصالح اسرائیل نیست؛ بلکه به لحاظ تأمین منافع آمریکاست. او حمایت مسیحیان از اسرائیل را تکلیف مذهبی و آن را در جهت تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس می‌داند.^۵ «کریس هال سل»^۶ به نقل از یک مسیحی آمریکایی که زندگی در آمریکا را رها کرده بود، تا در فلسطین، وطن اصلی‌اش، زندگی کند، درباره فالول می‌گوید: «مسیحیانی مانند فالول، عامل تحریک‌کننده اسرائیل در گسترش سرزمین‌ها و سرکوب کردن مردم هستند. اسرائیلی‌ها به خوبی می‌دانند هر کاری کنند، مسیحیان تندرویی مانند فالول تا آخر راه با آن‌ها خواهند بود».^۷

«پت رابرتسون» در کنار «جری فالول»، یکی از قدرتمندترین مردان محافل سیاسی و دینی آمریکا بودند که اولین و بانفوذترین شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای مسیحی دنیا را با عنوان شبکه رادیو تلویزیونی مسیحی (CBN) در سال ۱۹۶۰م تأسیس کرد.

مسیحیت صهیونیستی به دلیل تأثیر زندگی خبرساز رهبران مسیحی بنیادگرایی هم چون «جری فالول» و «پت رابرتسون» تا پایان دهه ۱۹۷۰م، چنان تأثیری در آمریکا داشته است که نمی‌توان یک نفر سیاستمدار یا سناتور کنگره را یافت که مایل به انتقاد علنی درباره دولت اسرائیل باشد.^۸ انگیزه‌های دینی آخرالزمانی از یک سو و

۱. Jerry Falwell.

۲. Pat Robertson.

۳. Hal Lindsey.

۴. صهیونیسم مسیحی، صص ۱۵۲ و ۱۶۵.

۵. به خاطر صهیون، فؤاد شعبان، ترجمه: یاسر فرحزادی، نشر ساقی، تهران، ۱۳۹۰ش، صص ۲۴۳ و ۳۰۰.

۶. Halsell.

۷. تدارک جنگ بزرگ، گریس هال سل، ترجمه: خسرو اسدی، انتشارات رسا، بی‌جا، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۵.

۸. صهیونیسم مسیحی، ص ۱۷۰.



حمایت‌های سیاسی از سوی دیگر، سبب قدرت یافتن جریان مسیحیت صهیونیستی در آمریکا شد. اکنون بیش از ۲۵۰ سازمان تبشیرگرای طرفدار اسرائیل در آمریکا فعال هستند که در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵م تأسیس شدند. این سازمان‌ها توانسته‌اند حمایت‌های تبلیغی و سیاسی را به نفع اسرائیل برانگیزانند.

باورهای مسیحیت صهیونیستی

۱. قوم برگزیده خدا

مسیحیان صهیونیست معتقدند یهودیان «قوم برگزیده خداوند» هستند که جدا از تمام وعده‌های داده شده به کلیسا، دارای رابطه و جایگاهی منحصر به فرد و هدف‌هایی جاودانی در سرزمین خود هستند. از نظر آنان، جایگاه قوم اسرائیل، برتر از کلیساست، در حالی که مسیحیان غیر صهیونیست، کلیسا را اسرائیل حقیقی می‌دانند و معتقدند پیش‌بینی عهد عتیق درباره سلطنت، در کلیسا تحقق می‌یابد.^۱

البته ادعای قوم برگزیده و نیز سرزمین موعود، مشروط به اطاعت از دستورات خدا بوده است. بنا بر نقل کتاب مقدس یهودی، بارها به بنی اسرائیل هشدار داده شده که در صورت عصیان در برابر خدا، در میان ملت‌ها پراکنده خواهند شد،^۲ در حالی که اعتراف آنان به گناهان خود، سبب می‌شود خدا با یادآوری عهد خود با یعقوب و اسحاق و نیز عهد با ابراهیم عليه السلام، این سرزمین را نیز یاد کند.^۳

البته صهیونیست‌های مسیحی همواره مشروط بودن پیمان‌ها را به نفع حق نامشروط اسرائیل نادیده گرفته‌اند.

۱. همان، ص ۲۶۶.

۲. کتاب مقدس؛ لاویان ۲۶: ۳۳.

۳. همان، ۴۲: ۲۶.

۲. ادعای مالکیت یهودیان بر نیل تا فرات

بسیاری از صهیونیست‌های مسیحی معتقدند مرزهای کنونی اسرائیل، به انضمام مناطق اشغالی مورد مناقشه، بخشی از زمین‌هایی است که خدا به قوم یهود اختصاص داده است. از این رو، اسرائیل را به اشغال این سرزمین از طریق زور تشویق می‌کنند. ادعای «از رود مصر تا رود فرات» بخشی از مصر، لبنان، سوریه و نیز کرانه غربی دریای مدیترانه را دربر می‌گیرد، در حالی که یهودیان هیچ‌گاه در تاریخ، حتی در دوره پادشاهی داوود و سلیمان عليه السلام نیز مالک همه سرزمین مقدس نبوده‌اند.

۳. حمایت از تجدیدنای معبد

جایگاه معبد سلیمان عليه السلام، از مسائل مهم مسیحیان صهیونیست است. از نظر آنان، بنای معبد یهودی، نه تنها در کتاب مقدس دستور داده شده؛ بلکه تجدیدنای آن قریب الوقوع است. از این رو، از کسانی که در جهت رسیدن به این امر اقدام کرده‌اند، فعالانه حمایت می‌کنند.

از نظر آنان، تجدیدنای معبد سلیمان عليه السلام، مهم‌ترین نشانه بازگشت نزدیک عیسی مسیح عليه السلام است. صهیونیست‌های مسیحی و یهودی معتقدند مسجدالصخره مسلمانان باید از بین برود. آنان گمان می‌کنند سومین معبد یهود بنا خواهد شد، کاهنان تقدیس می‌شوند و قربانی‌ها بار دیگر برای تحقق پیش‌گویی کتاب مقدس و تسریع آمدن عیسی مسیح عليه السلام برقرار می‌شود.^۱

۴. باور به جنگ آرماگدون در آخرالزمان

حمایت مسیحیان از تجدیدنای معبد یهودیان، همواره با اعتقاد به جنگ قریب الوقوع آخرالزمان که در تاریخ بشری سابقه است، پیوند داشته، صهیونیست‌های مسیحی به تعبیر «دان واگنر»^۲، حقیقتاً مشتاق آرماگدون هستند.^۳ آنان بر این عقیده‌اند که در منطقه فلسطین میان دو جبهه خیر و شر جنگی درخواهد گرفت.

۱. صهیونیسم مسیحی، ص ۳۱۶.

Don Wagner. ۲

۳. صهیونیسم مسیحی، صص ۳۲۶ - ۳۲۸.



آنان در این میان خود را جبهه خیر و دشمنان خود را شرّ می‌دانند و معتقدند در این نبرد نیروهای اهریمنی در برابر خدا و نیز قوم اسرائیل شکست خواهند خورد. حضرت عیسی علیه السلام در آن هنگام به عنوان مسیحا و پادشاه یهودیان بازخواهد گشت تا به مدّت هزار سال در بیت المقدس سلطنت کند و یهودیان از جایگاه و نقش ممتازی در دنیا برخوردار خواهند شد.

نفوذ مسیحیت صهیونیستی در دولت آمریکا

بسیاری از رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا، از جمله: جیمی کارتر، رونالد ریگان، جورج بوش و ترامپ، دارای تفکر مسیحیت صهیونیستی بوده و هستند. کارتر در سخنرانی خود در سال ۱۹۷۸ م درباره اسرائیل، گفت: «کشور اسرائیل نهایتاً بازگشت به سرزمین کتاب مقدس است که یهودیان بیش از صدها سال پیش، از آن رانده شدند... شکل‌گیری ملت یهود، تحقق پیش‌گویی کتاب مقدس است.»^۱ وی به عنوان حامی صهیونیست‌ها و پایه‌گذار مصالحه کمپ دیوید، بعد از پایان دوره ریاست جمهوری اش در کتابی با عنوان «فلسطین؛ صلح نه، تبعیض»^۲ به عهدشکنی‌های سران اسرائیل اشاره و از سیاست‌های دوگانه آمریکا در زمینه صلح انتقاد کرد.^۳

«رونالد ریگان» نیز براساس قرائت خود از کتاب مقدس،^۴ تأکید می‌کرد که زمان نبرد آرماگدون نزدیک است و اسرائیل به زودی مورد حمله کشورهای تبهکاری هم چون لیبی و اتیوپی قرار خواهد گرفت. او در پاسخ به این‌که: اگر روزی در آینده اسرائیل در اثر حمله کشورهای دشمن در معرض نابودی قرار بگیرد، آمریکا چه باید بکند؟ گفت: «ما به اسرائیل قول داده‌ایم که از این کشور حفاظت کنیم... ما دارای وظیفه، مسئولیت و سرنوشت هستیم».^۵

۱. همان، ص ۱۶۰.

۲. Palestine: Peace not Apartheid.

۳. فلسطین صلح نه، تبعیض، جیمی کارتر، ترجمه: مهران قاسمی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۶ ش، صص ۱۰-۱۱.

۴. کتاب مقدس؛ حزقیال؛ باب ۳۸.

۵. ر.ک: صهیونیسم مسیحی، صص ۱۶۰-۱۶۲؛ الصهیونیة المسيحية، محمد السماک، دارالنفائس، بیروت، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹.

انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور، باعث پیشبرد چشم‌گیر آرمان مسیحیت صهیونیستی شد؛ آن‌گونه که برخی از مناصب مهم سیاسی به چند تن از مسیحیان صهیونیست سپرده شد. «جورج بوش» پدر، «بیل کلینتون» و «جورج بوش» پسر نیز موضع سرسختانه اسلاف خود در حمایت از صهیونیسم را ادامه دادند. سیاستمداران، نظرات رأی‌دهندگان یا حداقل نظرات گروه‌های فشار را منعکس می‌کنند و گروه‌های فشار صهیونیست، قدرتمندترین گروه‌ها در آمریکا هستند. سه نفر از رهبران مسیحی که تریبون کاخ سفید را از ریگان دریافت کردند، در چهل یا پنجاه سال گذشته توانسته‌اند تضمین‌کننده طرفداری سیاست خارجی آمریکا از صهیونیست باشند.

ارتباط مسیحیت صهیونیستی با اسرائیل

مسیحیت صهیونیستی با حمایت از اسرائیل، تسهیل مهاجرت یهودیان، حمایت از برنامه شهرک‌سازی، اعمال فشار برای شناسایی بین‌المللی اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل، تأمین بودجه بازسازی معبد سلیمان، مخالفت با روند صلح، تشدید وخامت روابط با جهان عرب و تسریع آزماگدون، همواره با اسرائیل در ارتباط بوده‌اند. رؤسای جمهور آمریکا، از «روزولت» تا «ترامپ» و «بایدن»، تحت تأثیر فشارهای لابی یهودی - صهیونیستی آمریکا قرار داشته‌اند.^۱ گروه فشار حامی اسرائیل در انتخاب، انتصاب و برکناری مقامات و منصوبان دولتی ایالات متحده دخالت دارد.^۲

مسیحیان با توجیه نظامی این مرزهای گسترده، پذیرش سپس برنامه شهرک‌سازی در بیت المقدس شرقی عربی و شهر کهن بیت المقدس و نیز حمایت اقتصادی از جنبش مهاجران، نقش به‌سزایی در تحقق عینی سرزمین اسرائیل ایفا کرده‌اند.^۳ صهیونیست‌های مسیحی معتقدند که بیت المقدس، پایتخت انحصاری و یکپارچه یهودیان است و باید پس از این نیز باشد. از این رو، با هرگونه پیشنهاد حاکمیت مشترک یا ایجاد پایتخت فلسطینی در بیت المقدس شرقی به شدت مخالف‌اند.

۱. یهود و صهیونیسم، احمد کریمیان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ش، ص ۶۶.

۲. صهیونیسم مسیحی، صص ۴۰۴-۴۰۶.

۳. همان، صص ۴۲۳-۴۲۵.

از نظر صهیونیسم، هیچ مصالحه‌ای نمی‌تواند صورت گیرد. آن‌ها تلاش می‌کنند با ترغیب دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده، به انتقال سفارتخانه‌های شان به بیت المقدس، این شهر به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته شود. سرانجام با فشار لابی‌های صهیونیستی یهودی و مسیحی، در تاریخ ۱۴ می ۲۰۱۸ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ ش) در هفتادمین سالگرد تأسیس اسرائیل - که فلسطینیان آن را یوم النکبة (روز مصیبت و بدبختی) می‌نامند - به دستور «دونالد ترامپ» سفارت ایالات متحده آمریکا به بیت المقدس انتقال یافت. ترامپ در سخنان خود گفت: «این اتفاق باید سال‌ها پیش رخ می‌داد.» و ادعا کرد: «انتقال سفارت، بزرگ‌ترین امید ما برای برقراری صلح در منطقه است.»

وی برای ابراز خوش خدمتی خود به صهیونیست‌های یهودی و مسیحی، به خیال خام خود، طرح «معامله قرن» یا همان کلاه برداری قرن را مطرح کرد. اعلام پایتختی بیت المقدس برای رژیم صهیونیستی و انتقال سفارتخانه آمریکا و طرح معامله قرن، بیش از آن که متأثر از سیاست خارجی و منافع آمریکا باشد، عمدتاً بُعد دینی دارد؛ زیرا این کار خواسته اונجلیکال‌های آمریکایی یا همان مسیحیان بنیادگرا و صهیونیست آمریکاست.^۱

آنچه از نظر صهیونیست‌های یهودی حیاتی است، ساخته شدن معبد آینده یهود در همان مکان معبد سلیمان است. رایج‌ترین نظریه مورد پذیرش برخوردار از حمایت سنتی و اتفاق نظر باستان‌شناسان کنونی اسرائیل، این است که مکان معبد همان مکان مسجد صخره است. بیش‌تر یهودیان سنتی معتقدند که مسجد صخره باید پیش از تجدید بنای معبد بزرگ، از بین برود. مسیحیان بنیادگرا و صهیونیست، دشمن روند صلح خاورمیانه هستند و همواره از اسرائیل حمایت می‌کنند و ملت آمریکا و اسرائیل را مانند دوقلو می‌دانند. آنان نه تنها به واسطه منافع شخصی مشترک؛ بلکه به واسطه بنیان‌های دینی همانند، به یکدیگر مرتبط‌اند.

۱. مسیحیت انجیلی بررسی گسترش اونجلیکالیسم در جهان امروز، محمد مسجد جامعی و مصطفی رستگار، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۸۳.

آمریکا و اسرائیل، خود را علیه جهان شیطانی، متحد یکدیگر می‌دانند. مسیحیان صهیونیست خیال می‌کنند به جنگ دنیای اهریمنی تحت حاکمیت رژیم‌های استبدادی کمونیستی و اسلامی رفته‌اند که مخالف ارزش‌های دموکراتیک یهودی-مسیحی آمریکا و اسرائیل هستند. آنان به همان میزان که به اسرائیل علاقه دارند، از اعراب متنفرند. تبعیض‌های ضد عرب و تصوّرات کلیشه‌ای خاورشناسان، در نوشتارهای آنان مشترک است. از نظر خاورشناسان، غرب آزاداندیش، صلح‌جو، اهل منطق و قادر به پذیرش ارزش‌های واقعی پنداشته می‌شود، در حالی که خاورمیانه این‌گونه نیست و حتی گاه ملت‌های عرب را وحشی (و گاو شیرده) می‌خوانند. در واقع تنفر از اعراب با نگرش‌های نژادپرستانه نسبت به فلسطینیان مطابقت و همراه است.^۱

دفاع از امنیت اسرائیل، اغلب مسیحیان صهیونیست را به انکار حقوق انسانی اساسی و یکسان برای فلسطینیان سوق داده است. نژادپرستی چنان آنان را کرو و کور کرده است که فلسطینیان مسلمان را - که از فرزندان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام هستند - با کنعانیان مشرک آن زمان یکی می‌دانند. آنان پا را فراتر گذاشته، مسلمانان را شیطانی خواندند، در حالی که همواره ادعای یک جانبه اسرائیل بر مناطق اشغالی را به رسمیت شناخته و با آرمان‌های فلسطین برای خودمختاری مخالفت کرده‌اند. از نظر آنان، نمی‌توان به فلسطینیان با کشوری در قلب اسرائیل اعتماد کرد.^۲

دشمنی مسیحیت صهیونیستی با مسلمانان

مسیحیت صهیونیستی، دین اسلام را دشمن اصلی خود می‌داند و به اشکال مختلفی با آن دشمنی می‌کند. از جمله:

۱. تضعیف و تخریب اسلام

دشمن صهیونیستی افزون بر حمله نظامی و اشغال سرزمین‌های اسلامی، به دنبال

۱. صهیونیسم مسیحی، صص ۴۴۷-۴۵۰.

۲. همان، ص ۴۵۹.

از بین بردن اعتقادات دینی و شریعت اسلام است؛^۱ زیرا قوی ترین سلاح برای نابودی یک امت، چنگ انداختن بر بنیان اعتقادی آنان می باشد. از این رو، به آسیب زدن و تشکیک در مورد اسلام روی آورده اند.^۲ آنان می کوشند با ابزار تبلیغات گسترده، چهره اسلام را خراب کنند، تا راه بر دعوت اسلامی بسته شود.

هم چنین، ضمن معرفی اسلام به عنوان دینی ارتجاعی و ضد تمدن، شبهاتی را درباره اسلام و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطرح می کنند و برای تحریک مسلمانان به انجام اعمال خشونت آمیز، به وسیله کاریکاتور و مانند آن، به مقدسات اسلامی از جمله به قرآن و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهانت می کنند.^۳ حمایت گسترده از جریان مسیحیت تبشیری، از دیگر اقدامات آنان است.^۴

۲. تضعیف کشورهای اسلامی

یکی از سیاست های صهیونیست های یهودی و مسیحی، ایجاد تفرقه در جهان اسلام است تا از قدرت عظیم اتحاد بیش از یک میلیارد مسلمان جلوگیری کنند و برای این کار، همواره روابط میان آن ها را کنترل می کنند تا مانع استحکام روابط سیاسی و اقتصادی میان آن ها شوند. مانند دامن زدن به تنش های میان ایران و عربستان سعودی، ایران و امارات متحده درباره جزایر سه گانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز میان مصر و سایر کشورهای اسلامی آفریقایی.

از آنجا که ایران قدرت بزرگی در برابر اسرائیل است، همواره می کوشند میان ایران و دیگر کشورهای اسلامی تنش ایجاد کنند.^۵ آن ها می کوشند کشورهای اسلامی را دچار تجزیه کنند.^۶ از این رو، از ایجاد تفرقه و نزاع میان شیعه و سنی به عنوان یکی

۱. همان، ص ۳۳۱.

۲. الصهيونية النصرانية، محمد بن عبدالعزيز العلي، دار كنوز اشبيليا، رياض، ۱۴۳۰ق، ص ۴۱۶.

۳. همان، صص ۲۳۳-۲۳۴.

۴. به زودی کتاب «مسیحیت تبشیری» به قلم نگارنده، توسط نهاد مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهَا در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور منتشر خواهد شد.

۵. عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، علی جدید بناب، مؤسسه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهَا، قم، ۱۳۸۵ش، صص ۳۴۷-۳۴۸.

۶. الصهيونية النصرانية، صص ۲۶۶-۲۶۷.

از فتنه‌های قدیمی^۱ و تعصب و اختلافات مذهبی، بیش‌ترین استفاده را می‌کنند و برای این‌که مانع قدرت یافتن کشورهای اسلامی، به خصوص کشورهای محور مقاومت مثل ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان شوند، از هیچ تلاشی برای تغییر حکومت، از جمله فعالیت‌های جاسوسی تا حمله نظامی مستقیم یا غیرمستقیم، تحریم‌های اقتصادی، راه‌اندازی جنگ، مثل جنگ ایران و عراق و مانند آن فروگذار نمی‌کنند. ترور دانشمندان اسلامی، از دیگر برنامه‌های آنان است.

«عاطف محمد نجیب المطیعی» فهرستی از دانشمندان مصری و لبنانی را که از طرف جریان صهیونیستی به قتل رسیده‌اند، در کتاب خود آورده است. در کشور عزیزمان ایران نیز می‌توان به شهدای هسته‌ای اشاره کرد. در این جریان، صهیونیسم یهودی و مسیحیت صهیونیستی هم‌داستان هستند.^۲

۳. اسلام‌هراسی

حادثه «۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م»، انزجار از اسلام را در دستور کار مسیحیان بنیادگرا و صهیونیست آمریکا قرار داد. کشیش «بت روبرتسون» درباره اسلام گفت: «اسلام، دین تروریسم بوده، هدف مسلمانان، سیطره بر جهان است.» درباره مسلمانان آمریکا نیز می‌گوید: «آن‌ها هسته‌های تروریستی را برای نابودی آمریکا ساماندهی می‌کنند».

«فرانکلین گراهام» اسلام را «دین شیطان در شرارت» می‌نامد و «گری فالول» اسلام را دین تزویر معرفی می‌کند.^۴ این موضع‌گیری‌ها سبب شد «جورج بوش» چند ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، سه کشور، از جمله ایران و عراق را محور شرارت بنامد. مسیحیت صهیونیستی با ایجاد اسلام‌هراسی از طریق رسانه‌های مختلف، می‌کوشد تصویر نادرستی از مسلمانان به غربی‌ها و جهان ارائه کند. آن‌ها با استفاده از موارد ذیل، اسلام‌هراسی را ترویج می‌کنند:

۱. عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، ص ۲۶۷.

۲. همان، ص ۲۳۸.

۳. الصهیونیة النصرانیة، صص ۴۱۹-۴۲۰.

۴. رک: جایگاه صهیونیست‌های مسیحی در آمریکا، حسین صلواتی‌پور، نشر راه نیکان، تهران، ۱۳۹۰ش، صص ۱۵۹-۱۴۶۲؛ بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم مسیحی و انگاره موعودگرایی، محسن قنبری آلانق، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۲.

الف. ایجاد هراس از بمب هسته‌ای اسلامی: اگرچه برخی کشورها دارای سلاح هسته‌ای هستند و اسرائیل علاوه بر داشتن سلاح‌های هسته‌ای، از زیر امضای هرگونه تعهدات بین‌المللی مانند NPT علناً شانه خالی می‌کند؛ اما فقط در مورد جهان اسلام است که داشتن آن را به دین ربط داده‌اند.

مسیحیان صهیونیستی تلاش می‌کنند از مطرح کردن عنوان بمب هسته‌ای اسلامی، مسیحیان معتدل را نیز بر ضد مسلمانان تحریک نموده، به این بهانه، کمک‌های نظامی بیش‌تری به اسرائیل ارائه کنند.

ب. ایجاد هراس از اسلام سیاسی: آن‌ها در دوره‌های اخیر، در مقالات و نوشته‌های خود نسبت به دست یافتن جهان اسلام به قدرت سیاسی هشدار می‌دهند؛ زیرا می‌خواهند مسلمانان صرفاً یک دین عبادی داشته باشند که تنها به نماز، روزه، حج و زکات اکتفا کنند، فقط به واجبات‌شان پردازند یا برای خودشان اجتماعات صوفی‌گری و مانند آن داشته باشند. آن‌ها می‌کوشند شعار «اسلام عبادی آری، اسلام سیاسی خیر» را در جوامع اسلامی مطرح کنند.

ج. ایجاد هراس از اسلام شیعی (ایران): «فرانسیس فوکویاما» نویسنده آمریکایی، بنیادگرایی اسلامی را فاشیستی قلمداد می‌کند. تبلیغات غربی با معرفی برخی گروه‌های افراطی به‌عنوان نماینده جهان اسلام، در واقع کل جهان اسلام را به‌عنوان بنیادگرایی اسلامی مورد هجمه قرار می‌دهند و اعلام می‌کنند که بنیادگرایی اسلام با دموکراسی، آبادی و برابری سازگاری ندارد. آن‌ها می‌خواهند بگویند تنها دولتی که در شرق حقوق بشر را رعایت می‌کند، دولت اسرائیل است.^۱

مسیحیان صهیونیستی با تبلیغات گسترده، حوادث ۱۱ سپتامبر را به مسلمانان نسبت دادند و چهره خشن افرادی مثل «اسامه بن لادن» را که لقب «سلطان وحشت» به او داده بودند، به‌عنوان نماینده اسلام معرفی کردند. با تبلیغات آنان، مردم آمریکا مسلمانان را افرادی تروریست، افراطی و بنیادگرا می‌دانند و شناخت درستی از اسلام ندارند.^۲

۱. المنظمات الصهيونية المسيحية و خطرهما على المسلمين، احمد تهامي سلطان، مكتب التراث الاسلامي، قاهره، صص ۱۹۲-۲۰۴.

۲. ر.ک: به خاطر صهیون، فؤاد شعبان، ترجمه: یاسر فرحزادی، ص ۳۰۲.

یکی از مواردی که به وسیله آن اسلام‌هراسی مطرح می‌شود، مسئله ایران اتمی است. دشمن صهیونیستی یهودی و مسیحی برای جلوگیری از پیشرفت و نفوذ ایران اسلامی، دستیابی ایران به بمب اتمی را بهانه مقابله با این کشور قرار داده است. با توجه به این که مسیحیان صهیونیستی جنگ آرماگدون در آخرالزمان را جنگ هسته‌ای می‌دانند، اصرار دارند که ایران را دارای قدرت هسته‌ای معرفی کنند تا بهانه بیش‌تری برای دشمنی با ایران اسلامی داشته باشند.^۱

چگونگی مواجهه مسلمانان با مسیحیت صهیونیستی

۱. حفظ و تقویت وحدت جهان اسلام

جهان اسلام باید با کسب اطلاعات و آگاهی نسبت به عوامل سیاسی شکل‌گیری جریان صهیونیستی، قدرت تشخیص مصالح و بصیرت خود درباره فتنه‌ها و دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه را افزایش دهد.

مسلمانان باید نسبت به سیاست تفرقه‌افکنی صهیونیست‌ها - که همان سیاست قدیمی استعمارگر پیر؛ یعنی انگلستان است - هوشیار باشند تا در دام منازعات سیاسی و منطقه‌ای تجزیه‌طلبانه و نیز دام منازعات فرقه‌ای شیعه و سنی نیفتند و با وحدت کلمه، در برابر قدرت‌های زورگو مانند اسرائیل متحد شوند. به همین دلیل مقام معظم رهبری علیه‌السلام پیوسته می‌فرمایند: «تفرقه و اختلاف میان ملت‌های مسلمان، سم مهلک است. از این باید اجتناب کنیم».^۲

۲. تقویت قدرت نظامی

از جمله وظایف مسلمانان، بالا بردن توان نظامی و قدرت مبارزه و جهاد در راه خداست: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛^۳ «هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید... تا با آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید...» قدرت نظامی کشورهای اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد

۱. همان.

۲. بیانات رهبری علیه‌السلام در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ: ۱۳۹۱/۵/۲۹؛ سایت:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20807>

۳. انفال/ ۶۰.

که دشمنان صهیونیستی خیال هجوم به سرشان نزند. همان طور که در دو عملیات وعدهٔ صادق ۱ و ۲، اسرائیل تا حدّ زیادی حساب دستش آمد و برخی افراد داخل نیز فهمیدند که چرا مقام معظم رهبری حفظه الله می فرماید: «قدرت نظامی برای کشوری که مورد تهدید قدرت هاست، یکی از واجب ترین واجبهاست»^۱.

۳. بالا بردن میزان تاب آوری جامعهٔ اسلامی

مهم ترین نکته در مقابله با دشمنان سرسخت صهیونیستی، میزان مقاومت و تاب آوری جامعه در حدّ مطلوب است. حفظ و ارتقای میزان تاب آوری جامعه در عرصه های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، اهمیت دارد. از نظر اعتقادی و فرهنگی، باید از تعلیم و تربیت اسلامی و تحکیم باورهای دینی مراقبت شود و از نظر سیاسی و اجتماعی، باید شور و نشاط انقلابی مردم برای حضور در صحنه های سیاسی و اجتماعی را حفظ کرد. بنابراین، باید یاد و خاطرهٔ مجاهدت های شهیدانی چون حاج قاسم سلیمانی رحمه الله زنده نگه داشته شود.

ضربه زدن از راه اقتصاد، از توطئه های صهیونیست های یهودی و مسیحی و از کمین گاه های آنان است. آنان می کوشند با شیوه های ظالمانه، ایجاد تنگناهای اقتصادی مانند تحریم و فشار بر مردم، آنان را به شورش یا بی تفاوتی نسبت به کودتا علیه نظام بکشانند؛ اما نظام اسلامی باید کارآمدی خود را نشان دهد و با اعتماد سازی، بهره گیری از اقتصاد مقاومتی، افزایش و حمایت از تولیدات داخلی و رفع وابستگی به خارج از کشور، اجازه ندهد جامعهٔ اسلامی گرفتار بحران های اقتصادی شود.

۱. بیانات رهبری حفظه الله در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار، مورخ: ۱۳۷۶/۷/۵؛ سایت:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2856>.

شهادت مزد مجاهدت

محمدحسین افشاری

مقدمه

گرچه شهادت مجاهد خستگی ناپذیر، رهبر جبهه مقاومت، شهید سید حسن نصرالله علیه السلام برای کل جبهه مقاومت سنگین و غم از دست دادن او تسلی ناپذیر است و حقیقتاً جهان اسلام و محور مقاومت و حزب الله، شخصیت بی نظیری را از دست داده؛ ولی دشمن باید بداند که با به شهادت رساندن سید حسن علیه السلام و امثال او، نمی تواند در جبهه مقاومت خللی وارد کرده و حق گروی این جبهه را به سمت باطل بکشانند یا مانع ظلم ستیزی آن گردد.

جبهه باطل باید بداند که در طراحی دستگاه توحیدی، شهادت شکست نیست؛ بلکه خود حیاتی واقعی است که غایت خلقت بر مدار آن می گردد. سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی علیه السلام چه زیبا گفته است که: «غایت خلقت جهان، پرورش انسان هایی است که در برابر شداید بر هرچه ترس و شک و تردید و تعلّق است، غلبه کنند و حسینی شوند.» و در جای دیگر، عالم را محضر شهدا می داند: «عالم محضر شهداست؛ اما کو محرمی که این حضور را دریابد و در برابر این خلأ ظاهری خود را نبازد... زمان می گذرد و مکان ها فرو می شکنند؛ اما حقایق باقی است.»

مجاهدت و تلاش در راه خدا، رزق و روزی شهادت را در پی خواهد داشت. همان شهادتی که خدا تعالی خود گواه بر حیات ایشان و متکفل رزق و روزی آنان است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾؛ «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان اند؛ بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می گیرند».

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در مورد این آیه می فرمایند: «لکن تأکیدی که در این آیه شریفه هست؛ لَا تَحْسَبَنَّ، تأکید خیلی واضحی است؛ یعنی خیلی مؤکد بیان می کند. اولاً با فعل حَسِبَ [بیان می کند؛ یعنی] حتی تصوّر نکنید، به ذهنتان خطور ندهید که شهدا مرده هستند؛ ثانیاً با نون تأکید [بیان می کند]. بَلْ أحياء؛ زنده اند. نوع زندگی این ها را خدای متعال برای ما شرح نداده که چگونه است؛ لکن [می فرماید]: [أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ در حریم ربوبیت اند، در حریم الوهیت قرار دارند. این بالاتر از این حرف هایی است که ما در باب زنده بودن به عقل مان می رسد؛ یک چیزی فراتر و بالاتر از این حرف هاست».^۱

مزد مجاهدت

سید حسن نصرالله رحمته الله علیه پس از عمری مجاهدت و تلاش در راه مبارزه با جبهه باطل (اسرائیل و مستکبرانی مثل آمریکا، انگلیس، فرانسه و...)، نهایتاً در روز جمعه ۶ مهرماه ۱۴۰۳ به دست دشمن بشریت، صهیونیست تروریست و با تسلیحات آمریکایی ندای حق را لبیک گفت و مزد ۳ دهه مجاهدت و مدیریت خود بر حزب الله لبنان را با مدال شهادت دریافت کرد.

او که سال ها در مقابل تجاوزات و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی ایستاده و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کرده بود، در سال ۱۹۹۲ م و پس از شهادت سید عباس موسوی رحمته الله علیه، دبیرکل وقت حزب الله لبنان، با اجماع شورای رهبری حزب الله، دبیرکل جدید این جنبش شناخته شد.

۱. آل عمران/ ۱۶۹.

۲. بیانات رهبری رحمته الله علیه در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای استان اردبیل مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.



سید عمری به دنبال شهادت بود و آنچه آرزویش را داشت، در آغوش گرفت و چگونه کسی که آرزوی رسیدن به معشوقش را دارد، از در آغوش گرفتن آن ترس داشته باشد؟! امثال این مجاهدان در راه خدا بزرگ‌تر از آن هستند که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزنند. خدای تعالی در آیه ۲۳ احزاب می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾؛ «از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، پس برخی از آنان پیمان‌شان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نایل آمدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می‌برند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمان‌شان] ندادند».

شیخ طوسی رحمته الله در مورد این آیه می‌گوید: چنین روایت شده که این آیه درباره حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و امام علی علیه السلام نازل شده و منظور از «فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ» حمزه و جعفر علیهما السلام است و مقصود از «وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ» حضرت علی علیه السلام می‌باشد.

از میان مؤمنین، همه مؤمنین این‌گونه نیستند؛ بلکه عده خاص و برگزیده این‌گونه‌اند که پای عهدشان با خدا (پایداری در میدان مبارزه با دشمن و فرار نکردن) صادقانه می‌مانند، پس عده‌ای از آن‌ها شهید می‌شوند و برخی نیز جزء منتظران شهادت می‌مانند و تغییر نمی‌کنند. انتظار شهادت و استقامت بر راه حق، وظیفه سختی است که برخی از مؤمنان توان انجام آن را دارند؛ چراکه این انتظار باید همراه با مجاهدت باشد و در نهایت، مزد این مجاهدت، چیزی جز همان شهادت که وعده الهی است، نمی‌تواند باشد.

سید حسن نصرالله رحمته الله عاشق شهادت بود و برای رسیدن به آن لحظه شماری می‌کرد. این نوع انتظار را می‌توان در سیره ائمه معصومین علیهم السلام دید. مانند امیرالمؤمنین علیه السلام که گریه می‌کرد و به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض می‌کرد: یا رسول الله! چرا من شهید نمی‌شوم؟ حضرت می‌فرمودند: علی جان! نگران نباش؛ تو هم روزی شهید خواهی شد. این سیره خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بود؛ چراکه ایشان نیز عاشق شهادت بودند.



پیغمبر ﷺ می فرمایند: «والذی نفسی بیده ﴿لَوْلَا أَن رَّجَلَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَطِيبُ أَنْفُسَهُمْ﴾ لوددت انی اقتل فی سبیل الله، ثم أحياء ثم اقتل ثم أحياء ثم اقتل ثم احياء ثم اقتل؛ قسم به آن کس که جانم به دست اوست (اگر نبود این که جمعی از مؤمنین خوش نداشتند) دوست داشتم در راه خدا نه چندین کشته شوم، دوباره زنده گشته و باز کشته گردم».

آری، مزد مجاهدت، چیزی جز شهادت نیست و شهادت نیز چیزی جز مزد مجاهدت در راه خدا نیست و چه زیبا معامله ای است این معامله که تو در راه او، با توفیقی که از سوی خودش نصیب شده است و با بدنی که خود او به تو داده، مجاهدت کنی و او اجر این مجاهدت را با شهد شیرین شهادت بر روح تو جاری سازد. کوله باری پر ز مهر انبیا دارد شهید

سینه ای چون صبح صادق، باصفا دارد شهید

این نه خون است ای برادر! بر لب خشکیده اش

بر لب خونزنگ خود، آب بقا دارد شهید

گرچه در گرداب خون، خوابیده آرام و خموش

با نوای بینوایی، بس نوا دارد شهید

کعبه دل را زیارت کرده با سعی و صفا

در ضمیر جان خود، گویی منا دارد شهید

آنچه باید در این میان دشمن صهیونیسم بداند، آن است که خون شهید سید حسن نصرالله رحمه الله در تاریخ جاری خواهد ماند و کوبنده تر از گذشته، ضربات مهلک و سختی تری بر پیکر ظالمانه ایشان خواهد زد. به زودی ثمره خون شهیدان، زوال و نابودی رژیم صهیونیستی را برای جهان اسلام به ارمغان خواهد آورد و خون شهید قدس، قدس را به مسلمانان برمی گرداند.

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱، باب تمنی الشهادة.

ضعف اعتماد به امام رمز پیروزی دشمن

جواد سلیمانی

تجربه تاریخ صدر اسلام حاکی از آن است که هرگاه اعتماد امت به امام آسیب دید، بستر غلبه دشمن فراهم شد و هرگاه اعتماد امت به امام برقرار بود، کار بر دشمن سخت و بستر پیروزی امت فراهم شد. در زمان حیات پیامبر ﷺ امت به آن حضرت اعتماد داشت و در جنگ و صلح، اکثر مسلمانان تابع تصمیم رسول خدا ﷺ بودند. از این رو، قله های پیروزی یکی پس از دیگری فتح شدند، به طوری که در سال هفتم هجری، رسول خدا ﷺ سلاطین بزرگ عالم را با صلابت به اسلام دعوت کرد؛ اما بعد از رسول خدا ﷺ به واسطه لغزش و خیانت برخی، اعتماد امت به امام از بین رفت و به دنبال آن، جاهلیت قبل از بعثت به طور شگفت آوری بازگشت و حکومت اسلامی بار دیگر در دست بدترین خاندان کافر قریش؛ یعنی بنی امیه قرار گرفت. آنان نیز برای جدا کردن مردم از اهل بیت علیهم السلام ابتدا فتنه ای برپا می کردند که تشخیص حق از باطل در آن دشوار شود و حتی خواص نیز به اشتباه افتاده، تشخیص شان با تشخیص امام متفاوت گردد، سپس خواص روی تشخیص خود پافشاری می کردند و برای تشخیص خود اصالت قائل می شدند خود و مردم را از امام جدا می کردند.

در جریان جنگ صفین، وقتی معاویه دید به شکست نزدیک شده است، دستور داد قرآن ها را بر سر نیزه ها بزنند و مسلمانان سپاه امیرالمؤمنین علی را به حکم قرآن

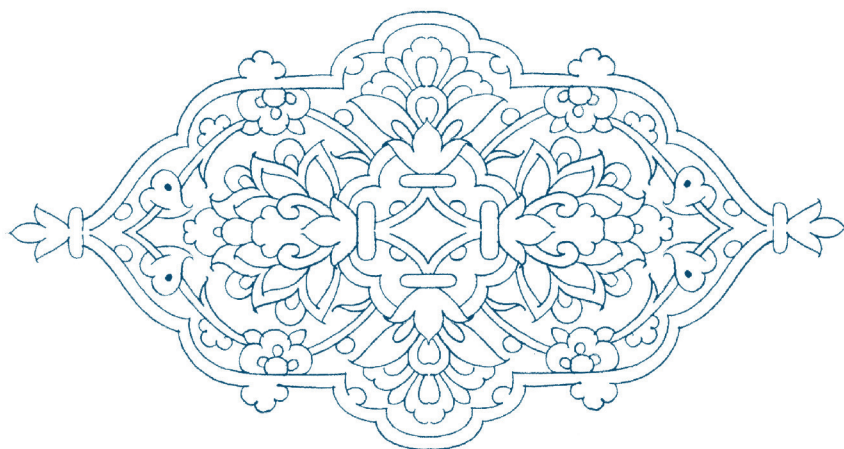
برای رفع مخاصمه دعوت کنند. امام علیه السلام فرمودند: به جنگ ادامه دهید که یک قدم تا پیروزی بیش تر نمانده؛ ولی برخی از خواص فریب خورده، گمان کردند این جنگ به معنای جنگ با قرآن است، امام فرمودند: «أیها الناس، إینه قد بلغ بکم و بعدوکم الأمر إلی ما ترون، و لم یبق من القوم إلا آخر نفس، فتأهبوا رحمکم الله لمناجزة عدوکم غداً، حتی یحکم الله بیننا و بینهم و هو خیر الحاکمین؛ ای مردم! کار شما با دشمنان به این جایی که مشاهده می کنید، رسیده و برای شامیان غیر از نفس آخر، باقی نمانده. خدا رحمت تان کند! خود را برای پیکار با دشمن آماده کنید! خدا بین ما و شما حکم کند؛ او بهترین حکم کنندگان است». آنان به حضرت اعتماد نکردند و با تحمیل آتش بس و حکمیت بر امیرمؤمنان علیه السلام مانع به نتیجه رسیدن جنگ سرنوشت ساز صفین و کشته شدن ریشه فساد؛ یعنی معاویه شدند.

در زمان امام حسن علیه السلام نیز معاویه مسئله صلح را مطرح کرد و امام مخالف بود و خواهان استمرار جنگ شد؛ ولی برخی از خواص به آن حضرت اعتماد نکردند و اکثر لشکر امام را به سوی تمنای صلح و ترک جنگ کشاندند. در آن جا نیز خواص صلح را بر حضرت تحمیل کردند و بستر سلطه کامل بنی امیه را بر جهان اسلام فراهم کردند. وقتی امام دید اکثر افراد صلح می خواهند و یاری برای جنگ ندارد، از بیم جان شیعیان و نابودی اسلام صلح را پذیرفت و طعنه ها را به جان خرید؛ اما خطاب به برخی فرمود: «لما رأیت الناس ترکوا ذلک إلا إهله خشیت أن تجتثوا عن وجه الأرض فأردت أن یكون للذین فی الأرض ناعی؛ وقتی دیدم جز عده معدودی جهاد را ترک کردند، ترسیدم شما از روی زمین ریشه کن شوید. از این رو خواستم (با صلح) روی زمین فریادزنی باقی بماند».

بار دیگر برخی از یاران امام حسن علیه السلام به این تصمیم آن حضرت اعتراض کردند و تعابیر ناروایی نسبت به امام به کار بردند و بدین سان از مدار شیعیان ناب خارج شدند. امام در پاسخ به کسی که وی را پس از پذیرش صلح، با جمله «یا منذل المؤمنین؛ ای خوارکننده مؤمنین» خطاب کرد، فرمودند: «ما أنا بمذلل المؤمنین ولکنی معز المؤمنین! انی لَمَا رأیتکم لیس بکم علیهم قوّة، سلمت الأمر لأبقي أنا

و أنتم بين أظهرهم، كما عاب العالم السفينة لتبقي لأصحابها، وكذلك نفسي و أنتم لتبقي بينهم؛ من خوارکننده مؤمنان نیستیم؛ بلکه عزت دهنده آنان هستیم؛ زیرا هنگامی که دیدم شما (شیعیان) را توان برابری و ایستادگی با آنان (سپاهیان شام) نیست، امر حکومت را وا گذاشتم تا من و شما (به رغم میل آنان) باقی بمانیم؛ همان گونه که شخص دانا یی یک کشتی را عیب دار می کند، تا برای مالکان و سرنشینانش باقی بماند (و از دست بُرد غارت گران و ظالمان محفوظ بماند). داستان من و شما چنین است، تا بتوانیم میان دشمنان و مخالفان باقی بمانیم».

امام علیه السلام در پاسخ به پرسش ابوسعید درباره علت پذیرش صلح با معاویه فرمودند: «و لولا ما أتيت لما تُرك من شيعتنا علي وجه الأرض احد إلا قُتل؛ اگر من این کار را انجام نمی دادم (و با معاویه صلح نمی کردم)، هیچ کس از شیعیان ما روی زمین باقی نمی ماند و همگی (به دست سپاهیان معاویه) کشته می شدند.» شواهد فوق نشان می دهد رمز اساسی پیروزی بر دشمن این است که جامعه اسلامی باید در شیوه برخورد با دشمن، تابع امام و ولی الهی جامعه باشد و تحلیل خود را بر تحلیل ایشان مقدم ندارد و انتظار نداشته باشد که گفتار و کردار ایشان تابع تحلیل های او باشد؛ وگرنه پیامدهای تلخ بی اعتمادی به امام و ولی تکرار می شود.



فرامتن نماز جمعه نصر

شمع - هم قلم

در پی برگزاری با شکوه نماز جمعه تاریخی تهران که برای نخستین بار طی چهار سال گذشته به امامت رهبر معظم انقلاب برگزار شد و با توجه به بازتاب‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که داشت و از آنجا که منطقه شرایط حساس و با اهمیتی را سپری می‌کرد؛ بلافاصله بعد از اتمام نماز جمعه، جلسه تحلیل پیرامون جمعه نصر و سخنرانی مقام معظم رهبری، برگزار گردید، جهت مشاهده کلیپ هرکدام از اساتید کیوآر کد (رمزینه) مرتبط را اسکن نمایید؛



حجت الاسلام قنبریان



حجت الاسلام پناهیان



حجت الاسلام راجی



حجت الاسلام سرلک



جلسه تحلیلی نماز جمعه نصر
پناهیان

ناتوی اسلامی نظریه راهبردی حضرت آقا

○○○○○

بیان حضرت آقا در نماز جمعه یک خط جدیدی را باز کرده است. منطق دفاع از کشورهای مظلوم رو حضرت آقا برای اولین بار اینطور صریح مطرح می کنند. این تعبیر کمربند راکه آقا بکار بردند یک تعبیر جدیدی است. در واقع آقا دارند حرکت می کنند به سمت یک حرکت ناتو اسلامی. این حرکت اگه تبدیل به یک پیمان نظامی شود، جهان چه می خواهد بگوید؟ پیمان بستیم.

●○○○○

shabaketabligh.ir

آقا سطح انقلابی گری را بالا بردند و انقلابی گری دیگر محدود به دفاع جانانه و انقلابی از وطن اسلامی نیست. انقلابی گری می رود به سمت اینکه ما از مجموع کشورهای اسلامی دفاع کنیم تا بتوئیم خودمان رو مضمون بداریم. یعنی «ما اگه از لبنان امروز دفاع نکنیم، پس فردا نوبت ماست» این یک اصل محرز سیاسی است. ما باید برای تبیین این رویکرد جدید کار کنیم. چطور باید کشورهای دشمن با هم هم پیمانی نظامی داشته باشند ولی کشورهای اسلامی هیچ کدام هم پیمانی نظامی نداشته باشند؟ شاید باید این را شروع کنیم به تبلیغ کردن.

○●○○○

shabaketabligh.ir

وضعیت مقاومت پیرومندان

در طول تاریخ بعد از خبیر ما با دشمنان نیابتی جنگیدیم و الان دوباره رسیدیم به دشمن اصلی. اصل این ها هستند. اشد کفر و عداوت همین ها هستند، ما تازه رسیدیم به اصل ماجرا. در قرآن هم آمده است که این ها از شما بیشتر می ترسند تا از خدا. یا در قرآن آمده است که این ها همیشه از پشت دیوار با شما می جنگند یعنی همیشه نیابتی می جنگند پس حالا که دیوار برداشته شده و مستقیم داریم می جنگیم مطمئن باشید پیروز می شویم.

○○●○○

shabaketabligh.ir



وضعیت را می توان با مثال فینال جام جهانی مقایسه کرد؛ مردم با هیجان به میدان آمده اند و حتی اگر شکست هم بخوریم، از این که تا اینجا رسیدیم خوشحال خواهند بود. اما این بار ما نه تنها به فینال رسیدیم، بلکه با اقتدار کامل وارد میدان شدیم و پیروز خواهیم شد.

○○○●○

shabaketabligh.ir

تکیه مقاومت و پیروزی، نه مقاومت و مظلومیت دوران دفاع مقدس نه مقاومت بدون اقتدار مظلومیت هست اما مظلومیت مقتدرانه، امروز باید در ذهن مردم جا بیفتد. صحبت های امروز آقا نیز سرشار از اقتدار بود، چه در بخش عربی و چه در بخش فارسی. این اقتدار و حس مقاومت را ما باید به مردم انتقال بدهیم که ما هنوز داریم دفاع می کنیم و اتفاقا درگیری ما امروز به نقطه اصلی رسیده است و دشمن در حال ضربه خوردن است. این تحولات، از قدس و غزه تا لبنان، دشمن صهیونیستی را به نقطه ای رسانده که دغدغه اصلی اش حفظ موجودیت است و ما در آستانه فتح و پیروزی قرار داریم.

○○○○●

shabaketabligh.ir




@H_raji @IScoda

سید محمد حسین راجی

**در این #لحظات مهم،
#نماز استغاثه به امام زمان را
فراموش نکنید**

ائمه جماعات با نمازگزاران،
والدین با خانواده،
فرماندهان با نیروها
... و

**از این #نماز مهم غفلت نکنند
۵دقیقه بیشتر زمان نمیخواهد**

موسسه فرهنگی و تبلیغی
مؤسسه فرهنگی و تبلیغی



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ
الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْبِيَاءِ الْحُجَّجِ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْبِيَاءِ الْحُجَّجِ
الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ أَشْهَدُ
أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنْتَ الَّذِي تَمْلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَعَدْلًا تَقْدَمَا كُنْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا فَتَعَجَّلْ اللَّهُ
فَرَجَكَ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَكَ، وَقَسِّرْ زَمَانَكَ، وَكُنْ أَنْصَارَكَ
وَأَعْوَانَكَ، وَأَلْحِزْ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْفَائِلِينَ
وَإُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الْبَيْنِ اسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ
تَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ،

موسسه فرهنگی و تبلیغی
مؤسسه فرهنگی و تبلیغی



**طریقه خواندن ۲ رکعت مانند نماز صبح
بعد از نماز رو به قبله و در زیر آسمان
می ایستیم و میگوییم**

سَلَامٌ اللَّهُ الْكَامِلُ النَّامُ السَّامِلُ الْعَامُّ، وَسَلَوَاتُهُ
الْثَابِتَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّحِقَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ
فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسَالِمَةٌ
السُّوَّةِ وَنَجِيَّةُ الْعَتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ
الْإِيمَانِ، وَمُنْقِذِ أَهْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ
الْعَدْلِ فِي الظُّلُمِ وَالْعُرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ،
الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْقُرْصِيِّ، وَابْنِ الْأَنْبِيَاءِ الطَّاهِرِينَ،
الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمُرْتَضِيِّينَ، الْهَادِيَ الْمَعْصُومِ
ابْنِ الْأَنْبِيَاءِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُجْرَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَايِنَ
الْكَافِرِينَ الْمُنْكَرِينَ الظَّالِمِينَ،

موسسه فرهنگی و تبلیغی
مؤسسه فرهنگی و تبلیغی



يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي
كُنْذَا وَكُنْذَا (و بجای كُنْذَا و كُنْذَا حاجات خود را بیان كند
و بگوید) فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
بِحَاجَتِي لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا
مَحْمُودًا، فَيَحِقُّ مِنِّي اخْتِصَامُ بِحَمْرِهِ، وَإِتِّصَامُكُمْ لِبِسْرِهِ،
وَبِالْإِسْنَانِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِنُكْتِكُمْ وَبِتَيْبَتِهِ، سَلِّ اللَّهُ
تَعَالَى فِي نُجْحِ ظَلْمَتِي وَاجَابَةِ دَعْوَتِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

موسسه فرهنگی و تبلیغی
مؤسسه فرهنگی و تبلیغی



سرنوشت مشترک

○ ○ ○ ○

سرنوشت مشترک

به نظر من بخش مهم سخنان امروز رهبری این بود که سرنوشت منطقه و مقاومت گرو خورده به ایران و این گره نباید باز شود.

باید دیروز تبیین می‌کردیم که امنیت ایران امنیت منطقه است و امنیت منطقه امنیت ایران است؛ اما امروز این مسئله عینیت پیدا کرده و روشن شده؛ یعنی اگر کسی فقط اخبار را ببیند متوجه می‌شود که تهدید به ایران رسیده است، تهدید ما تهدید منطقه است و تهدید منطقه تهدید ایران است و آقا امروز به این مسئله صورت ذهنی داد.

● ○ ○ ○

shabaketabligh.ir

لحظه لحظه مرگ و زندگی

لحظه لحظه مرگ و زندگی است، من معتقد هستم که اگر این راه به مردم نگوییم دشمن به مردم می‌گوید با القای ارضاب و بیشتر در دل مردم ترس ایجاد میکند، ما با ادبیات امید میتوانیم این را در بین مردم ترویج کنیم. در ۲ خرداد امسال آقا به رئیس مجلس لبنان فرمودند که شرایط برای هر دو جبهه شرایط مرگ و زندگی است. این مطلب باید پر تکرار گفته شود. این هیچ منافاتی ندارد با اینکه حزب الله استحکام دارد. این حرف با زوال رژیم اسرائیل تضاد ندارد ولی شرایط شرایط مرگ و زندگی است.

○ ● ○ ○ ○

shabaketabligh.ir

تقریر راهبردی این ترور

نیاید موردی و ناظر به امروز و دیروز این حادثه را تقریر کنیم. اصل ماجرا این است. پیمان ابراهیم به لحاظ دیپلماتیک شکست خورده است و دشمن می‌خواهد با اقدامات نظامی این شکست را جبران کند. اسم ششی را که سید حسن را شهید کردند شب نظم جدید نامگذاری کرده است. دشمن اصلی آمریکا است که پشت تمام این ماجراهاست، ما تا به حال موفق شدیم نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کنیم و آخرین ضربه را بر تابوت پیمان ابراهیم، طوفان الاقصی زده است.

○ ○ ○ ○

shabaketabligh.ir

دشمن مشترک، مقاومت مشترک

به هم پیوستگی دشمن مشترک در منطقه آشکار شده است. باید این شرایط مرگ و زندگی را برای طرفین تبیین بکنیم و از آن ترسیم. در عین حال که امیدواری وجود دارد، در عین حال که ما از بر تاپ سنگ در لبنان رسیدیم به اینجا و آن‌ها هم از آن هژمونی قوی رسیده‌اند به این جا که در حال فروپاشی هستند. ما کارشناس جنگی نیستیم که بگوییم جنگ می‌شود یا نمی‌شود؛ اما این شرایط را باید بگوییم هر چه شد شد. مردم باید از فضای ابزوله در بیایند و در جریان امور قرار بگیرند تا مقاومت مردم پایه شکل بگیرد، مثل همین حضور مردم در نماز جمعه نصر

○ ○ ○ ●

shabaketabligh.ir



۱۱ مهر

حجت الاسلام والمسلمین
سرلک



جلسه تحلیل نماز جمعه نصر

نماز جمعه نصر، باطل السحر بود!



نماز جمعه نصر، باطل السحر بود!

فرامتن این نماز جمعه خیلی مهم تر است خصوصاً از آنجایی که علیرغم تهدید مستقیم و القایی هم که شد، هم توسط رسانه داخلی و هم توسط رسانه‌های خارجی که احتمال زدن مصلی را می‌دادند تا جو را به هم بریزند و بتوانند از آمدن جمعیت جلوگیری کنند. اینکه آقا برای مجلس ختم آمدند و نشستند و بعد هم نماز عصر را خواندن و تعقیبات را هم همان‌جا خواندند. به نظرم این فرامتن، معنای خیلی مهمی دارد. این حضور در صحنه و این شجاعت را می‌رساند، امروز این نماز یک باطل السحر بود.



shabaketabligh.ir

یک خرد حساب شد و شجاع، پشت ایران است!

آقا فرمودند: «مانه تعالی می‌کنیم و نه شتابزده عمل می‌کنیم» این یعنی اگر جامعه بداند یک خرد حساب شد و شجاع تفرسی پشت ماجرا است، به خیلی از شایعات دیگر توجهی نمیشود. این مهمترین فرار خطبه‌های نماز جمعه نصر است.



shabaketabligh.ir



مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

لازم دانستم تکریم از برادرم و عزیزم
و مایه‌ی فخرم، چهره‌ی محبوب دنیای اسلام، و
زبان گویای ملت‌های منطقه، گوهر درخشان لبنان،
جناب سیدحسن نصرالله (رضوان الله علیه)
در نماز جمعه‌ی تهران باشد،
و تذکراتی هم به عرض همه برسانم.

